

نشست هم‌اندیشی مرجعیت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

(بهمن ۱۴۰۱)



دکتر محمدرضا مخبر دزفولی
چهره ماندگار علمی، عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری
اسلامی ایران و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی

سخن آغازین

هو العلیم

چند روز گذشته چهل و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب را جشن گرفتیم، جشن باشکوهی برپا شد و حضور مردم بسیار آگاهانه و خردمندانه بود و باید به رهبر بزرگوار و همه آحاد ملت تبریک گفت. این راه ۴۴ ساله، فراز و نشیب‌های بسیار داشته است. یکی از نقطه‌های قابل اتکایی که در این ۴۴ سال اتفاق افتاده، عرصه علم و فناوری است. همه ما و کسانی که حتی مخالف و دشمن ما هستند اقرار به تحولات و پیشرفت‌های ۴۴ ساله می‌کنند. جهت یادآوری، روزی که انقلاب اسلامی، دانشگاه‌های کشور را تحویل گرفت ۱۷۰ الی ۱۸۰ هزار دانشجو در دانشگاه‌ها مشغول به تحصیل بودند در صورتی که امروز، ۳ میلیون و ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار دانشجو در دانشگاه فعالیت دارند (در دوره‌ای بیش از ۴ میلیون دانشجو هم گزارش شده است). بر اساس مستندات، در خصوص استاد، محقق و اعضای هیئت علمی نیز، از حدود ۳ الی ۴ هزار عضو هیئت علمی به حدود ۱۰۱ هزار عضو هیئت علمی در دانشگاه‌های کشور اعم از دولتی و غیر دولتی افزایش یافته است که این اعداد، برای کشور بسیار تحسین‌برانگیز است. البته به دلیل اختلاف در نوع دانشگاه‌ها، رتبه آنها در یک سطح نیست و با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. این حرکت روبه‌جلو، قلب جریان تمدن‌ساز کشور است که می‌بایست بهترین و نخبه‌ترین نیروها در این جریان قرار بگیرند و این همان چیزی است که نظام به آن توجه کرده است. همین اتفاق در لبه‌های علم، فناوری‌های پیشرفته، نانو، زیست‌فناوری، هوافضا، سلول‌های بنیادی، پزشکی و غیر پزشکی اتفاق افتاده است.

اتفاق مهم این است که رهبر معظم انقلاب، نه تنها در دوره رهبری بلکه از دوره ریاست جمهوری نیز مدافع جدی جریان علم کشور بودند؛ بطوریکه تا به امروز استمرار داشته است. صرف نظر از فرازونشیب‌های دولت‌های مختلف با توانمندی‌های گوناگون که نسبت به جریان‌ات علمی کشور توجه یا بی‌توجهی داشته‌اند، اما با توجه به فرمایشات رهبری همچنان ایشان به جریان علمی تأکید داشتند. اگر قرار است هدف‌گذاری‌های بلندمدتی برای آینده کشور داشته باشیم و موضوع تمدن‌سازی نوین که در فرمایشات رهبری معظم انقلاب اشاره شده را مدنظر قرار دهیم توجه به نکته کلیدی «مرجعیت علمی» است. سؤالی که ایجاد می‌شود و مشورتی که با دوستان داریم «چیستی، چرایی و چگونگی دستیابی به

مرجعیت علمی» است که رهبری فرموده‌اند. در ابتدا باید درک کنیم که مرجعیت علمی چیست؟ ماهیت مرجعیت علمی چیست؟ و مؤلفه‌ها و اجزای آن کدام است؟ دوم اینکه چرا ما باید به مرجعیت علمی برسیم؟ و مرجعیت علمی چقدر در آینده ایران اسلامی، تأثیرگذار است و سوم اینکه چگونه به مرجعیت علمی دست یابیم؟

رهیافت ما برای رسیدن به مرجعیت علمی چیست یا رهیافت‌ها و روش‌های ما چگونه باید باشد. این نقطه مرکزی بحث و مشارکتی است که با همفکری در این جلسه کسب خواهد شد. تا رسیدن به یک نقطه قابل اتکا و یک ذهنیت و نگاه مشترک، برگزاری جلسات استمرار خواهد داشت تا بتوان با مشورت و کمک یکدیگر گام بزرگی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی که نقطه مرکزی آن، تحولات علم و فناوری است برداشته شود و همگام با فرهنگ، عدالت و مباحث دیگر با کیفیت خوب و مناسب پیشرفت کرد.



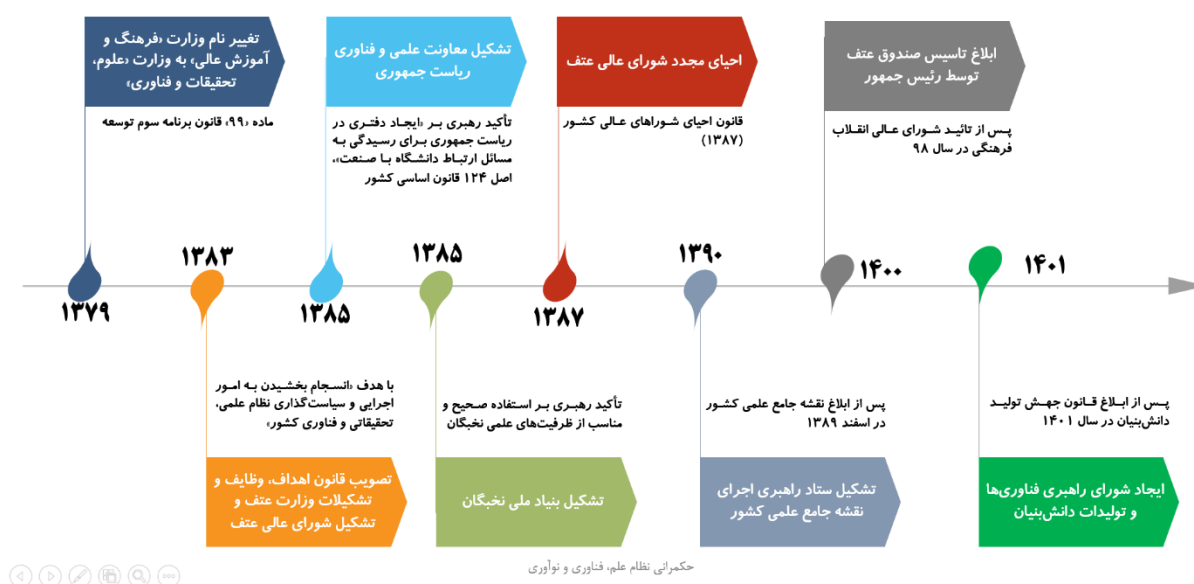
دکتر پیمان صالحی
معاون پژوهشی وزارت عتف

موضوع سخنرانی:
نظام حکمرانی – نمایه‌سازی – گسترش زبان فارسی

هو العلیم

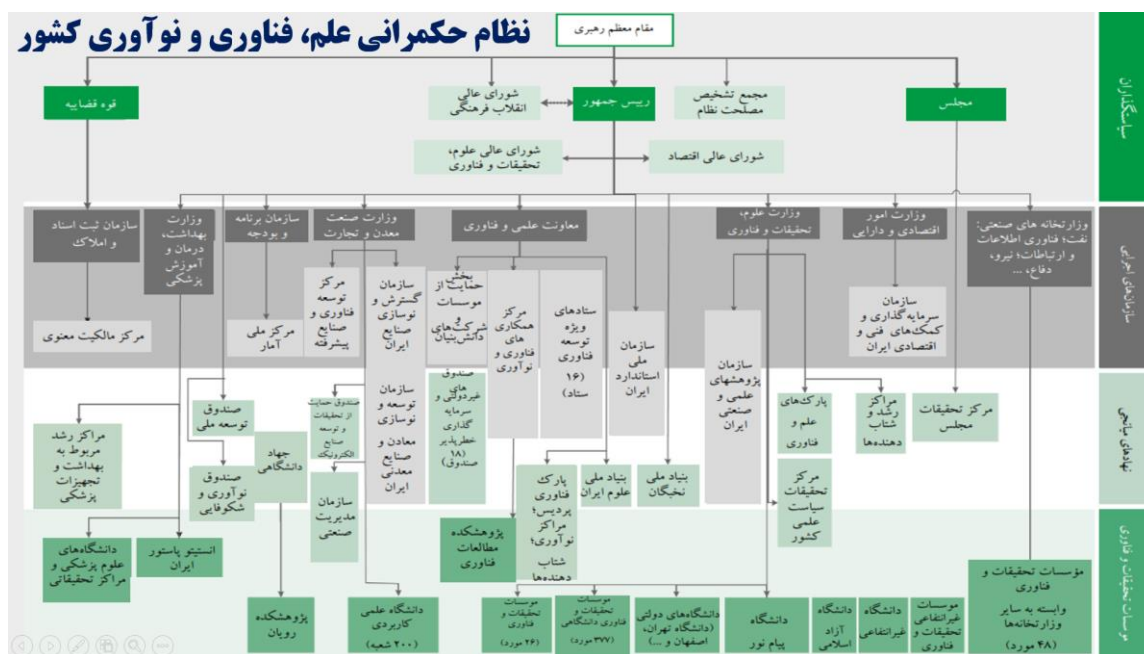
بدون مقدمه عرض کنم که بحث کلان بنده در نظام حکمرانی است که به مرجعیت علمی متصل می شود. مورد مهمی که اشاره می شود مبنی بر آن است که در چه نقطه ای قرار داریم و به کدام نقطه باید برویم. از بحث تحول و تکامل نظام حکمرانی علم و فناوری و اتفاقات خاصی که در حوزه علم و فناوری در کشور تأثیرگذار بوده اند شروع می کنم. قانون تشکیل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (با لحاظ مأموریتی پس از آن)، قانون اهداف وزارت علوم، تشکیل معاونت علمی، تشکیل بنیاد ملی نخبگان، احیای مجدد شورای عالی عتف، ستاد راهبری اجرای نقشه جامع بعد از ابلاغ نقشه جامع علمی کشور از جمله این مباحث به شمار می آیند. همچنین ایجاد صندوق عتف که نقطه عطفی است که در فعالیت های آینده اتفاق خواهد افتاد و نهایتاً، تصویب قانون جهش دانش بنیان در کشور، که از موارد بسیار مترقی و مهم هستند.

تحول و تکامل نظام حکمرانی علم، فناوری و نوآوری



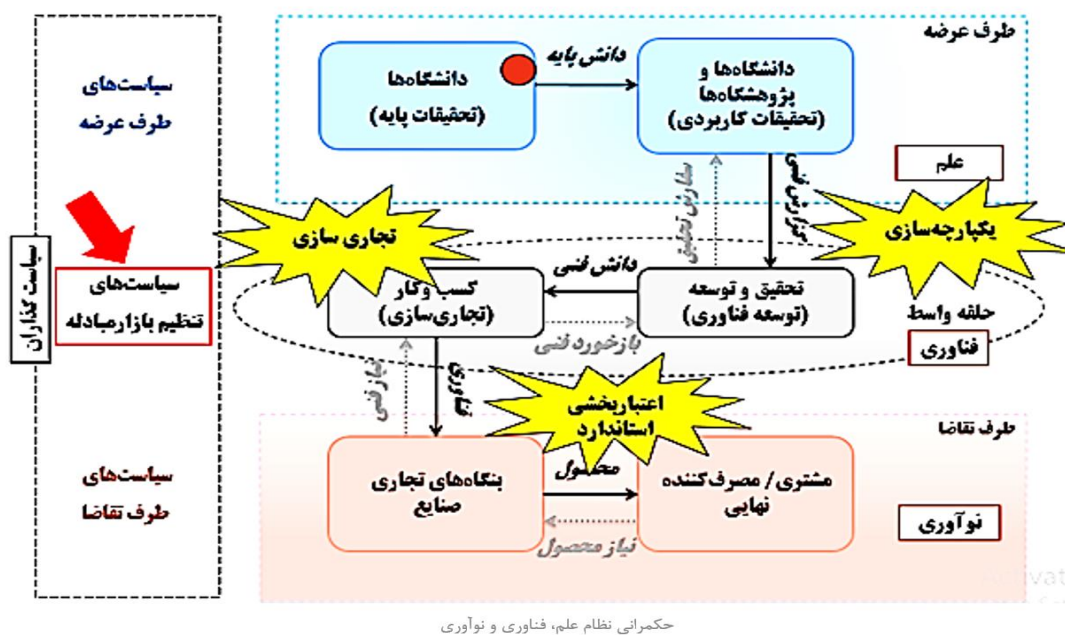
موضوع بعدی، حکمرانی علم، فناوری و نوآوری است. یعنی در لایه های مختلف سیاست گذاری بحث های اجرایی، بحث های نهادهای میانجی و بعضی مؤسسات تحقیقات فناوری، زیست بومی شکل گرفته است که گستردگی آن در

شکل زیر مشخص است. در این زیست بوم، نهادهای مختلفی وجود دارند که همکاری و هم افزایی آنها خیلی مهم است. اصلی ترین چالش ما در حکمرانی نظام علم، فناوری و نوآوری هماهنگی این نهادها و کسب بهترین خروجی ها و کاهش موازی کاری هاست.



در مؤلفه‌های نظام حکمرانی بازیگران زیادی وجود دارد؛ بازیگران فقط وزارت علوم، وزارت بهداشت، معاونت علمی و امثال این موارد نیستند بلکه کل جامعه و بازار، بازیگران این نظام‌اند. یعنی اگر بازار نقش بسزایی نداشته باشد و فقط با عناصر علم و فناوری، «نظام نوآوری» مدیریت شود، جریانی که هم‌اکنون در حال وقوع است رخ می‌دهد. لذا اهمیت متوازن مدیریت در دو طرف عرضه و تقاضا مبرهن است. مشکلات و چالش‌های جاری را می‌توان وجود موازی کاری، تداخلات و عدم هماهنگی‌ها در نظام معرفی کرد. مشکل آنجاست فردی که به سمت مدیریت نائل می‌شود متصور می‌شود اینجا هم‌اکنون مرکز جهان است و تمام مسئولیت‌ها بر عهده اوست چنانکه فراموش می‌کند سازمان باید با سازمان‌های دیگر، هماهنگی داشته باشد.

چالش عدم توازن در سیاست های طرف عرضه و تقاضای نوآوری



مثالی که در اینجا مطرح می شود عرضه علم و فناوری با دانشگاه و پژوهشگاه هاست (وزارت علوم، وزارت بهداشت، دانشگاه آزاد و ...) بنابراین این عرضه نباید بسیار پیچیده صورت پذیرد. نهادهای واسطی همانند جهاد دانشگاهی در کشور ایجاد شدند بدین صورت که به شکل نهاد واسط فعالیت داشته باشند در صورتی که در حال حاضر دارای دانشگاه، پارک و سایر موارد است. لذا این مسئله را باید جدی گرفت و باید تقسیم کار ملی برای ایجاد توازن در نظام عرضه و تقاضا که به تقسیم کار منطقی منجر شود وجود داشته باشد. این مسئله مهمی است و اما راهکار چیست؟ راهکار این است که همه این سازمانها در سطوح مختلف سیاست گذاری، اجرایی و موارد دیگر بتوانند وظایف و جایگاه خودشان را درک کنند و با یکدیگر همکاری داشته باشند.

مصادق آن قانون وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است: قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم. این موارد اهدافی است که بر اساس آن وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایجاد شده است. مهم تر از اهداف، مأموریت هاست. در این قانون سی و هشت مأموریت برای وزارت علوم دیده شده است. پانزده مأموریت آن متعلق به دانشگاه و دوازده مورد آن به سایر سازمانها مربوط می شود. آیا در یازده مورد باقیمانده به دانشگاه های وزارت علوم

اشاره شده است؟ بدین ترتیب تمام موضوع علوم، تحقیقات و فناوری کشور باید مدیریت شود. وزارت علوم، وزارت دانشگاه‌های کشور نیست و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری کشور است. در این قانون، کلمه یا عبارتی که مستقیم به دانشگاه‌های وزارت علوم اشاره کند، وجود ندارد. تمام سیاست‌گذاری، راهبری، نظارت، ارزیابی، آینده‌نگری و امثال این‌ها، وظایف وزارت علوم در حوزه علوم، تحقیقات و فناوری کشور است. پس باید این موضوع را جدی گرفت. از طرف دیگر در قانون، نقش شورای عتف به عنوان بازوی فراوزارخانه‌ای تعریف شده و رئیس این شورا رئیس جمهور است و وزرای مختلفی برای آن در نظر گرفته است. همچنین به شورای عتف اختیارات بسیار زیادی داده شده و باید بر این موضوع بیش از پیش توجه نمود تا شورای عتف بتواند نقش فرادستگاهی خویش را به عنوان عامل علوم، تحقیقات و فناوری، اجرایی و سیاست‌گذاری داشته باشد.

اهداف	
توسعه علوم	۱
توسعه تحقیقات	۲
توسعه فناوری	۳
تقویت روحیه تحقیق و تتبع	۴
ترویج فکر خلاق	۵
ارتقاء فرهنگ علم دوستی	۶
اعتلای موقعیت آموزشی کشور	۷
اعتلای موقعیت علمی کشور	۸
اعتلای موقعیت فنی کشور	۹
تعمیق و گسترش علوم، معارف، ارزش‌های انسانی و اسلامی	۱۰
اعتلای جلوه‌های هنر و زیبا شناسی	۱۱
اعتلای میراث علمی تمدن ایرانی و اسلامی	۱۲
تامین نیروی انسانی متخصص و توسعه منابع انسانی	۱۳
ارتقاء سطح دانش و مهارت فنی	۱۴
توسعه و ترویج تفکر علمی در جامعه	۱۵
حفظ و تحکیم آزادی و استقلال دانشگاهها و مراکز علمی تحقیقاتی	۱۶

قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری^۱

در اجرای ماده ۹۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با هدف اصلی انسجام بخشیدن به امور اجرایی و سیاست‌گذاری نظام علمی، تحقیقاتی و فناوری کشور، قانون وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تدوین و در تاریخ ۱۳۸۳/۰۵/۱۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

ماده ۱- به استناد ماده ۹۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۱۷ و بمنظور انسجام بخشیدن به امور اجرایی و سیاست‌گذاری نظام علمی، تحقیقاتی و فناوری کشور، اهداف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شرح زیر تعیین می‌شود:

الف- توسعه علوم، تحقیقات و فناوری و تقویت روحیه تحقیق و تتبع و ترویج فکر اخلاق و ارتقای فرهنگ علم دوستی.

ب- اعتلای موقعیت آموزشی و علمی و فنی کشور.

ج- تعمیق و گسترش علوم، معارف، ارزش‌های انسانی و اسلامی و اعتلای جلوه‌های هنر و زیبایی‌شناسی و میراث علمی تمدن ایرانی و اسلامی.

د- تأمین نیروی انسانی متخصص و توسعه منابع انسانی در کشور.

هـ- ارتقای سطح دانش و مهارت‌های فنی و توسعه و ترویج فرهنگ تفکر علمی در جامعه.

و- حفظ و تحکیم آزادی علمی و استقلال دانشگاهها، مراکز علمی و تحقیقاتی.

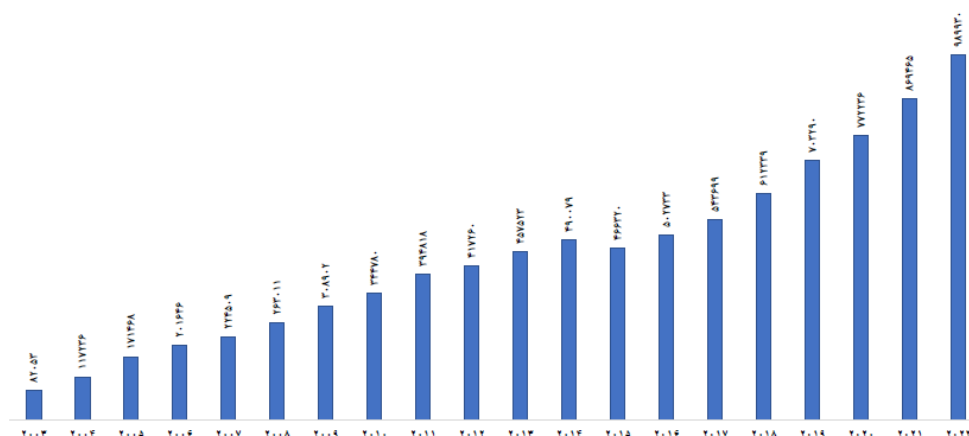
بعد از یازده سال، امسال آقای رئیس‌جمهور در جلسه شورای عتف حضور داشتند و مصوبات جلسه پیش‌گفته طی دو هفته به همه ذی‌نفعان جهت اجرا ابلاغ شد.

هم‌اکنون شورای عتف ده کمیسیون دارد و از زمان مسئولیت اینجانب، رئیس هشت کمیسیون بهداشت، دفاع، فناوری اطلاعات و ارتباطات، سمت و ... از بین معاونین وزیر انتخاب شده و این راهبری در حال انجام است.

رؤیت‌پذیری

این فرمایش مقام معظم رهبری (مدظله العالی) را بارها شنیده‌ایم و بحث مهمی است، آقای وزیر هم بارها فرمودند زبان فارسی باید زبان علمی باشد. اما چگونه ممکن است؟ سه کشور فارسی زبان وجود دارد، چطور قرار است در سطح دنیا زبان فارسی، زبانی شود که ملت‌ها به آن رجوع کنند؟ کشور ایران در سال ۱۹۹۶ با ۸۵۱ مقاله، رتبه پنجاه و چهارم را کسب کرده و هم‌اکنون با ۷۸ هزار مقاله، دارای رتبه پانزدهم است. این اتفاق بسیار خوب و شاهکاری است. با میزان سرمایه‌گذاری که صورت گرفته می‌توان گفت معجزه شده چراکه میزان هزینه صرف شده برای دستیابی به این نقطه در حد صفر بوده است. نکته مهم نسبت مستقیم اقتدار و اقتصاد با تولیدات علمی است.

تعداد مقالات کشور چین در پایگاه اسکوپوس در طی بیست سال اخیر



تولید مقاله در ایالات متحده هفت صد هزار تا هشت صد هزار در سال است. کشور چین نیز که امروزه ابرقدرت اقتصاد جهان شناخته می‌شود، در سال ۲۰۲۲ حدود یک میلیون مقاله و در سال ۲۰۰۳، ۸۲ هزار مقاله منتشر کرده است که با تعداد مقالات کنونی کشور ایران، یکی است. بنابراین کشور چین به این نتیجه رسیده است که تولیدات علمی می‌تواند زیرساخت مباحث فناوری و زمینه‌های موضوعی باشد. ۱۴۲۶ نشریه علمی در کشور مجوز دارند که این هدف را به سرانجام برسانند، حدود ۸۰۰ مجله از حوزه علوم انسانی است و سایر حوزه‌ها که در شکل زیر قابل مشاهده است.

تعداد نشریات علمی در حوزه های مختلف به تفکیک سال

تعداد نشریات علمی به تفکیک گروه از ابتدای برنامه پنجم توسعه تا سال ۱۴۰۰									
گروه	۱۳۹۲	۱۳۹۴	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰
علوم انسانی	۵۶۶	۶۰۳	۶۴۱	۶۷۹	۶۹۹	۷۳۸	۷۵۳	۷۷۰	۷۸۸
فنی و مهندسی	۱۶۳	۱۷۴	۱۹۱	۱۹۸	۲۱۱	۲۲۲	۲۲۳	۲۲۶	۲۲۷
کشاورزی و منابع طبیعی	۱۴۰	۱۵۵	۱۶۷	۱۷۱	۱۷۳	۱۷۹	۱۸۳	۱۸۴	۱۸۵
دامپزشکی	۱۲	۱۴	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۹	۲۰	۲۰
علوم پایه	۹۶	۱۰۱	۱۱۶	۱۲۹	۱۳۵	۱۴۵	۱۴۹	۱۵۵	۱۶۰
هنر و معماری	۲۷	۳۱	۳۰	۳۲	۳۴	۳۸	۴۱	۴۵	۴۶
جمع کل	۱۰۰۹	۱۰۷۸	۱۱۵۱	۱۲۲۷	۱۲۶۶	۱۳۴۰	۱۳۶۸	۱۴۰۰	۱۴۲۶

وضعیت زمینه‌های موضوعی مقالات بین‌المللی کشور ایران در سال ۲۰۲۲ در جدول نشان داده شده است. در سطح بین‌المللی اکثر مقالات در حوزه‌های فنی و علوم پزشکی منتشر شده است و مباحث علمی حوزه‌های علوم انسانی در سطح بین‌المللی انتشار نیافته و تنها به زبان فارسی اکتفا شده است.

زمینه موضوعی مقالات کشور ایران در سال ۲۰۲۲

SUBJECT AREA	Documents
Medicine	۲۰۹۱۳
Engineering	۱۷۹۲۱
Materials Science	۹۴۷۱
Chemistry	۹۰۸۶
Biochemistry, Genetics and Molecular Biology	۸۷۳۸
Computer Science	۷۸۰۸
Physics and Astronomy	۷۷۴۲
Mathematics	۷۳۳۱
Environmental Science	۷۲۸۱
Agricultural and Biological Sciences	۷۰۷۸
Chemical Engineering	۵۸۰۴
Energy	۵۰۷۴
Social Sciences	۴۹۹۰
Pharmacology, Toxicology and Pharmaceutics	۳۷۳۳
Earth and Planetary Sciences	۳۴۹۷
Immunology and Microbiology	۲۸۸۴
Nursing	۲۱۹۴
Business, Management and Accounting	۱۶۸۴
Multidisciplinary	۱۶۱۷
Neuroscience	۱۶۰۶
Health Professions	۱۴۷۱
Decision Sciences	۱۴۶۰
Psychology	۱۳۰۶
Arts and Humanities	۱۱۹۷
Veterinary	۸۳۳
Economics, Econometrics and Finance	۷۰۳
Dentistry	۶۴۲

مطابق با دستور مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، باید سیاست گذاری و هدف نشریات خارجی و حتی نشریات فارسی، نمایه بین‌المللی باشد. بنابراین پیش‌نیاز نمایه شدن در پایگاه‌های اسکوپوس و وب‌آوساینس، نمایه نشریات در پایگاه دوآج^۱ است که در یک سال گذشته بسیاری از نشریات در این پایگاه فهرست شده‌اند.

تعداد نشریات ایرانی نمایه شده در پایگاه DOAJ

وزارت عتف	کل کشور
۳۲۵	۶۹۵

نشریات جدید نمایه شده	مرداد ۱۴۰۱	مرداد ۱۴۰۰	تاریخ
			تعداد نشریه نمایه شده
۵۸	۳۲۶	۲۶۸	وزارت عتف
۹۱	۶۹۶	۶۰۵	کل کشور

تعداد نشریات ایرانی بر حسب زبان نمایه شده در پایگاه DOAJ

English	۴۰۰
Persian	۳۳۱
Arabic	۴
French	۲
Russian	۲
Kurdish	۱

در پایگاه دوآج، هم‌اکنون کشور ایران دارای رتبه ششم جهان است؛ بطوریکه از بین ۶۹۶ نشریه نمایه شده اکثر آنها به زبان فارسی است و جزئی از هزار و چهارصد نشریه علمی هستند. همچنین ایران در مجلات دسترسی آزاد^۲،

^۱ Directory of Open Access Journals (DOAJ)

^۲ Open access journal

زبان یازدهم دنیا را کسب کرده در حالی که جمعیت ایران در رده یازده دنیا نیست. با چه سیاستی؟ با سیاست «نمایه سازی» که به عبارتی نمایه شدن مجلات است.

بر اساس آمارها تا قبل از شروع به کار دولت سیزدهم، یکصد و یک مجله نمایه شده در اسکوپوس وجود داشته است. در حدود یک سال پیش، بیست و شش نشریه به این آمار اضافه شده که از این بیست و شش مورد، سه نشریه فارسی هستند و مقالات فارسی در نمایه بین المللی فهرست شده است بدین صورت مطالعه چکیده و متن مقاله منوط بر رجوع به زبان فارسی است. بنابراین این موضوع تحت عنوان مصداقی برای مرجعیت علمی مطرح شد. بنابراین در نظام حکمرانی باید مشورت کرد و به هماهنگی هایی دست یافت. تقسیم کار ملی در سازمان ها و نهادهای سیاستگذار موجود، مسئله بسیار مهمی است که البته تقریباً محقق نشده و موازی کاری هایی انجام می شود.



دکتر قاسم عموعابدینی
معاون آموزشی وزارت عتف

موضوع سخنرانی:
رابطه بین آموزش هدفمند و مرجعیت علمی

هو العلیم

صحبت‌های من راجع به رابطه بین آموزش هدفمند و مرجعیت علمی است. خلاصه‌ای که چندین سال است به نوعی نظام آموزش عالی را آزار می‌دهد و این نظام در صدد است که از یک سو به رویکرد فناوری و نوآوری و از طرف دیگر به اقتصاد دانش‌بنیان تمایل داشته باشد. در صورتی که اساس آن حوزه آموزش است و طبق فرمایش آقای دکتر زلفی‌گل، هدف، ایجاد آموزش پژوهش‌محور یا پژوهش آموزش‌محور است؛ به طوریکه ارتباطات بین دو محور مشخص باشد. سؤال این است که در طی نه سال گذشته، جمهوری اسلامی ایران در حوزه تولیدات علمی در رتبه‌های چهارده، پانزده یا شانزده ثابت مانده است و ارتقاء پیدا نکرده و حتی به رتبه‌های سیزده و دوازده دست نیافته است؟

حضرت آقا مطرح کردند که باید مراقب توقف و کاهش شتاب تولیدات علمی بود، در صورتی که آمار و اطلاعات نشان می‌دهد این اتفاق افتاده است. این در واقع سؤالی است که قابل طرح بوده و اما راهکار مقابله با آن چیست؟ مثل بدنی که دارو مصرف می‌کند و بعد از مدتی به دارو مقاوم می‌شود و بالاخره برای حل مشکل باید فکری کرد. دومین مورد مطابق با صحبت‌های انجام شده، اولویت با دانشگاه‌های آینده است و همان‌طور که نشان داده شد، تعداد زیادی از فناوری‌ها در حال توسعه است و بررسی‌ها نشان می‌دهد که حدود پنجاه درصد از شغل‌ها، در ده سال آینده اصلاً وجود ندارند.

محورهای تحقق آموزش هدفمند



در چنین شرایطی، آموزش، به چه سمتی می‌رود؟ آیا هدف آموزش رصد هوشمندانه شرایط است؟ در حوزه‌هایی همچون کوانتوم یا هوش مصنوعی و سایر مثال‌های پیش‌گفته، باید تربیت متخصص در تراز انقلاب اسلامی صورت پذیرد. لذا آموزش باید توجه و مسیر خویش را در جهت کمک و ارائه راهکار برای دو سؤال مطرح شده قرار دهد. در ادامه بر اساس موضوع که رهیافتی جهت دستیابی به پاسخ باشد پرداخته می‌شود. بالاخره این باور را داریم ملتی که دو بار، قبل از اسلام و بعد از اسلام تمدن‌سازی کرده است به طور قطعی می‌تواند تمدن سوم را نیز بسازد و حضرت آقا در گام دوم به بیان آن پرداخته و نقش دانشگاه‌ها را نیز در موارد مختلف مشخص کرده‌اند.

در هر حال جایگاه آموزش در مرجعیت علمی، باید در سطوح مختلف شکل بگیرد، نباید تصور شود مرجعیت علمی در سطح جهانی است بلکه باید مرجعیت علمی در داخل نیز متبلور شود تا مفهوم «ما می‌توانیم» و باوری که در جوانان و مردم باید ایجاد شود، در سطوح مختلف تحقق یابد. مطالعات نشان داده که در سطح جهانی، حلقه اول مرجعیت «آموزش» است. مگر می‌شود هم‌اکنون تولیدات علمی انجام شود و مقالات فناوری منتشر شود اما دانشجوی دوره لیسانس خوب تربیت نشود، یا مبانی پایه علمی را خوب آموزش نیند؟ به طور قطع اگر این اتفاق نیفتد، در دوره ارشد و دکترا که مسائل تحقیق و تولید فناوری شکل می‌گیرد، ضعیف خواهیم شد چنانکه هم‌اکنون از نظر مبحث مربوط به علوم پایه و مهندسی مشکلاتی ایجاد شده است. به هر حال باید سه ویژگی به وجود آید تا آموزش منجر به مرجعیت علمی شود. انتقال صحیح دانش صورت گیرد و آن ارتباط صنعت، فناوری و دانشگاه است و باید مبتنی بر اهداف و نیازها باشد. نمی‌شود فردی تربیت شود که بخواهد شغلی را کسب کند اما این توانمندی را نداشته باشد. باید در واقع آموزش به سمتی باشد که این توانمندی را بتواند ایجاد کند. از طرف دیگر، در مقام آموزش بتواند یک جامعه‌نگری، مبتنی بر حکمت و خرد را ایجاد کند، که فرد در مبنای اندیشه، توانمندی و علم خویش، در سطح کشور یا در مجموعه‌های علمی بهتر شود. به هر حال، موضوع بعدی، منشأ پژوهش مرجعیت محور، «تلاش فناورانه محور و نوآورانه فرهنگی»، «آموزش مرجعیت آفرین» و «آموزش هدفمند» است که باید صورت پذیرد.

محورهای تحقیق یک آموزش هدفمند با تحقق مفهوم مرجعیت بر اساس شش محور است: یکی «ایجاد نظام آموزش یا صنعت» است، یعنی باید این ارتباط برقرار شود. این مطابق با فرمایش حضرت آقا در بازدید از صنعت خودروسازی قریب به ۲۷ یا ۲۸ سال گذشته است که فرمودند آرزوی دیرینه ما، ارتباط با صنعت و دانشگاه است که باید در این حوزه

اتفاقی بیفتد و امروز اقداماتی انجام شده است. دیگری «تمرکز راهبردی بر تحول علوم انسانی» است، تمرکز راهبردی و تحول علوم پایه و فناوری‌های نوظهور است که باید تمرکز آموزش بر آن باشد و آن برنامه را برای آینده کشور ایجاد کند. «اصلاح برنامه‌های درسی» مورد دیگری است که باید به گونه‌ای شکل بگیرد و هم‌اکنون در شورای برنامه‌ریزی و شورای گسترش این اقدام صورت گرفته است؛ به صورتی که برحسب نیازمندی‌ها، سی یا چهل واحد در اختیار دانشگاه قرار گرفته می‌شود تا بتواند خود را با صنعت و جامعه مطابقت دهد. بورس صنعتی که در یزد صورت گرفته مبتنی بر مصوبه‌ای است که در شورای برنامه‌ریزی گسترش یافته است. محور پنجم، «اصلاح نظام پذیرش دانشجو» است. هم‌اکنون یک دانشجوی موفق، نامه‌ای به یک استاد در خارج ارسال می‌کند، فوری یک دعوتنامه و سپس ویزا می‌گیرد و شروع به تحصیل می‌کند. الحمدلله مصوبه تحصیل به صورت استادمحوری مخصوصاً برای استعدادهای درخشان و نخبگان شکل گرفته است که به استاد طی یک نامه ابلاغ می‌شود. اگر استاد پروژه‌ای در سامانه داشته باشد می‌تواند آن دانشجو را پذیرش کند. اصلاح نظام پذیرش باید اتفاق بیفتد تا نگهداشت نخبگان و استعداد درخشان صورت پذیرد، چراکه آنها پایه برنامه تحقیقات و تولیداتی خواهند بود که ما را در سطح جهانی، به سمت مرجعیت علمی می‌برند. به هر حال این اقدامات در حوزه‌های مختلف شکل گرفته است و مواردی در نظام‌های آموزشی و صنعتی انجام شده و برنامه‌های مختلفی در سطح وزارت و در سطح آموزش انجام شده است. برنامه‌ریزی برای آموزش هدفمند و تحقق برنامه‌های داخلی و خارجی به دلیل تدوین نظام جامعه‌های آموزش بوده است؛ به صورتی که برحسب دستگاه دولتی یا نیاز جامعه و صنعت، بخش خصوصی و بخش مربوط به فناوری، آموزش چگونه شکل گیرد. هم‌اکنون برای شکل‌گیری نظام جامعه آموزش کشاورزی که به هر حال یکی از محورهای مهم در حوزه امنیت غذایی است برنامه‌ریزی‌هایی انجام شده است. نظام جامع آموزش فناوری هم مبحث مهمی است که باید به گونه‌ای برنامه‌های ده سال آینده در این نظام تدوین شود و اقداماتی با معاونت علمی انجام شده است و در این مسیر، گام‌هایی برداشته شده است. در جهت آموزش هدفمند، بحث علوم انسانی و دروس معارف است؛ خلاصه‌ای است که دانشجو و مجموعه بتواند توانمندی خودش را در حوزه‌های مختلف کشور نشان دهد و آن نیاز به یک باور است. همچنین نیاز به بحث‌های مربوط به معارف دارد، که هم‌اکنون طرح تحول در دروس معارف برنامه‌ریزی شده است و به دفتر نهاد نمایندگی ارسال شده تا بتوان آموزش‌ها را در این حوزه هدفمند کرد. در حوزه مربوط به علوم پایه هم آموزش هدفمند شکل گرفته و برنامه‌ریزی‌هایی شده است. به طوریکه دانش‌آموزان یا متقاضیانی که قصد معلمی دارند، نصف برنامه درسی را در دانشگاه‌ها در علوم پایه و مابقی

دروس را در دانشگاه فرهنگیان می گذرانند. به این ترتیب بخشی از نخبگان به این سمت هدایت شدند تا بتوان مشکلی را که در علوم پایه ایجاد شده، با روش های مختلف حل کرد. افزون بر این بحث های مربوط به مهارت در بحث آموزش هدفمند نیز برنامه ریزی شده است.

اگر قرار است این مسیر طی شود، چه برای فناوری های آینده که هم اکنون مورد نیاز است، چه اثربخشی آموزش در وضعیت فعلی که لازمه رفع نیاز کشور است، ضروری است برنامه های خارج از وزارت علوم، صورت پذیرد و هماهنگی هایی انجام شود. با توجه به اشارات آقای دکتر به مبحث حکمرانی، در سطح حکمرانی نیز باید دستگاه های اجرایی نیازهای خود را اعلام کنند و برحسب آن نیاز دانشگاه ها بتوانند آموزش های لازم را بدهند. از طرفی بحث های مربوط به حوزه فناوری، هم باید به گونه ای مطرح باشد که بتوان بخش مربوط به معاونت علمی را هماهنگ کرد و این فضا مهیا باشد به طوریکه نیازهای آینده برای مباحث مرتبط با آموزش که به تأمین نیازهای فناورانه کشور در آینده بی انجامد مشخص شوند.



دکتر محمد جواد اردشیر لاریجانی
رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی

موضوع سخنرانی:

تعاملات بین‌المللی

هوالمعلم

مفهوم مرجعیت باید به مراکز علمی و تمامی بخش‌های آن استناد داده شود؛ بطوریکه تنها به مفهوم عام نباشد. مثلاً در دانشگاه استنفورد، دو بخش مرجعیت علمی دارند: یکی در قسمت کیهان‌شناسی و دیگری در قسمت فیزیک اتمی. یا مثلاً در دانشگاه ریستون و در دانشگاه کمبریج به همین ترتیب مرجعیت علمی صورت گرفته است. بنابراین، باید مرجعیت علمی به بخش‌هایی در مراکز علمی مختلف استناد داده شود و این‌طور نیست که برجسی برای کشور یا حتی برای یک دانشگاه باشد. نکته دوم این است که مرجعیت علمی، هم باید به دست آید و هم حفظ شود. چرا که به هر جهت حوزه‌های علمیه‌ای همچون حوزه‌های علمیه اصفهان که دارای مرجعیت علمی بزرگی بودند و همچنین کاشان و مراغه از دست رفتند. اما مرجعیت علمی، حقیقتاً چیست؟ باید گروهی باشند که قصد شکاف مرزهای خیلی مهم را داشته باشند و این اقدام همراه با برکاتی است که مطالب زیادی را به ارمغان می‌آورد. من در خصوص کارایی مرجعیت علمی بحث نمی‌کنم، چرا که باید باشد و موضوعی به دست آوردنی است. مراکز علمی که هدف آنها مرجعیت علمی است، باید هسته اولیه‌ای از افراد باشند و آنها را جذب کنند؛ به‌طوریکه به صورت جهادی عمرشان را در این راه صرف کنند. البته انتخاب افراد، مسائل مختلفی را به دنبال دارد که در صورت اقدامات جدی و تمهیدات لازم، برخی از آنها در عرصه رقابت تلاش می‌کنند، موفق می‌شوند و برکات زیادی را رقم می‌زنند.

بنابراین برای اینکه مرجعیت علمی در کشور دامن زده شود، چند پیشنهاد خیلی مشخص دارم: یکی اینکه مرجعیت علمی از سطح بالا به جاهای مختلف مأموریت داده نشود. این شدنی نیست، باید مراکزی در زمینه کسب مرجعیت علمی

تعریف و تأسیس شوند. از آنجا که مرجعیت علمی به اصطلاح یک ماجراجو^۱ خوانده می‌شود، مراکز که هدف آنها مرجعیت علمی است باید یک هسته تشکیل دهند و اقداماتی برنامه‌ریزی شود. البته هزینه و اعتبار، اهمیت بسزایی دارد اما قبل از هزینه همت لازم است. در تجربه «پژوهشگاه دانش‌های بنیادی»^۲ کسب مرجعیت علمی در دو زمینه مطرح می‌شود: یکی در حوزه نجوم و کیهان‌شناسی^۳ است و یکی در حوزه فیزیک اتم^۴ است که در این زمینه اقدامات فراوان و متمرکز انجام شده است. به دلیل اینکه در مراکز پیش گفته، هدف انجام تحقیقات بکر است، عالم با عالم واقع دست اول مربوط می‌شود که در غیر اینصورت مقاله‌خوان می‌شود و مسئله بدی است. در صورتی که لازمه آن تأسیس آزمایشگاه‌های بزرگ یا رصدخانه است. این آزمایشگاه همان کیهان‌شناسی و علوم نجوم کشور است که به دنبال آن، حوزه‌های زیادی از فناوری وارد کشور شده است. نکته‌ای که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) فرمودند در چرخه علم به سمت تکنولوژی، صنعت و سرمایه، در حوزه علوم پایه حرکت از علم به تکنولوژی صورت می‌گیرد اما فرایند صنعت به مراحل بعد روی نمی‌دهد. یا در فیزیک اتم، بخش ذرات شتابگر وجود ندارد. دلیل انتخاب این قضایا این است که سرچشمه معارف مادی مربوط به فهم ماده با انواع مختلف، یا فهم نظام‌های زیستی (بایو)، یا حوزه علم و نفس یا مربوط به محاسبه است که حوزه محاسبه یک فن و موضوع علمی است و این از برکات تعالیم فیثاغورث بود که محاسبه را به عنوان علم ضمیمه‌ای معطل نکرد و یک بحث نظری را ارائه داد.

صحبت من راجع به یکی از نیازمندی‌های مرجعیت علمی است که مربوط به روابط با دنیا است. همانطور که گفته شد در گام اول گروهی تحت عنوان ماجراجو نیاز است که مرجعیت علمی ایجاد شود که البته اقدامی زمان‌بر و وقت‌گیر است و لازمه آن فداکاری است. کار سختی است، اما شدنی است. یکی از نیازهای کلی کشور، در تحرک علمی به خصوص در مرجعیت علمی، این است که با سایر دانشمندان دنیا باید رقابت وجود داشته باشد. حضرت آقا در یک

¹ adventure

² IPM

³ Cosmology

⁴ Higherly physics

بحث فرمودند که رقابت باید در صحنه جهانی باشد؛ در غیر این صورت، کف زدن برای خودمان رقابت نمی‌شود. این رقابت با دیگران، دیدار اساتید، مشاهده اقدامات بزرگ و رفت و آمدشان را رقم می‌زند که بسیار ضروری و با برکت است. هم‌اکنون دو موضوع را مطرح می‌کنم: یکی روش و یکی نگرانی‌های امنیتی. در روش باید از عالم به عالم ارتباط شروع شود؛ چون در کشورهای غربی، دانشمندان چندان به عالم سیاست اعتقاد نداشته و سیاستمداران را نیز قبول ندارند. حتی در آمریکا حرف‌های ترامپ و بایدن را قبول ندارند. البته جمعی وجود دارد که علاقه‌مند به همکاری با سایر دانشمندان هستند. همین‌طور در کشور ایران وقتی افراد بسیار متدین انقلابی در یک حوزه علمی با یک دانشمند خارجی صحبت می‌کنند، این‌طور نیست که به آن برجسب آمریکایی بزنند. بنابراین ارتباط علمی بومی^۱ صورت می‌گیرد و به جای شروع از سطوح بالا، ارتباط عالم به عالم محقق می‌شود. در زمینه مؤسسات نیز ارتباط عالم با مؤسسات و گاهی مؤسسه به مؤسسه ضروری است. بدین صورت است که اگر فرد، با استاد برجسته ارتباط برقرار نکند افق کاری وی پیشرفت نمی‌کند.

نگرانی امنیتی در کشور امری جدی است، به نظر می‌رسد آمریکا و غرب صهیونیست، بودجه بزرگی را جهت جذب نیروی انسانی کشور نه در سطح نخبگان حتی در سطوح پایین‌تر اختصاص داده‌اند. بنابراین این مسئله کاملاً جدی است، افراد نخبه و حتی افراد معمولی که قصد اقامت در کشور آلمان دارند، در طی چهل روز اقامت می‌گیرند و همچنین کشور آمریکا که سی‌روزه اقامت می‌دهد. این یک تئوری و پروژه کاملاً توطئه‌آمیزی است که نیروی انسانی ایران را کاهش دهند. این یک واقعیتی است که وجود دارد، البته در داخل کشور هم چهره‌های سیاسی برای دامن زدن به این قضایا وجود دارند. نکته دوم این است که در مواقعی افراد بیرونی در توطئه‌های داخلی دخالت دارند. قبل از فتنه سال ۱۳۸۸، جان کین، از طرف اصلاح‌طلب‌ها به ایران دعوت شد. جان کین، در واقع متفکری است که انقلاب‌های رنگارنگ را شکل داده و به ساخت تئوری پرداخته است. او جلسات بسیار مفصلی برای ساماندهی به این قضیه برپا کرد. در این فتنه اخیر، نقش جان کین را یک متفکر اسلوانی به نام ژیزک ایفا کرده است. تئوری ژیزک در

¹ localize

واقع تئوری آناشیسستی است. نکته‌اش «چطور قانون را بشکنیم»^۱، و کتاب‌های او در ایران توسط دوستان اصلاح‌طلب به طور وسیعی، پخش شده؛ به طوری که حتی بعضی از نویسندگان، افکارش را القا می‌کنند. این فتنه اخیر، بدین صورت که چند نفر در خیابان پرده‌داری کنند طراحی نشده است. بلکه اساس کار بر «چطور قانون را بشکنیم» و نقشه‌های بعدی پس از آن طرح‌ریزی شده است. بنابراین توصیه اینجانب این است که در وزارت علوم هسته‌ای از نیروهای وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه، خارجه و خود وزارت علوم به عنوان مدیر جلسات ایجاد شود. مواردی که لازم است دقت شود اینکه سانسور دستور کار نباشد؛ یعنی دانشمندی که قصد سفر به خارج دارد، حراست وزارت علوم، اختیار علت سفر دانشمند و پرسش و پاسخ را به حراست مؤسسه مربوطه با ادای احترام بسپارد. ارتباط با کشورهای مثل آلمان، فرانسه، انگلیس، آمریکا ممنوع اعلام شده است؛ در صورتی که دانشمندان خوبی در آنجا هستند که تمایل به همکاری با دانشمندان ایرانی دارند. چرا باید خود را تحریم کنیم؟ بهتر است زیر چتر امنیتی این ارتباط صورت گیرد. من دقت امنیتی را صد در صد قبول دارم؛ اما اینکه به خاطر نگرانی امنیتی از تحرک بین‌المللی، دست برداریم را قبول ندارم.

¹ how to break a law



دکتر سید سروش قاضی نوری
رئیس مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

موضوع سخنرانی:

چیستی و چرایی مرجعیت علمی

هو العلیم

در ابتدای بحث سعی می‌کنم «چیستی و چرایی مرجعیت علمی» را مطرح کنم. طبیعتاً صاحب‌نظران بزرگوار بیشتر روی چگونگی و اجرا وارد خواهند شد. در مورد چیستی مرجعیت علمی، به نظر بنده، بهترین راهنما فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) است که قریب به بیست سال اخیر به عناوین مختلف این نکته را تأکید کردند که باید به نقطه‌ای دست یابیم که دنیا در علم، سراغ ما بیاید و این مفهومی که ایشان مطرح کردند تنها ناظر به دانشگاه‌ها نیست؛ یعنی بهره‌بردار و ارزش افزوده این موضوع، فقط در عرصه علمی و دانشگاهی نیست بلکه باید منجر به برتری فرهنگی نیز شود. یعنی باید ارزش افزوده اجتماعی، اقتصادی، کارآفرینی و تجارت در جامعه ایجاد کند که ایشان در مواضع مختلفی، این نکته را تأکید کرده‌اند. توجه به نکات ایشان و همچنین برخی صاحب‌نظران مختلف در این زمینه نشان می‌دهد، اولاً کلیدواژه‌های مختلفی اعم از برتری در تحقیقات علمی، ریاست علمی و دینی، صدرنشینی علم و فناوری، جریان‌سازی علمی، درجه علمی برتر در دنیا، شکستن مرزهای علم، سرآمدی علم و فناوری و ... برای این موضوع مطرح شده است، اما این منظومه‌ای است که باید برای پیاده‌سازی آن ابعاد مختلفی در نظر گرفته شود. به عبارتی باید کار فرهنگی و نظام علمی انجام گیرد و ملاحظات مدیریتی و سیاسی در لایه سیاسی مدنظر صورت پذیرد. جالب است که بر الگوسازی جهانی و نواندیشی علمی تأکید شده است؛ به صورتی که دولت باید در این زمینه مداخله کند و در نقشه راه و نقشه جامع علمی کشور نفوذ نماید. افزون‌براین، زیرساخت‌هایی اعم از زبان فارسی، تقویت زبان فارسی، جهانی‌سازی این زبان و مرجعیت نهادی وجود داشته باشد.



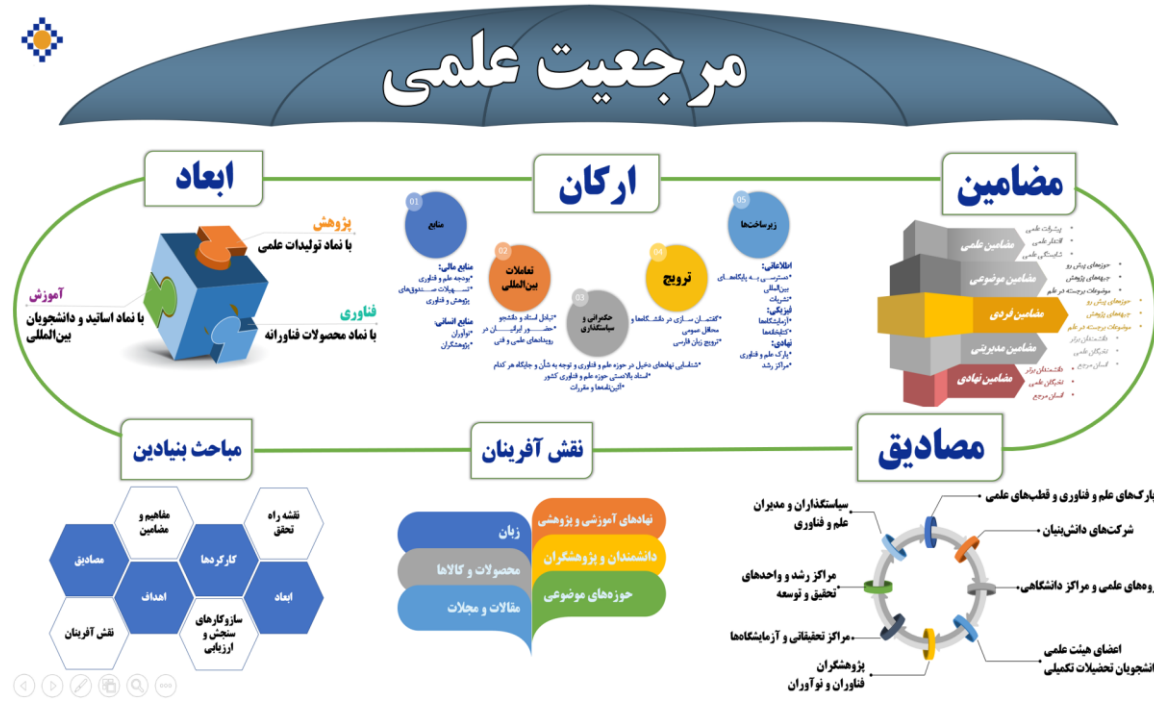
مرجعیت علمی، چیستی

واژه «مرجعیت علمی» نخستین بار توسط مقام معظم رهبری در فضای گفتمان علمی کشور مطرح شد. پس از آن به ادبیات سیاستی و اسناد بالادستی کشور وارد و در محافل علمی و دانشگاهی رایج شد. مرجعیت علمی یکی از مفاهیم گسترده و از جمله سیاست‌های کلان در گفتمان پیشرفت علمی ایران است که از نمادهای توجه سیاسی به این زمینه کلیدی به شمار می‌آید. در واقع مرجعیت علمی، کلان‌فراپندی است که پیشرفت همه‌جانبه کشور، ثروت‌آفرینی، اقتدار علمی، رشد اقتصادی، اقتدار ملی، عزت ملی و تشکیل تمدن اسلامی از افقها و پیامدهای آن محسوب می‌شود.

مرجعیت علمی به عنوان یک سازه چند لایه



اگر بخواهیم در یک تصویر کلی، آن چیزی که امروزه از مرجعیت علمی و چپستی مرجعیت علمی برداشت می‌شود را نشان دهیم، می‌توانیم بگوییم که دارای ابعاد علمی، فناورانه و آموزشی است و فقط جنبه مرجعیت علمی آن، مورد توجه نیست. همچنین بازیگران متفاوتی در این زمینه نقش دارند؛ اعم از دانشگاه‌ها، پارک‌ها، پژوهشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و بازیگرانی که در آن حوزه باید وجود داشته باشند. از آن مهم‌تر بر ارکانی که باید برای این موضوع تبیین شده باشد تأکید داریم. ارکان مهم همچون منابع مالی و منابع انسانی است که امروز ساختار جلسه به این صورت است که بزرگواران بر ۵ رکن اصلی تأکید زیادی خواهند داشت و به چگونگی آنها خواهند پرداخت. در واقع باید به منابع، تعاملات بین‌المللی لازم و همچنین زیرساخت‌ها اعم از زیرساخت‌های زبانی، آزمایشگاهی، نهادی حتی پارک‌ها و مراکز رشد و بحث‌های ترویجی، حکمرانی، سیاست‌گذاری و اداره نظامی که بتواند مرجعیت علمی را محقق کند اشاره کرد.



در ادامه، اجازه می‌خواهم وارد بحث چرایی مرجعیت علمی شوم و سعی می‌کنم اهمیت این موضوع را با چند روند و مثال در این مبحث که اگر کسب مرجعیت در اولویت نباشد چه اتفاقی خواهد افتاد، توضیحات مختصری عرض کنم.

چرا باید مرجعیت علمی را کسب کنیم؟ نقطه خوب شروع فرمایشات رهبری و اشاره به فرمایش آقا امیرالمؤمنین است که می‌فرمایند: «العلم و سلطان». بدین معنی که علم عامل اقتدار است. اگر برای اقتدار ملی، دو مؤلفه سخت و نرم در نظر بگیریم و فرض کنیم که «بازدارندگی و توان دفاعی»، مؤلفه سخت اقتدار ملی و «رشد اقتصادی و مرجعیت فرهنگی»، مؤلفه نرم آن است، می‌توان با جدیت ادعا کرد که بدون مرجعیت علم و فناوری، اقتدار ملی و تحقق آن دو مؤلفه نرم و سخت، هیچ‌کدام محقق نخواهد شد.

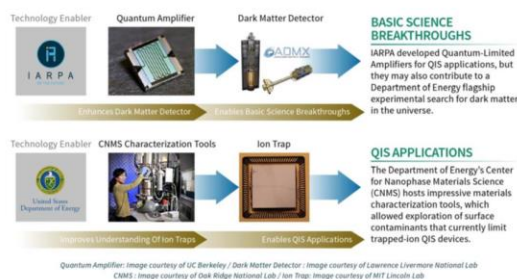


در واقع، لازمهٔ اقتدار، قطعاً مرجعیت علمی است که با چند مثال می‌توان آن را به طور واضح بیان کرد. در ابتدا اینکه امروز اقتصاد ملی به شدت تحت تأثیر نوآوری ملی است و همانطور که ملاحظه می‌کنید به لحاظ علمی همبستگی و رابطه مستقیمی بین نوآوری ملی و اقتصاد ملی وجود دارد. در واقع، امروز اقتصاد بدون نوآوری ممکن نیست. دوم اینکه نباید از وجود فاصله ترسید؛ بلکه مطالعات و تجارب دنیا نشان داده است که فرصتی برای حرکت سریع و جهش کشورهای در حال پیشرفت وجود دارد. تجارب کشورهای مثل کره، تایوان، هنگ‌کنگ و سنگاپور که با تمرکز بر پیشرفت‌های علمی توانستند رشد اقتصادی جهش‌گونه داشته باشند، نشان می‌دهد این فرصت وجود دارد که اگر تمرکز بر این موضوع واقع شود، خواهیم توانست با سرعت بیشتری نسبت به دنیا حرکت کنیم که این امر در دنیا تحت عنوان اثر فرارسی^۱ مطرح می‌شود. طبیعتاً فناوری‌های پیشران، جریان‌ساز و تحول‌آفرینی برای این موضوع وجود دارد که به ذکر سه مثال با رویکرد اینکه اگر این موارد لحاظ نشود و مرجعیت وجود نداشته باشد چه اتفاقی می‌افتد، اشاره می‌کنم تا اهمیت موضوع درک شود. اولین مثال، فناوری کوانتوم است. جالب است ادعای خود آمریکایی‌ها این است که هر کسی برندهٔ مسابقه ساخت کامپیوتر کوانتومی بشود ابرقدرت آینده دنیا محسوب می‌شود و همانطور که در جنگ جهانی، پروژه منهن یک (بمب اتم) را تعریف کردند، امروزه پروژه منهن دو، تمرکز بر بحث کوانتوم است و رشد

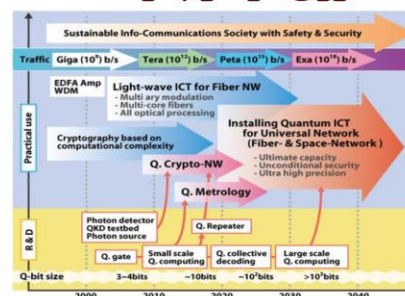
¹ catch up effect

عجیبی در دنیا در زمینه سرمایه گذاری در این حوزه وجود دارد و شواهد نشان می دهد چین و امریکا با چه سرعتی با یکدیگر در این زمینه رقابت می کنند و تمامی قدرت های بزرگ، رقابت جدی در موضوع کوانتوم دارند. آنچنان که در این حوزه کشور آمریکا و کشورهایی همچون ژاپن، چین و اروپا، استراتژی ملی دارند و قائل به آن هستند که عدم پیشرفت در این زمینه، عقب افتادگی در همه زمینه ها را رقم می زند.

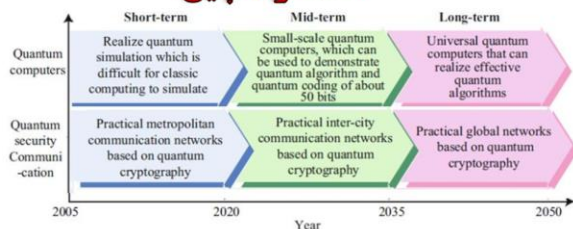
استراتژی ملی آمریکا



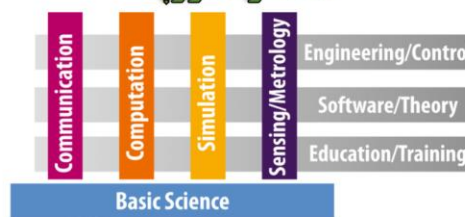
نقشه راه فناوری کوانتوم مؤسسه NICT ژاپن



نقشه راه چین



نقشه راه اروپا



میرهن است کوانتوم در همه حوزه ها، در بحث های رمز گذاری، پردازش و بحث های دفاعی بسیار کلیدی و مهم است. طبیعتاً اقدامات خوبی در کشور ایران نیز انجام گرفته است؛ بطوریکه پیش نویس سند ملی توسعه فناوری کوانتومی و همچنین اسناد راهبردی توسعه فناوری کوانتوم در مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور تدوین شده است. افزون بر این مراکز نوآوری در دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه اصفهان و مراکز نوآوری در این حوزه پیشقدم شده اند. اما واقعیت این است که باید در این حوزه، سرمایه گذاری صورت پذیرد چراکه اگر مرجعیت کسب نشود، عملاً با مشکل مواجه خواهیم شد.

مثال بعدی از حوزه هوش مصنوعی و بحث های مربوط به اقتصاد دیجیتال است و نقاطی که باید بر آن متمرکز شد. تقریباً تمام مدل های کسب و کار، تحت تأثیر بحث هوش مصنوعی قرار می گیرند. یک نمونه از هوش مصنوعی، چت

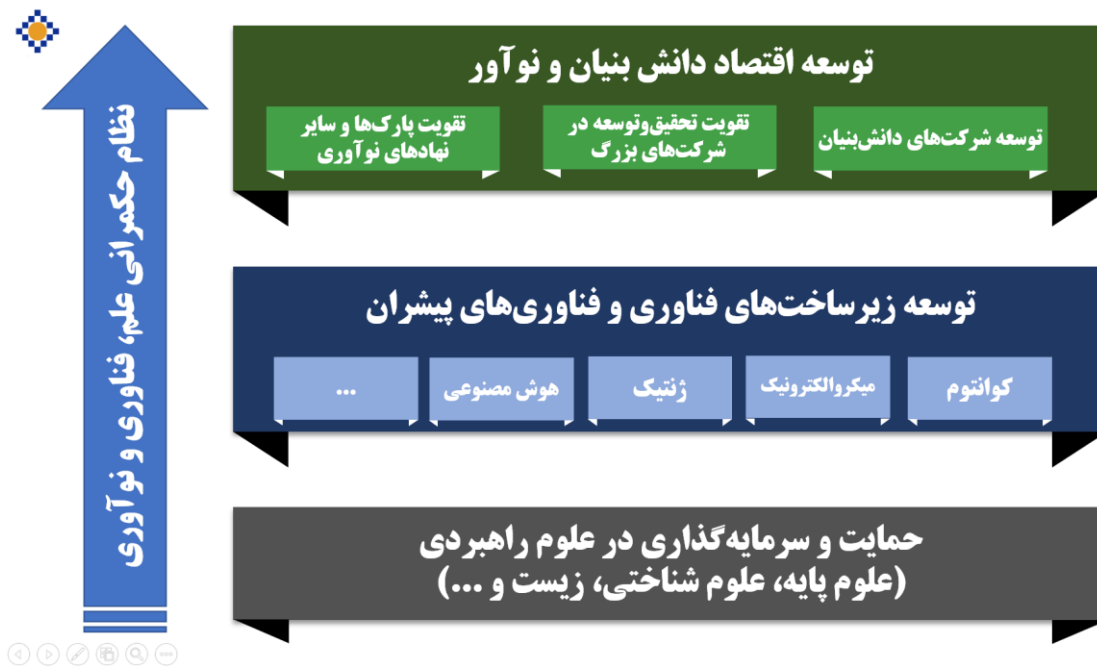
جی.پی.تی.^۱ است که بر اساس پاسخ‌هایی که ارائه می‌دهد، کل دنیا را تحت تأثیر قرار داده است. این حوزه، حوزه‌ای است که نمی‌توان آن را کنار گذاشت، چون اگر روزی مبنای قدرت کشورها منابع انسانی بوده و یا حتی می‌توانستند بر اساس نیروی کار با یکدیگر رقابت کنند، با جانشینی هوش مصنوعی با نیروی منابع انسانی در اکثر نقاط، عملاً این فرصت از دست خواهد رفت.

قابل توجه اینکه چهار غول بزرگ دنیا در حوزه فناوری در همه بسترهای مربوط به زیرساخت و بازار اقتصاد دیجیتال سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ اما تمرکز ایران بیشتر بر خدمات بر اساس اقتصاد دیجیتال بوده و برای هوش مصنوعی و پایه‌های علمی اقتصاد دیجیتال، به اندازه کافی سرمایه‌گذاری نشده و این، لزوم تمرکز بر این حوزه را نشان می‌دهد. مثال سوم هم از حوزه میکروالکترونیک است که شرق و غرب دنیا انحصاری در این حوزه برای خود ایجاد کردند و جالب است یک رقابت شدید بین بلوک ژاپن، آمریکا و چین وجود دارد. گفتنی است تمام حوزه‌های الکترونیکی، وابسته به این حوزه است بدین صورت که اگر این حوزه از دست برود، دنیا می‌تواند سد پیشرفت ما در سایر حوزه‌ها شود. حوزه میکروالکترونیک بسیار حوزه کلیدی است و در این حوزه نیز باید مرجعیت وجود داشته باشد.

در ادامه، مباحث پایانی بیان می‌شود: نکته اول، فناوری‌های هوشمندسازی مانند فناوری زیستی در ترکیب با همدیگر، مؤلفه قدرت اصلی آینده دنیا خواهند بود و اگر کشوری نتواند در این دو حوزه و ترکیب آنها صاحب حرف یا صاحب مرجعیت باشد، عملاً مرجعیت اقتصادی، مرجعیت فرهنگی، مرجعیت نظامی و قدرت خود را از دست خواهد داد. نکته دوم این است که باید به لایه‌های آن توجه نمود. اگر خواستار توسعه اقتصادی دانش‌بنیان و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان هستیم، باید به لایه پایین‌تر آن، که توسعه زیرساخت‌های فناوری و فناوری‌های پیشران است توجه کرد و در واقع، همان فناوری‌های پیش‌گفته است که مورد اشاره قرار گرفت و اساس آن، علوم پایه و مرجعیت در علوم پایه و علوم شناختی است. نمی‌توان در کوانتوم سرآمد بود ولی در فیزیک سرآمد نبود و همچنین نمی‌توان در ژنتیک سرآمد بود اما در فناوری‌های زیستی سرآمد نبود. چاره‌ای نیست که حتماً سرآمدی در حوزه‌های راهبردی علوم وجود داشته باشد و مرجعیت علمی را کسب کرد که در غیر این صورت دو لایه ذکر شده از دست خواهد رفت. نکته آخر این است

¹ chat GPT

که باید یک نظام حکمرانی علم و فناوری منسجمی بتواند سه لایه را به یکدیگر متصل کند تا نتایج سودمندی حاصل گردد.





دکتر وحید حدادی اصل
قائم‌مقام وزیر در امور بین‌الملل و رئیس مرکز همکاری‌های علمی

موضوع سخنرانی:

دیپلماسی علم، فناوری و نوآوری

هو العلیم

پنجاه الی شصت درصد بحث مرجعیت علمی به تعاملات بین‌المللی برمی‌گردد. در مرکز همکاری علمی بین‌المللی وزارت علوم، حرکت‌هایی انجام شده است که انشاءالله حتماً به نتیجه خواهد رسید. نکاتی که خدمتان عرض می‌شود: «تعاملات علمی بین‌المللی با هدف حضور نرم»، «انتقال دانش خدمات علمی و فنی و دانش‌بنیان»، «کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی در خارج از کشور»، که جدیداً کرسی‌های اسلام‌شناسی هم اضافه شده است، «دستاوردهای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در شاخصه‌های مهم» و «چالش‌های اساسی تعاملات بین‌المللی». در سیاست‌های همکاری علمی فناوری با دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی، حوزه بین‌الملل دانشگاه‌ها در سه حوزه فعالیت می‌کند: «جذب دانشجوی خارجی و اعزام دانشجوی ایرانی به خارج»، «اعزام اساتید»، و «ارتباط با دانشگاه‌ها». سومین مورد که در سیاست‌های آقای دکتر زلفی گل، بیشتر نمود دارد، بحث تبادلات فناوری است. یعنی اینکه فعالیت پارک‌های فناوری به این بحث کمک می‌کند. حرکت‌هایی در چند مسیر شروع شده است: چون بحث دانشجویی را به حد کافی می‌شود صحبت کرد، بیشتر بر روی دو مقوله بعدی تأکید می‌شود. در بحث دانشجویی، علاوه بر اینکه به جذب بودجه می‌انجامد، کادرسازی خارجی نیز بسیار اهمیت دارد. هم‌اکنون خیلی از مسئولان طالبان از تحصیل کرده‌های ایران هستند و خیلی از اساتید و مسئولان، عراقی هستند که در ایران تحصیل کرده‌اند. این مسئله خیلی جای حرف دارد که اگر فرصت شد در بحث دانشجویی بیشتر صحبت می‌کنیم.

- تاکید بر تعاملات علمی بین‌المللی با هدف حضور نرم، انتقال دانش خدمات علمی و فنی و دانش‌بنیان.
- گسترش کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی، ایران‌شناسی، و اسلام‌شناسی در خارج از کشور.
- فعالیت حوزه بین‌الملل دانشگاه‌ها در سه حوزه شامل: جذب دانشجوی خارجی و اعزام دانشجوی ایرانی به خارج، اعزام اساتید و ارتباط با دانشگاه‌ها.
- فعال کردن پارک‌های علمی فناوری با توجه سیاست‌های وزیر محترم که همانا گسترش تبادلات فناوری است.
- تلاش در جذب دانشجوی خارجی که علاوه بر جذب بودجه، در موضوع کادرسازی خارجی نیز برای کشور مفید است. کشورهای عراق و افغانستان دو نمونه در این خصوص هستند که بیشتر مدیران آنها در ایران تحصیل کرده‌اند.

چالش های اساسی تعاملات علمی بین المللی

1. تامین منابع ارزی و انتقال پول به خارج از کشور
2. نحوه تعامل و بهره گیری از ظرفیت متخصصان و نخبگان ایرانی مقیم خارج از کشور و ملاحظات امنیتی
3. ضرورت حفظ هویت یک پارچه آموزش عالی در بخش بین الملل، توجه به نگاهت نهادی وزارت عتف و پرهیز از موازی کاری
4. کمبود نیروی انسانی ماهر در تعاملات علمی بین المللی
5. جوسازی و جریان سازی و ایران هراسی کاذب توسط استخبار جهانی
6. تحریم های ظالمانه علمی و بدعهدی برخی از کشورهای طرف توافق

در بحث تبادل اساتید بیشتر به مشکل برخوردیم. بر اساس نکته بسیار خوب آقای دکتر لاریجانی خیلی بسته عمل می کنیم. به جای اینکه با کشورهای خارجی ارتباط برقرار شود حتی با کشورهایی که برای فعالیت های کشور باز است، بسته عمل می شود. در حقیقت قصد پاک کردن صورت مسئله را داریم. هم اکنون در صورتی که یک کشور اروپایی ما را تحریم کند، بلافاصله کل اروپا را تحریم می کنیم و می گوئیم دیگر ارتباطی صورت نپذیرد. اما با همه این مباحث، فعالیت هایی که در حوزه خارجی با همسایگان و کشورهای همسوا با ما مثل سوریه وجود دارد، فعالیت های زیادی در این زمینه طی سال گذشته انجام شده است. همچنین کشورهای دور دستی که بر ضد استعمارها قیام کردند و حکومتشان عوض شده است مثل کشور مالی، سنگال و بورکینافاسو که چند وقت پیش انقلابی بر ضد فرانسه کردند؛ به سراغ ما آمدند و گفتند که ما خواهان زبان فارسی هستیم و احتیاج به تکنولوژی های شما داریم. اصلاً پول هم نمی دهیم اما طلا می دهیم، معادن بسیار بزرگ طلا داریم و حاضر به تبادلات بین دو کشور هستیم. آقای دکتر صفری، معاون محترم وزیر خارجه بسیار فعال هستند، هر وقت به کشوری می روند، بلافاصله با من تماس می گیرند و می گویند در آن کشور زمینه ای برای ایجاد تبادلات وجود دارد. در زمینه فناوری، فرصت همکاری با کشورهای فعلی ضعیف وجود دارد. آقای شوماخر راننده معروف، اصطلاحی داشت که به او می گفتند چرا همیشه برنده می شوید، می گفت جایی که دیگران ترمز می کنند من گاز می دهم. در مسائلی امکان حرکت وجود دارد که فعلاً غرب، پا پس کشیده است. آفریقا

دنیایی برای کار کردن ما است. گروه‌های خوبی برای کشورهای مختلف فرستادیم و نتایج خوبی به خصوص در زمینه فناوری کسب کرده‌ایم. در زمینه دانشجویی، کشورهای اطراف مورد هدف است، چون رفت و آمد فردی از دوردست سخت است. اما کشورهای دوردست، در لوای فناوری می‌توانند فرهنگ ما را یاد بگیرند و همکاری صورت پذیرد. زبان فارسی بسیار مشتری دارد، بسیاری از کشورها دنبال کرسی‌های زبان فارسی هستند، با ما خیلی در تعامل هستند، و ما در اعزام اساتید، هم از لحاظ مسائل امنیتی که زمان زیادی می‌طلبد، هم از لحاظ پرداخت مسائل مالی (حقوق استاد فارسی به ریال ایران پرداخت می‌شود و باید مالیات بدهد، در صورتی که دیپلمات وزارت خارجه، هیچ کدام مالیات نمی‌دهند) به معضل برمی‌خوریم. این موضوع ما را در اعزام اساتید با چالش مواجه کرده، اساتید به مشکل خورده‌اند و معترض هستند که به دنبال راهکار آن هستیم. در بحث تبادل دانشجو و استاد اقدامات خوبی صورت گرفته است. اساس تمرکز در اعزام شرکت‌های دانش‌بنیان است. در بحث انتقال فناوری مشتریان زیادی وجود دارد و شرکت‌های بسیاری هستند که به سراغ ما می‌آیند. به عنوان نمونه کشور ارمنستان تا چند سال پیش دانشجوی ایرانی می‌پذیرفت و در حال حاضر دانشجو به ایران می‌فرستد. وقتی دانشگاه‌های ایران توسط وزرای کشورهای دیگر رصد می‌شوند و برای بازدید می‌آیند، تا قبل از این می‌گفتند شما چه چیزهایی ندارید که به شما بدهیم، امروز افتخار می‌کنیم که هر کدام می‌گویند، این تکنولوژی‌ها و فناوری‌ها را به ما بدهید.

در زمانی که وزیر علوم فیلیپین به ایران آمده بود بیان کرد که من از فیلیپین تنها برای مبحث نانو تکنولوژی به ایران آمده‌ام؛ یا اینکه مسئول توییتاک ترکیه آمده بود و می‌گفت ما به شما از توییتاک بورس می‌دهیم، در حالیکه امروزه طالب همکاری مشترک با ما است. یعنی یک زمان، انتقال فناوری یک طرفه بوده اما هم‌اکنون به دنبال کار مشترک هستند. این موارد زمینه‌های بسیار خوبی است که فعالیت‌هایی در دستور کار قرار گیرد. بین کشورهای همسایه مشتریان زیادی وجود دارد و الحمدالله حرکت‌هایی انجام شده است. در آفریقا اقدامات خوبی انجام شده است و افتخارات بسیاری هم کسب شده است. به عنوان آخرین نکته عرض کنم افتخاراتمان این است که رئیس بنیاد علمی اکو، فردی ایرانی است و توانستیم بنیاد را در بحث «سطح یک» ارتقاء دهیم. همچنین بر اساس فرمایشاتی که حضرت آقا داشتند، «تسهیلات صادرات نفت» و «محصولات دانش‌بنیان» به صورت جلسات کمیسیون مشترک و یادداشت‌های تفاهمی، اضافه شد و بنابراین بحث دانش‌بنیان به بیرون از ایران انتقال یافت. افزون بر این توجه ویژه به کشورهای منطقه، جهان اسلام و همسو در ترویج دیپلماسی علمی، پیگیری مسائل دیپلماسی علمی - فناوری بدون نگاه ویژه به برجام، ملاقات‌ها

و انعقاد یادداشت‌ها و تفاهم‌نامه‌ها و همچنین ارائه پیشنهاد مسئولیت کمیته مشترک علمی فناوری سازمان شانگهای صورت گرفت. در خصوص مورد آخر، مباحثی با آقای رئیس‌جمهور مطرح شد که مسئولیت کمیته شانگهای به وزارت علوم تفویض شود. محکم پشت آن ایستادیم که انشاءالله می‌توانیم آن را بگیریم. در خصوص پیگیری جدی موضوع تأمین مالی^۱ نوسازی اقدام بزرگی انجام شده است. با الطاف آقای وزیر، توانستیم در بحث تأمین مالی از جانب شانگهای، بندی را به دانشگاه‌ها معطوف کنیم و اینکه با تجهیز دانشگاه‌ها بتوان حرکت‌هایی انجام داد. با زحمات وزارت علوم بازپرداخت تأمین مالی پیش‌گفته بر عهده دولت قرار گرفت که دیگر دانشگاه‌ها نگرانی نداشته باشند و همچنین پیش‌پرداخت آن از پانزده درصد به پنج درصد رسیده است. به نظر می‌رسد اقدامات بسیار بزرگ دیگری نیز انجام شده که انشاءالله نتیجه آن را در آینده عرض خواهیم کرد.

^۱ Finance



دکتر سید محمد مقیمی
رئیس دانشگاه تهران

موضوع سخنرانی:
مرجعیت علمی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی

هو العلیم

مرجعیت یعنی محل رجوع شدن؛ بنابراین در بحث مرجعیت، یک محل رجوع داریم، یک مراجعه کننده یا مجموعه‌ای از مراجعه کنندگان یا ذینفعان. اولین بحثی که در مرجعیت مطرح می‌شود بحث عرضه و تقاضا است. همان‌طور که رهبر عزیزمان در مباحث مربوط به مرجعیت هم اشاره کردند که ما باید نگاه وارد کننده، صادر کننده داشته باشیم، همان‌طور که کار اقتصاد چیست، منطق اقتصاد چیست، منطق سیاست چیست. بنابراین، علم هم از آن منطق، تبعیت می‌کند: در واقع دو کفه وجود دارد، یک طرف عرضه کننده کالا و خدمت است و طرف دیگر آن متقاضی است. تا زمانی که تقاضا وجود نداشته باشد، اصلاً عرضه کننده معنا ندارد و وقتی تقاضایی نیست اگر کسی چیزی را تولید، عرضه و سرمایه گذاری کند، در عقل او باید شک کرد. مگر اینکه بخواهد به اموالش و سرمایه‌اش آتش بزند و بینش کافی نسبت به آن نداشته باشد. بنابراین، زمانی عرضه کننده واقعی و منطقی مفهوم پیدا می‌کند که متقاضی برای آن وجود داشته باشد. هم‌اکنون متقاضی علم کیست و کجاست؟ آیا تقاضا کننده ما مجلات و مقالات بین‌المللی است؟ یعنی اینکه ما علم را ایجاد کرده‌ایم که بتوانیم در حقیقت مجلات بین‌المللی به ما رجوع کنند، که البته نمی‌کنند؟ و برعکس باید برای چاپ مقالات التماس کنیم؟ یا اینکه بایستی به نیازها پرداخت همان‌طور که یک عرضه کننده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، برای عرضه محصول یا خدمت، به نیازهای بازار نگاه می‌کند و بر اساس آن نیاز محصول یا خدمت را تولید می‌کند؟ هر چند که اعتقاد داریم، گاهی اوقات این تقاضاها، تقاضاهای واقعی نیست، یعنی گاهی اوقات این تقاضاها تصنعی است، همان‌طور که در بازار غرب ملاحظه می‌کنید، به مصرف کننده آنچنان القا کردند که تقاضای تصنعی را پدید آوردند. همان‌طور که در علم هم چنین است و به‌ویژه در علوم اجتماعی صورت می‌پذیرد. یک کشاورز وقتی قصد تولید محصول و کشاورزی دارد، چه کاری انجام می‌دهد؟ منطقتش این است که بخشی از محصولات کشاورزی را به مصرف خانواده اختصاص دهد و بخشی را برای فروش استفاده کند. اگر کارش رونق گرفت دنبال برندسازی است که بتواند برای خود شأنتی ایجاد کند و شهرتی پیدا کند تا بگویند فلانی، تولید کننده فلان محصول است. اما ما از آخر به اول آمدیم. ما اصلاً نمی‌توانیم برای خود و خانواده‌مان محصول و خدمت تولید کنیم، نه برای فروش اقدام کنیم، اما به دنبال شأن و کلاس هستیم. یعنی این با آن منطق یک کشاورز حتی سازگار نیست. در حوزه

علوم اجتماعی چه اقدامی صورت گرفته است؟ ما شاهد هستیم که در دانشکده علوم اجتماعی، مدیریت و حتی در الهیات، علم اجتماع تأمین می‌شود. بررسی کنید در همان محیط دانشکده الهیات بی‌دین‌ترین انسان‌ها تربیت می‌شود، یعنی دانشجوی فارغ‌التحصیل در دانشکده الهیات، زمان ورود به دانشگاه چقدر دین دارد، وقتی که خارج می‌شود چقدر بی‌دین می‌شود. در دانشکده علوم اجتماعی که هدف آن نظم اجتماعی است، بی‌نظم‌ترین محیط‌های اجتماعی، در همان دانشکده علوم اجتماعی است. در حوزه مدیریت که رسالتش ساماندهی است، در حوزه روانشناسی و سایر حوزه‌های مختلف هم به همین ترتیب است. مرجعیت با زور و با القا کردن کسب نمی‌شود. همان‌طور که گفته شد، باید فرد رجوع کند و این رجوع کردن هم به‌صورت داوطلبانه و راغبانه باید باشد نه بر اساس اجبار. نیازهای بازار ما در حوزه اجتماعی چیست؟ نکته‌ای که در فرمایشات رهبر عزیزمان بوده و آن را به‌صورت کلیپ ارائه کردند، بحث سبک زندگی است، احتمالاً خیلی‌ها مشاهده کردند که چندین سؤال را مطرح می‌کند، از بحث اینکه حقوق همسایگان و تعامل همسایگان چگونه باشد، تا بحث فرهنگ ترافیک و غیره که در قالب بیست سؤال مطرح می‌شود. این‌ها نیازهای واقعی بوده اما کدام‌یک از این نیازها حل شده است؟ بعد ادعا می‌کنیم می‌خواهیم مرجعیت علمی داشته باشیم. "خودت را هنوز نمی‌توانی سامان بدهی" مبحثی است که محیط اجتماعی از ما در دانشگاه می‌پرسد، در محیط بین‌الملل هم از وضعیت کشورمان می‌پرسند، شما وضعیتتان از نظر روحی و روانی چگونه است؟ اما جواب در راستای اسلام و آموزه‌های اسلامی است. در عمل چه اقداماتی انجام شده است؟ در چه حوزه‌هایی مرجعیت واقعی به معنی کلمه ایجاد شده است؟ نمونه‌اش همین پهپادهای ایرانی است که همه دنیا متحیرند؛ روسیه با آن قدرت برتر نظامی جهانی التماس می‌کند که از کشور ما پهپاد وارد کند. آیا این با زور و الزاماً با مقاله ایجاد شده؟ حتماً مقاله مهم است (نمی‌خواهم خیلی به این موضوع پردازم که مقاله چیز خوبی نیست). اما می‌خواهم بگویم که موارد مهم‌تر را رها کرده و به موضوعاتی که در دنیای غرب، برای خود دنبال شأنیت هستند، پرداخته شده است. من فکر می‌کنم هنوز در مسائل اولیه و بحث‌های اجتماعی مانده‌ایم تا بتوانیم به حل مسائل پردازیم. بنابراین در تولید محصول یا خدمات باید به علایق یا نیازها توجه شود. آیا اساتید در حوزه علوم اجتماعی و علوم انسانی، بر اساس نیازها تحقیق می‌کنند؟ آیا اصلاً پولی برای تحقیق وجود دارد؟ این همه نهادهای معاونت علمی ریاست، صندوق نوآوری شکوفایی و ... ایجاد شده است؛ کدام از آن‌ها به علوم انسانی‌ها پول می‌دهند؟ همه آنها به بحث‌های تأمین اختراع، بحث‌های مهندسی و بحث‌های علوم پایه و بحث‌های این‌چنینی پرداخته می‌شود. تحریم‌ها نیز نشان می‌دهد که مستقل هستیم و وابسته به این محصولات نیستیم. اتفاقاً اگر در حوزه‌های فنی، واردکننده

باشیم هیچ مشکلی برای ما ایجاد نمی‌شود، اما در حوزه‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی نمی‌توان وارد کننده بود چرا که دانشمند و محصول و خدمتش با یکدیگر عجین شده و باید همراه هم باشد. اصلاً معنا ندارد که یک تئوری علوم اجتماعی در فضای محیط اجتماعی، محیط مدرسه و محیط دانشگاه پیاده شود و این مسئله‌ای است که در تمام دنیا، مرسوم و متداول است. حتی در فرهنگ‌های غربی هم، فرهنگ فرانسوی با انگلیسی متفاوت است و خط قرمز آن‌هاست؛ به‌طوریکه فرهنگ غرب در این حوزه‌ها تعصبات خاص دارند و بحث‌های مربوط به بومی‌سازی را دنبال می‌کنند. آیا این جلسات فقط برای بیان مسائل است یا دستیابی به راهکارها مد نظر است؟ راهکارش این است که این نهادها دست از سر دانشگاه‌ها بردارند. پولی که سهم دانشگاه‌هاست به معاونت علمی، صندوق شکوفایی تعلق می‌گیرد و ناچاراً دانشگاه از پول کسانی که کار تحقیقاتی گرفتند، استفاده می‌کند.

اصلاً مرجعیت علمی معنا ندارد. اگر مقداری پول وجود دارد به دانشگاه‌ها بدهید. باید یک تقسیم‌کار صورت پذیرد، همانطور که در حوزه اقتصاد مزیت‌های رقابتی را مشخص می‌کنند و می‌گویند مزیت رقابت فلان کشور تولید این محصول است، منطقی نیست که ما بخواهیم همه چیز تأمین کنیم و در عین حال هیچ چیز هم نداشته باشیم. ما باید این منابع مالی را برحسب مزیت‌های رقابتی توزیع و تقسیم کنیم و بر اساس آن پیشرفت کنیم. البته خوشبختانه فرصت‌های جهانی هم وجود دارد. هم‌اکنون در دنیا حوزه‌های علوم اجتماعی، بحث مسئولیت‌پذیری اجتماعی^۱ و اخلاق^۲ مطرح است که تقریباً می‌توان گفت منطبق با بحث‌های بومی است که در بحث‌های اسلامی و رابطه‌اش با علوم انسانی و علوم اجتماعی فرصت‌هایی فراهم است. اما می‌خواهم بگویم این اقدام گام به گام در کشور طی نشده است، ما هنوز نیازهای خودمان را مرتفع نکرده‌ایم. بنابراین نمی‌توانیم مرجعیت ایجاد کنیم. وقتی سؤال می‌کردند شما که ادعا می‌کنید چنین تئوری را دارید و قصد عرضه دارید، برای حل مسائل و مشکلات خودتان چه راهکارهایی ارائه کرده‌اید؟

بنابراین مثل همان کشاورز ساده باید این مراحل را گام به گام طی کرد: اول برای رفع نیاز خانواده مقداری انرژی صرف می‌کند، سپس بخشی از زمین و باغ را برای فروش و صادرات می‌گذارد و در نهایت بخشی را برای برندسازی

¹ social responsibility

² Ethics

اختصاص می دهد. ما مدام درصدد ارائه مقاله در عرصه علم هستیم. البته چاره‌ای جز ارائه آمار مقالات نداریم تا آنجا که با تأکید بر اهمیت استنادات نیز تحلیل‌هایی انجام شده است. این نشان می‌دهد که این رشدها، رشدهای بادکنکی است و مشکلاتی وجود دارد. چرا که اتفاقات اخیر نشان داد حتی قادر به ایجاد ارتباط با دانشجویان دانشکده نبودیم چه رسد به اینکه مسائل اجتماعی را حل نماییم.



دکتر زهرا ناظم بکایی
رئیس دانشگاه الزهرا (س)

موضوع سخنرانی:

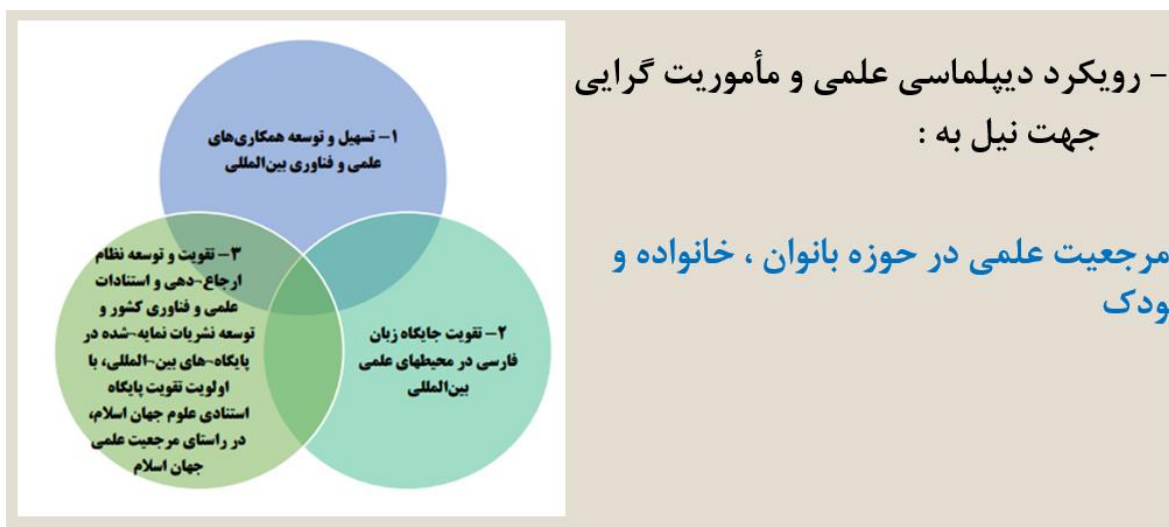
نقش بانوان در مرجعیت علمی

هو العلیم

لازمه مرجعیت، نوآوری و حرکت در مرزهای دانش است. صحبت‌های اینجانب در سه محور خلاصه می‌شود: محور اول، ایجاد یک بستر مناسب بخشی است. همان‌طور که اشاره شد امکان اینکه کل حوزه‌های علمی در تمامی بخش‌ها بتوانند به مرجعیت علمی دست یابند، وجود ندارد. بنابراین باید یک تقسیم‌کار در هر بخش صورت پذیرد؛ بدین صورت که ایجاد بستر مناسب برای دستیابی به مرجعیت علمی مهیا باشد. به طور مثال اگر تهیه امکانات و ملزوماتی در دستور کار نباشد، این امر تحقق پیدا نخواهد کرد. برای دستیابی به این جایگاه، سدها و موانعی مثل قوانین مختلف دست و پاگیری که همه بزرگواران مطلع هستند؛ وجود دارد. اگر در مسیر اجرا این موانع برداشته نشود، سرعت را کند می‌کند و شتاب آن را می‌گیرد و در نهایت، آن مرجعیت اتفاق نمی‌افتد یا اینکه زمانش می‌گذرد. چرا که بعد زمانی در این مباحث، بسیار تعیین‌کننده است. محور دومی که در واقع ثقل صحبت من است، مفاهیم و نقش‌های تمایزی در مرجعیت علمی است: بخش اول آن به‌طور عام است، یعنی آن چیزی که به‌طور معمول، برای همه افراد، خانم، آقا، جوان و پیر وجود دارد و هرکسی بنا به پتانسیل و توانمندی خودش می‌تواند وارد این عرصه شود و کار را انجام بدهد، اما بخش دوم آن به حوزه بانوان برمی‌گردد که این بخش را به دو قسمت تقسیم می‌کنم: قسمت اول آن به قوانین، محتوای علمی و فکری برمی‌گردد و آن چیزی که مربوط به مسائل امور زنان که در کتاب آسمانی قرآن و کتب مرجع موجود، موارد و ابعاد مختلفش تبیین شده است که از این نظر بسیار غنی هستیم. قسمت دوم آن مربوط به نقش‌های خاص و متمایزی است که بانوان در این عرصه دارند و باید تبیین شود. یعنی با توجه به پشتوانه و گنجینه موجود، انتظار از علما در حوزه‌ها و موارد مختلف این است که باید این‌ها را با آن چیزی که امروز وجود دارد رمزگشایی کنند. مثلاً ابعاد حضور در اجتماع، ضرورت حضور و وظایف خانم به‌عنوان نقش آن در خانواده و همان‌طور نقش فرزندآوری که یک وظیفه غیرقابل‌ارائه به دیگری است.

در این مقوله، یک سری داشته‌ها و الگوها در مکتب خودمان موجود است که صاحب‌نظران و متفکران حوزه و دانشگاه می‌بایست آنها را تدوین و تبیین کنند و همچنین باید مسائل و چالش‌های روز را حل نمایند. باید بر اساس الگوهایی مثل حضرت خدیجه(س)، خانم فاطمه(س) و حضرت زینب کبری(س)، آنها را برای ما از نظر شخصیتی و

به لحاظ زمان و مکان تبیین کنند. این نقطه‌ای است که نتوانستیم اقدامات خوبی انجام دهیم، یا این که فراتر از آن در قرآن کریم، طبق فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، دو الگو برای الگوی زن برای همه مؤمنان چه جنبه مثبت و چه جنبه منفی معرفی شده است. جنبه مثبت، حضرت مریم (س) و همسر فرعون مطرح می‌شوند. ما به لحاظ محتوای فکری، آیا شاخص این الگو را برای زنان امروز خود که می‌خواهند در اجتماع حضور داشته باشند، تبیین کردیم؟ شاخصه‌ها و مؤلفه‌های شخصیتی را استخراج کردیم و ابعاد حضورشان را مشخص کرده‌ایم؟ در واقع، این کارها انجام نشده است. اما در این زمینه، دارایی‌هایی وجود دارد. بر اساس فرمایش حضرت آقا به مرجعیت علمی این حوزه دست یافته‌ایم اما نتوانستیم ابراز کنیم و ادعای خود را مطرح نماییم. چنانچه می‌فرمایند ما در این مورد در موضع مطالبه هستیم و موضع دفاع نداریم، ما در موضع زن از جهان، طلبکار هستیم. بنابراین این جایی است که ما به مرجعیت علمی دست پیدا کرده‌ایم اما نتوانستیم آن را ابراز کنیم و به ظهور برسانیم.



محور سومی که به‌طور خلاصه عرض می‌کنم این است که مؤلفه‌هایی که برای مرجعیت علمی مطرح است باید در یک مجموعه‌ی هماهنگ باشد. من از منظر مرجعیت علمی در حوزه بانوان مطرح می‌کنم که باید راهکارهای قابل انعطافی وجود داشته باشد. اولین موضوعی که موردنظر است این است که بانوان باید مورد توجه و رؤیت قرار گیرند که متأسفانه این امر مغفول مانده است. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در سال ۱۳۹۱ با مسئولان دانشگاه الزهرا ویژگی‌های خاصی را تحت عنوان «فعالیت‌های جایگزین» مطرح کردند که به نظر می‌رسد سیاستگذاران باید به آن توجه داشته باشند. چرا که یک خانم در نقش‌های مختلف باید نقش آفرینی و اثرگذاری نماید. بنابراین وقتی که یک

خانم می خواهد در یک نقش اثرگذار باشد، ممکن است اثر او در نقش دیگر کمرنگ شود. این فعالیت‌های جایگزین می تواند او را در انجام نقش‌های مختلف کمک نماید.

مسئله سوم، مسئله جوانی جمعیت است. از جمله موضوعاتی که به مرجعیت علمی تنه می زند، بحث جوانی جمعیت و خطر جمعیتی است که جامعه ما را تهدید می کند. در این مقوله بانوان نقش اساسی را دارند و منحصر به فرد هستند که اگر سیاست‌گذاران به آن توجه نکنند و آن را لحاظ نکنند، خیلی از بانوان به دنبال مسائل علمی و امثال اینها می روند و از این مبحث بازمی مانند. بنابراین این امر نیاز به سیاست‌های حمایتی دارد که یک خانم بتواند ابعاد مختلف نقش‌هایی را که باید داشته باشد، انجام بدهد.

دانشگاه الزهرا، تنها دانشگاه جامع بانوان است. من در ادامه، مقوله بانوان را مطرح می کنم که برای دانشگاه نیست و برای حساسیت موضوع است. فرمایش حضرت آقا این بوده که اینجا یک مرکز اختصاصی است و تکلیفی را برای مرکز پیش رو گذاشتند که هم اکنون باید به این که «آیا به آن دست یافته ایم یا نیافته ایم»، پرداخته شود که اگر رسیدیم تا کجا؟ و اگر نرسیدیم چرا نرسیدیم؟ سعی شده است فرمایشات حضرت آقا در چشم انداز و مأموریت مرکز جای داشته باشد و بر این اساس با رویکرد دیپلماسی علمی و مأموریت گرایی، حرکت خود را به عنوان مرجعیت علمی در حوزه بانوان، خانواده و کودک سوق داده ایم که البته این هدف گذاری ما است و البته بدون حمایت وزارتخانه، دولت و سایر نهادها این امکان وجود ندارد. مؤلفه‌ها، رویکردها و تعاریف مختلفی در آن لحاظ شده است.

در جمع بندی مباحث مرجعیت علمی، تعیین ابعاد و نقش بانوان، چه نقش پنهان آنها و چه نقشی که به عنوان ظاهر، به عنوان یک فرد علمی دارند، باید به خوبی تبیین شود و در جای خودش قرار گیرد. هر سرمایه گذاری در امور بانوان که در این امر صورت پذیرد به دلیل نقش‌های مختلفی که برای آنان تعریف شده است می تواند با ضریب سه برداشت شود.



دکتر رسول جلیلی
رئیس دانشگاه صنعتی شریف

موضوع سخنرانی:

آمایش اولویت‌های پژوهشی

هو العلیم

مرجعیت علمی، به معنای باور مشتری علم به عالم بودن ما است. مرجعیت علمی باید توسط دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و حوزه‌های علمی اتفاق بیفتد. من ابتدا چند بند در مورد چالش‌های مرجعیت علمی در دانشگاه‌ها عرض کنم. دوستان هم مطرح کردند. اما وقتی همه می‌گویند، باور به اینکه این مسئله واقعیت دارد بیشتر شکل می‌گیرد. اولین مورد، قوانین و آیین‌نامه‌های دست و پاگیر مرتبط با دانشگاه‌ها است؛ که این دانشگاه‌ها (به تعبیری صدها و به تعبیری بیش از دو هزار) قوانین یکسان، حقوق یکسان و رویکرد یکسان دارند که با روح مرجعیت علمی هم‌راستایی ندارد. استقلال کافی در دانشگاه‌ها، هم در خصوص پذیرش دانشجو و هم در جذب و نگهداشت هیئت علمی وجود ندارد. نگاه زیادی امنیتی به تعاملات علمی و بین‌المللی باعث می‌شود که برای انجام هر کاری نگرانی وجود دارد. من هم بر تحریم‌های ظالمانه و ناحق علیه کشور که در مورد بعضی از دانشگاه‌ها به خصوص دانشگاه شهید بهشتی و صنعتی شریف اعمال شده است، تأکید می‌کنم. ما ارتباط سازمان‌یافته با مراکز علمی دنیا نداریم و ارتباطات شخصی برقرار است. این ارتباط شخصی هم با قانونی که در مورد دو تابعیتی وجود دارد، نزدیک به صفر می‌شود. این مورد از خودزنی‌های خیلی جدی است که امسال خیلی مورد تأکید قرار گرفته است. مهم‌تر از همه اینکه دانشگاه‌های ما فرسوده شده‌اند. ما در عمل یک عده را حقوق می‌دهیم و نمی‌توان با این شرایط پژوهش مطلوب انجام داد. دانشگاه‌هایی وجود دارد که برخی از آن‌ها برتر هستند؛ ولی از منظر مالی در خصوص اداره مطلوب یک دانشگاه (با شاخص‌های متوسط بین‌المللی) ناتوان هستند.

در همه مراکز علمی، گروه‌های مرجعیت علمی وجود ندارد و در همه رشته‌ها هم نمی‌توان مرجعیت علمی داشت، پس لاجرم باید یک برنامه مرجع‌سازی داشته باشیم؛ آن‌هم اینکه به مزیت‌های نسبی کشورمان برای رسیدن به مرجعیت علمی در حوزه‌های خاص توجه کنیم و سراغ آمایش اولویت‌های پژوهشی در سطح دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی برویم. رویکرد کلی ما در آمایش، می‌تواند بر اساس شایستگی و عملکرد گذشته دانشگاه‌ها، یا بر اساس فناوری‌های نوظهور باشد. قاعدتاً تأکید بر فناوری‌های نوظهور است؛ ولی این را باید در شایستگی یا عملکرد گذشته دانشگاه‌ها ضرب کرد تا مشخص شود کدام زمینه نوظهور را بر عهده چه کسی گذاشت تا بتوان به سرمنزل مقصود دست یافت.

در خصوص شایستگی دانشگاه‌ها، لاجرم باید دانشگاه‌ها را حداقل به سه دسته کلی تقسیم کرد. دو دسته برای کارهای عادی که آموزش، مدرک و در نهایت فارغ‌التحصیل دکتر تحویل جامعه دهند و یک دسته برای دستیابی کشور به مرجعیت علمی لازم است. باید دسته دوم را که برند آنها در دنیا و کشور باعث افتخار باشد تقویت کنیم. بر این اساس، باید این دسته از دانشگاه‌ها، استاد خوب جذب کنند؛ دانشجوی خوب جذب کنند؛ تجهیزات و محیط خوب آموزشی و پژوهشی داشته باشند. استاد و دانشجو و دانش آموخته را هم برای کشور نگه دارند. بعضی از کارها انجام شده، بعضی کارها هم می‌تواند واقعاً انجام شود. به شرط آنکه ما این دسته‌بندی را قبول کنیم و تمایز در آموزش عالی را قبول داشته باشیم. هم‌اکنون در بعضی حوزه‌های علمی، برخی از دانشگاه‌ها را به صورت ویژه تقویت می‌کنیم. یعنی وقتی می‌گوییم کوانتوم، همه می‌خواهند کوانتومیسم شوند. از طرف دیگر، بحث جدی گرفتن و تقویت دیپلماسی علمی را حتماً باید عنایت داشته باشیم و از این خودتحریمی که صحبت شد واقعاً دور شویم، و گرنه بخشی از نیروهای خوب و معتقد را به دلایل مختلف از دست خواهیم داد. در بحث رویکرد دوم مبتنی بر فناوری‌های نوظهور و بر اساس فرمایشات جناب آقای دکتر قاضی‌نوری، مثلاً دانشگاه شریف در زمینه‌های هوش مصنوعی، علوم شناختی، بحث انرژی (که هم‌اکنون یک بحران جدی برای خود ما محسوب می‌شود) مطرح است. قبل از اینکه بخواهیم یک مرجع علمی در منطقه یا در دنیا بشویم، باید مسائل ده سال آینده که شامل مباحث کوانتوم، فضا و ماهواره، علوم داده، مواد پیشرفته و نانو فناوری، روباتیک و چاپگر سه‌بعدی و کیهان‌شناسی است را در دانشگاه حل کرده باشیم.



دکتر مجتبی ذوالفقاری
رئیس دانشگاه اراک

موضوع سخنرانی:

حکمرانی علم و فناوری

هو العلیم

در تعریف مرجعیت علمی باید زمینه و مفهوم جدید ایجاد کنیم. باید آلم جدید ایجاد کنیم تا بتوانیم مورد رجوع قرار بگیریم. اگر بخواهیم در زمین موجود بازی کنیم، هیچ وقت نمی توانیم مرجع باشیم. زمین، بازی اش معروف و مشخص است و قاعده مشخصی دارد. باید مفهوم جدید ایجاد کنیم، من فقط در دو حوزه صحبت می کنم. در حوزه حکمرانی، رد پای نفوذ در فضای علمی وجود دارد. همان طور که واضح است در حوزه دارو، فضای کسب و کار و کاسبی برای خیلی از داروها وجود دارد، در حوزه علم هم قطعاً یک بحث علمی که به ما عرضه می کنند همین است. تا زمانی که زمینه ایجاد نشود نمی توانیم مرجعیت علمی داشته باشیم. نکته دوم اینکه باید به وزارت علوم به چشم سرمایه نگاه کرد، که در این صورت باید سرمایه گذاری کنیم تا بتوانیم برداشت کنیم. تا سرمایه گذاری انجام نشود (این قانون سرمایه گذاری است) امکان برداشت وجود ندارد. متأسفانه در حوزه های مختلف نگاه سرمایه ای وجود ندارد. حتماً در مرجعیت علمی باید از نقاط قوت شروع کنیم، واقعاً نمی توانیم همه چیز را با یک دست مدیریت کنیم، باید پتانسیل های خاص کشور را شناسایی کنیم. بطور مثال می توانیم در حوزه انرژی مرجعیت داشته باشیم. ما باید به مردم دنیا نحوه استفاده از نفت را یاد دهیم. ما باید به مردم دنیا در خصوص انرژی، مفهوم ارائه دهیم؛ اینکه چطور با انرژی کار کنند و اقتصاد انرژی به چه صورت باشد. در حوزه معدن و کشاورزی هم می تواند این اتفاق صورت پذیرد. اما در حوزه فناوری، امکانات نرم افزاری و سخت افزاری فوق العاده، نیروی انسانی فوق العاده و زمینه ای کشور وجود دارد. یکی از مسائلی که باید تقویت شود، حوزه کسب و کار است. واقعیت این است که کسب و کار در کشور ما بسیار ضعیف است. کسب و کار علم است، کسب و کار علم تخصصی است. من اصلاً توصیه می کنم همه مدیران باید یک زمینه از کسب و کار حتی در حوزه سیاست مداری داشته باشند. نگاه کسب و کاری برای همه لازم است که باید موجود باشد. ما باید برای پارک های علم و فناوری پول خرج کنیم، یعنی باید بپذیریم که این پارک ها نیاز به پول خرج کردن دارند. البته الحمدلله کشور در این زمینه گام های خوبی برداشته است. صندوق نوآوری و شکوفایی و معاونت علمی و فناوری واقعاً نمادهایی هستند که سرمایه گذاری در علم و فناوری را یاد گرفته اند، تجارب خیلی خوبی دارند و باید از آنان استفاده شود.

نکته بعدی در حوزه فناوری، بحث راهبرد کلان در حوزه اقتصاد دانش بنیان است، واقعاً جایگاه ما در ده سال آینده اقتصاد دانش بنیان دنیا کجاست؟ آیا همتراز با شرکت های سامسونگ، ال جی یا جی ام هستیم؟ واقعاً کجا هستیم؟ این را باید ترسیم کنیم، راهبرد کلان نیاز به ترسیم دارد.

اینفوگرافی مقایسه دانشگاه حاضر و دانشگاه با رویکرد تولید علم با زمینه بومی



رنگ و بوی بسیار کم رنگی از اقتصاد دانش بنیان وجود دارد. اقتصاد دانش بنیان، یعنی جای ما در دنیا کجاست، این ها را باید ترسیم کرد. قطعاً از آن منظر که آن ها می بینند نه، بلکه از منظر جدید که مقصود، گفتمان جدید است و حتماً باید از نقاط قوت شروع کرد. تأکید رهبری معظم انقلاب بر فراگیری اقتصاد دانش بنیان است. در خصوص حکمرانی دانش و فناوری در مرجعیت علمی، ضلع مهم دانش و فناوری دانش بنیان، «آموزش عالی» است. قطعاً پشتوانه این است. هم اکنون شرکت های دانش بنیان از تجارب سایر سازمان های قبلی استفاده می کنند. مرجعیت علمی، یکی از الزامات فرهنگی فراگیری نگاه دانش بنیان در اقتصاد است. در اصل، مرجعیت علمی برای اقتصاد دانش بنیان ضروری است و هم اکنون اقتصاد الزاماً به معنای پول نیست، بلکه به معنای ایجاد ارزش است. صرف مرجعیت علمی بدون حکمرانی علم و فناوری و اقتصاد دانش بنیان مرجعیت ندارد. بیانیه گام دوم واقعاً یک سند فوق العاده واقع بینانه است، به

بعضی از قسمت‌های آن باید خیلی دقت کرد، خود حضرت آقا هم تأکید دارد که من اهل غلو نیستم و واقعاً هم نیستند. واقعاً مظلومیت رهبری اینجاست که همه چیز را به دقت می‌بیند اما متأسفانه محقق نمی‌شود. ما هنوز تا قله‌های دانش‌بنیان بسیار عقب هستیم، این را باید بپذیریم، باید به قله‌ها دست‌یابیم و از مرزهای کنونی دانش عبور کنیم. ما هنوز از این مرحله بسیار عقب هستیم. علت آن هم این است که ما را عقب نگه داشتند. ما اکنون حرکت با شتابی را آغاز کرده‌ایم اما باید این را با سرعت ادامه دهیم. تأکید حضرت آقا به دانشگاهیان این است که کلمه گرم و قاطع و جدی، کلمات بسیار پر معنایی است. سنگ بنای از قبل گذاشته شده را باید ارج دهیم که در غیر اینصورت اتفاق بعدی نمی‌افتد.

یکی از مظلومیت‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی این است که اگر کسی در این مملکت ایده داشته باشد حتماً حمایت خواهد شد. من فردی بودم که از کف خاک شروع کردم و الحمدلله صنعتی را بنا گذاشتم. تأکید معظم له در خصوص نگاه دانش به اقتصاد و کل فرآیندها است. تأکید معظم له در جدی گرفتن داشته‌های علمی کشور است. ما در خیلی از فضاها، داشته‌ها، فعالیت‌های خودمان و صاحبان علم را جدی نمی‌گیریم. فکر می‌کنیم در حوزه علم و فناوری فقط باید مقاله بخوانیم، در صورتی که صاحب علم و فناوری است اما نادیده گرفته می‌شود. با توجه به رویکردهای نوظهور در دنیا، باید حرف جدید در دنیا بزنیم، باید مفهوم جدید ایجاد کنیم، اگر بخواهیم در اقتصاد دانش‌بنیان دنیا به جایگاهی برسیم، باید حرف و مفهوم جدید ارائه شود، از حرف جدید محصول جدید تأمین شود، از محصول جدید بازار جدید تأمین شود و در نهایت از بازار جدید، اقتصاد دانش‌بنیان انحصاری در دنیا ایجاد می‌شود.

در خصوص رابطه بین مرجعیت علمی و حکمرانی علم و فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان، موتور محرک تأمین دانش‌بنیان، نیروی انسانی است. تنها جایی که به پرورش مدون نیروی انسانی می‌پردازد، دانشگاه است. حکمرانی علم و فناوری با ابعاد مختلف، سیاست‌گذاری و اجرا، توسط دانشگاه رونق یافته و به وجود می‌آید و لازمه حکمرانی علم و فناوری، مرجعیتی است که با فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان همراه باشد.

در مبحث لزوم تحول، باید تولید علم صورت گیرد اما نه با زمین دنیا. زمین دنیا زمینی است که بازی دست کس دیگر است و گرداننده آن کسی دیگر است، جلو برنده‌اش کس دیگر است و حتماً در آن زمین نمی‌گذارد ما پیشتازی کنیم، فقط باید زمین جدید ایجاد کنیم. باید تولید علم با سبک انحصاری در داخل کشور پدید آید. آقای زلفی گل هم در این زمینه مساعدت کردند و صاحب‌نظر هستند. آیا واقعاً رشد علمی ما با آن تأمین علم تناسب دارد؟ همان‌طور که

گفتم ما باید به دنیا یاد بدهیم چطور نفت را استفاده کنند، اصلاً ما باید مفهوم نفت را به دنیا معرفی کنیم، ما باید به دنیا بگوییم که چطور از زعفران استفاده کنند، نه این که در اسپانیا برند شود. این تولید علم جدید است و از کجا به دست می آید؟ از روشی که در اصل ما ارائه کرده ایم. آیا لازم نیست ضمن دستاوردها، راه جدید و تفکر جدید را به دنیا یاد بدهیم؟ در تفکرات بنیادی، با استفاده از آن استعدادهایی که داخل کشور است بیاموزیم چطور در سطح دنیا می توان مطرح شد؟ چطور در حوزه های جدید استفاده شود؟ عفاف و حجاب، یک نوع تجاری سازی است، عفاف و حجاب یک موضوع دانش بنیان است. باید با پوشیدن خود یاد داد که چطور می توان زیبا شد، آن وقت است که از بازار انتظار داشته باشیم. چند شرکت دانش بنیان که در زمینه عفاف و حجاب فعالیت دارند با نگاه تجاری وجود دارد؟ فرهنگ هم همین است. فرهنگ، هم اقتصاد و هم دانش دارد، واقعاً در کشور، زمینه های فرهنگی در حوزه تشیع و اسلام وجود دارد. این ها دارایی ماست که می توان به دنیای جدید، فکر کردن را یاد بدهیم و یکی از راهکارها گفتمان است. گفتمان، مقدمه حکمرانی است. یکی از منابع گفتمان سازی قطعاً آموزش است که از درون دانشگاه ها بازتولید می شود. وقتی مسائل و پتانسیل های موجود در کلاس های درس نفوذ کند، گفتمان ایجاد می شود و قابلیت حکمرانی به خود می گیرد. این زنجیره تولید علم به روش بومی است که نباید به چشم هزینه نگاه شود و این از جمله مسائلی است که در دانشگاه ها وجود دارد. باید مسائل، مشکلات و توانمندی ها در کلاس های درس نفوذ کند. پژوهش یک حلقه منزوی است به طوریکه هم استفاده کننده و هم ایجادکننده پژوهش محدود است. اما آموزش عام است، باید سراغ آموزش پژوهش محور و پژوهش آموزش محور رفت. واقعاً سرفصل های آموزش یک طرفه است و باید از این حالت یک طرفه خارج شود تا قابل عرضه به دنیا باشد.

آموزش باید از واقعیت های داخلی کشور شروع شود، یعنی اگر فرد می خواهد چیزی را بشناسد، باید با معادل داخلی آن آشنا شود. ما باید سرفصل ها را به دنبال خود بکشانیم نه اینکه دنبال سرفصل ها باشیم. باید مقالات را برای بارور کردن استعدادهای کشور به دنبال خود بکشانیم، نه اینکه مقاله را بنای اصلی قرار داده و به اصطلاح در زمینی که نمی دانیم کجاست سرگردان باشیم.

تولید علم واقعی باید از واقعیت های کشور سرچشمه بگیرد تا مزیت داشته باشد. نکته مهم دیگر، مهارت ورزی است که دو نوع مهارت ورزی وجود دارد: مهارت ورزی دانش محور و مهارت ورزی کاری. مهارت ورزی کاری، تکسین و

کارگر به وجود می‌آورد اما مهارت‌ورزی دانشی، فناور و متفکر می‌آفریند. اهمیت موضوع کجاست؟ قطعاً در حوزه علوم انسانی. علوم انسانی برخلاف تصور یک حوزه کاملاً مهارتی است، مگر می‌توان تعمیرکار موبایل را یک آدم تخصصی دانست ولی تعمیرکار انسان در حوزه علوم انسانی را موضوعی غیر تخصصی تلقی کرد؟ دانشگاه‌ها به عدم دارا بودن مهارت متهم هستند، اما در حوزه مهارت به آن‌ها کمک نمی‌شود. یعنی باید به حوزه مهارت یک نگاه جدید شود و مهارت دانش‌محور که نتیجه آن، فناور و متفکر در حوزه علوم انسانی است. تفاوت‌های اساسی بین مهارت‌ورزی در دانشگاه با مهارت‌ورزی به صورت عام وجود دارد. چاره مملکت این نیست که افراد را به سمت فنی حرفه‌ای یا کار و دانش سوق دهیم. ما متفکر، طراح و فناور می‌خواهیم. ترجمه تکنولوژی، فناوری است و به معنای صنعتی نیست. فناوری شامل علوم فنی و علوم انسانی می‌شود. حرکت دانشگاه به سمت مهارت‌ورزی اجتناب‌ناپذیر است، این تفاوت جدی باید ایجاد شود. مقایسه دانشگاهی جهت تولید علم در زمینه بومی با دانشگاه‌های کنونی نشان می‌دهد که باید دانشگاه چگونه باشد و شرایط کنونی دانشگاه چگونه است که بر اساس آن گام‌هایی برداشته شده است.



دکتر سید محمود رضا آقامیری
رئیس دانشگاه شهید بهشتی

موضوع سخنرانی:

دانشگاه مأموریت‌گرا – ساماندهی زیست‌بوم فناوری و نوآوری

هو العلیم

بر اساس سند تحول دانشگاه معتقد هستیم که اگر از یک دانشگاه انتظار داشته باشیم که در آینده به عنوان یک دانشگاه مرجع نقش بازی کند و قصد ایجاد بحث مرجعیت را داشته باشیم، باید دانشگاهی ایجاد کنیم که مسئله محور باشد. این را با دو مطلب طرح می‌کنم که آیا تحقیقات در دانشگاه با نیازهای جامعه گره خورده است؟ و دوم اینکه وظیفه امروز دانشگاه غیر از بحث آموزش و پژوهش و مشکلات مطرح شده آن، اگر فقط مسئله محوری آن مورد تأکید باشد، باید فناوری و نوآوری هم دیده شود؟ در این بخش، دو اولویت وجود دارد: یکی استقرار نظام مسائل پژوهشی و رویکرد حل مسائل تراز اول ملی در دانشگاه مأموریت گرا و دوم، توسعه پژوهش، فناوری، نوآوری و کارآفرینی برای بسترسازی جهش دانشگاه به دانشگاه نسل نو. سیاست‌های مختلفی دسته‌بندی شده است؛ یعنی سیاست‌های اجرایی لحاظ شده و در صورت ایجاد دانشگاه مأموریت گرا، باید تعامل مناسبی با صنایع، دستگاه‌ها و سازمان‌ها به جهت شناسایی و کسب اولویت‌های آن‌ها برقرار باشد. بر این اساس، برنامه‌ای تنظیم شده که بتوان پاسخگوی نیازها بود. نکته‌ای که آقای دکتر مقیمی و بعضی از دوستان اشاره کردند، دانشگاه باید در این زمینه‌ها پاسخگو باشد و گاهی اوقات پاسخگوی خود در این بخش نیستیم. نکته‌ای که بسیار با اهمیت است، سازوکار حمایت از پژوهش‌های مسئله محور و تقاضا محور است.



الگوبرداری و تقویت ارتباطات و همکاری با نهادهای پژوهشی ملی و بین‌المللی را باید در دستور کار گذاشت تا بتوان اقداماتی انجام داد. طبیعتاً در این قسمت باید نظام آموزشی و هم نظام پژوهشی تغییر کنند. یعنی شرایط، باید مقداری متفاوت باشد. باید رویکردهای پژوهشی تقویت شود. البته شبکه‌سازی اعضای هیئت‌علمی، نخبگان و پژوهشگران در قالب انجمن‌های تخصصی وجود دارند و در این زمینه فعالیت‌هایی روی داده است.

در سال ۲۰۱۶ یعنی سال ۱۳۹۵، نخست‌وزیر چین در بین رؤسای دانشگاه، جمله‌ای را گفت مبنی بر اینکه اقتصاد ما رشد خوبی داشته اما آینده روشنی ندارد. چینی که امروزه قطب صنعتی است. چرا که چین در مهندسی معکوس خیلی قوی است اما در نوآوری جایگاه خیلی خوبی ندارد. در ادامه نخست‌وزیر چین، به لزوم تغییر در این حوزه اشاره کرده است. در این مورد بحث نوآوری دارای اهمیت است؛ چرا که باید زیست‌بوم نوآوری را ساماندهی کرد و زیرساخت‌های لازم را فراهم نمود و همچنین باید شبکه‌سازی و خوشه‌سازی را جدی گرفت. دانشگاه نقش اصلی را بازی می‌کند، نقش آفرینی دانشگاه‌ها و کمک مؤثر واحدهای دانشگاه برای شکل‌گیری زیست‌بوم‌های محلی و نوآوری را باید مهم تلقی کرد. همان‌طور که آقای دکتر مقیمی گفتند اول مسئله خرج خانواده را حل کنیم بعد بتوانیم برای جاهای دیگر نمونه باشیم. باید این تغییرات انجام شود و فرهنگ پژوهشگران تغییر کند: ترویج فرهنگ کسب و کارهای مبتنی بر نوآوری در محیط دانشگاه، ترویج، بسترسازی و تسهیل تجاری‌سازی و بازاریابی، توسعه پارک‌های علم و فناوری و فناوری اطلاعات. باید یک نظام مسائل وجود داشته باشد، کاری که در دانشگاه شهید بهشتی شروع شده تنظیم یک برنامه علمی است. در واقع بر اساس توانایی موجود، برنامه‌های علمی تعریف شده و مقرر گردیده در سال اول، باید ۳۰ درصد از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترا در زمینه‌ای که نظام مسائل و نیازهای آن مشخص است و مشتری دارد اختصاص یابد. هم‌اکنون در دسته فناوری اطلاعات، دانشکده‌هایی در زمینه زیست‌فناوری و مهندسی پزشکی وجود دارد. در بحث نظام مسائل، دانشگاه باید پاسخگوی دستگاه باشد و این طبیعتاً نیاز به حمایت دارد. این همان مسیری است تا یک برنامه به‌صورت عملیاتی پیاده‌سازی شود. نظام مسائل کشور باید از تعریف و چالشی که در سیستم و صنعت دارد، تا جایی که می‌تواند تبدیل به موضوع پژوهشی شود، مسیری طی کند. در سال ۲۰۱۵ در بحث نوآوری خیلی از کشورها مانند کشور ایران جایگاهی نداشتند و از قاره آسیا کشورهای هند، قزاقستان و سریلانکا، در رابطه با نوآوری فعال بودند. در ۲۰۲۰ هند، ایران و قزاقستان از جایگاه خوبی برخوردار می‌شوند، اما هنوز چین با آن عظمت جایگاهی ندارد. اگر سرمایه‌گذاری ایجاد نشود در آینده معلوم نیست که بتوان جایگاه خوبی

را کسب کرد. تغییر نظام فکری دانشگاه به سمت پژوهش محوری، مبتنی بر نوآوری فناورانه و تبدیل به دانشگاه خلاق، نوآور و فن آفرین است که باید روی آن سرمایه گذاری شود.

به همین دلیل لازمه بررسی بحث آموزش، پژوهش، کارآفرینی و توسعه، نوآوری و فن آوری است. دانشگاه باید بتواند هم‌زمان با برنامه آموزشی- پژوهشی، این خدمات را به جامعه بدهد، پروژه‌ها هدایت شده، مسئله‌محور و نیازمحور باشند تا بر اساس آن بتوان حرکت کرد و این میسر نمی‌شود مگر اینکه رابطه‌ای قوی بین دستگاه‌های متقاضی یعنی مشتری و دانشگاه به وجود آید. از اقداماتی که باید در دانشگاه صورت پذیرد، ارتقاء آموزش و مهارت‌های کارآفرینی و فن آفرینی دانشگاهیان، به‌عنوان مکمل زنجیره تحقیق و توسعه، و ارزش‌بخشی و تجاری‌سازی نتایج تحقیقات در راستای نیازهای جامعه است. این موارد، مسئولیت اجتماعی دانشگاه است و باید انجام شود. ساختارهایی نیز طراحی شده است. بحث شبکه نوآوری باید در وزارت علوم ایجاد شود اما سایر دستگاه‌های مختلف اقدام به ایجاد آن کرده‌اند. از آنجا که دانشگاه با وزارت علوم مرتبط است باید بخش نوآوری در دانشگاه راه‌اندازی شود تا به ایجاد یک شبکه منجر شود و با ارائه خدمات و همکاری با یکدیگر بتوانند، همدیگر را پوشش دهند. همچنین در این راستا نیاز است، نقش پارک‌های علم و فناوری، پردیس‌ها، مراکز رشد، کارآفرینی و نوآوری در نظر گرفته شود.



دکتر فرهاد دانشجو
رئیس دانشگاه تربیت مدرس

موضوع سخنرانی:

نظام تأمین مالی

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای پرچمدار نهضت علم و فناوری هستند و سیاست‌های کلی «علم و فناوری» را در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۲۹ در ۶ بند حاوی ۳۴ جزء ابلاغ فرمودند.

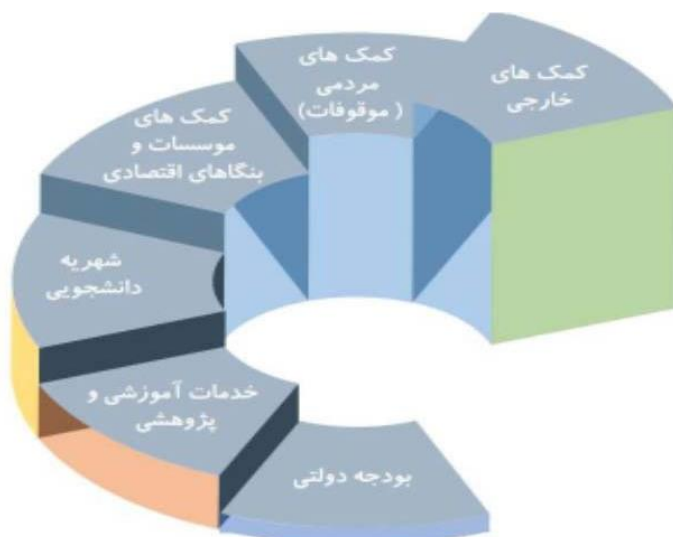
در اولین بند آن، حضرت آقا به جهاد مستمر علمی با هدف مرجعیت علمی و فناوری در جهان تأکید فرموده‌اند. اگر به همین سیاست‌های ابلاغی عمل می‌گردید تاکنون در رشته‌های بسیار بیشتری به مرجعیت علمی دست یافته بودیم. ما در دانشگاه تربیت مدرس، فرامین مقام رهبری (مدظله العالی) را در این جهاد علمی در حوزه‌های مختلف همچون نانو تکنولوژی، فنی و مهندسی، علوم انسانی، علوم پایه، کشاورزی، منابع طبیعی و علوم دریایی، علوم پزشکی، حقوق، مدیریت و اقتصاد، مهندسی عمران و محیط زیست، الکترونیک و کامپیوتر و دیگر رشته‌ها و ایجاد پارک علم و فناوری با بیش از ۱۷۵ شرکت دانش بنیان و تربیت اساتید مؤمن و انقلابی اجرا نموده‌ایم. همچنین با تأسیس پردیس‌های بین‌المللی در جذب دانشجویان خارجی و اشاعه زبان فارسی به عنوان زبان مرجع اقدامات شایسته‌ای انجام داده‌ایم و این جهاد علمی را به صورت مستمر ادامه خواهیم داد.

زمینه‌ساز مرجعیت علمی و فناوری، از یک طرف، شاخص سرمایه گذاری و تأمین مالی برای پژوهش و نوآوری است و از طرف دیگر رضایتمندی نسبی اساتید، دانشجویان و دیگر محققین عالم و مؤمن به اسلام، متعهد به انقلاب اسلامی و تکلیف مدار و دارای دغدغه اعتلای کشور که موتور پیشران مرجعیت علمی و فناوری در کشور هستند است. در تمامی زمینه‌هایی که به مرجعیت علمی رسیده‌ایم مثل نانو بیوتکنولوژی، سلول‌های بنیادی، علوم مرتبط با پهبادهای پل سازی، سدسازی، تولیدات دارویی، بسیاری از زمینه‌های پزشکی و ... ردپای تأثیرگذار محققین و اساتید عالم و مؤمن به اسلام، متعهد به انقلاب اسلامی و تکلیف مدار و دارای دغدغه اعتلای کشور به وضوح دیده می‌شود. لذا پشتیبانی از نیروی انسانی به عنوان موتور پیشران و رسیدگی به وضعیت معیشتی آنها و فراهم نمودن تجهیزات و امکانات آزمایشگاهی به روز برای رضایتمندی این عزیزان بسیار ضروری است و به هیچ وجه نباید رسیدن به مرجعیت علمی را

بدون توجه به رضایتمندی این عزیزان ممکن دانست. دشمن ایران و اسلام و انقلاب برای جلوگیری از سرعت توفیقات علمی و تولیدی و تبدیل شدن کشور به مرجعیت علمی، به دنبال ایجاد عدم رضایتمندی این قشر فرهیخته و دلداده به نظام مقدس جمهوری اسلامی است و جدا نمودن آنها از مردم انقلابی و ولایت است.

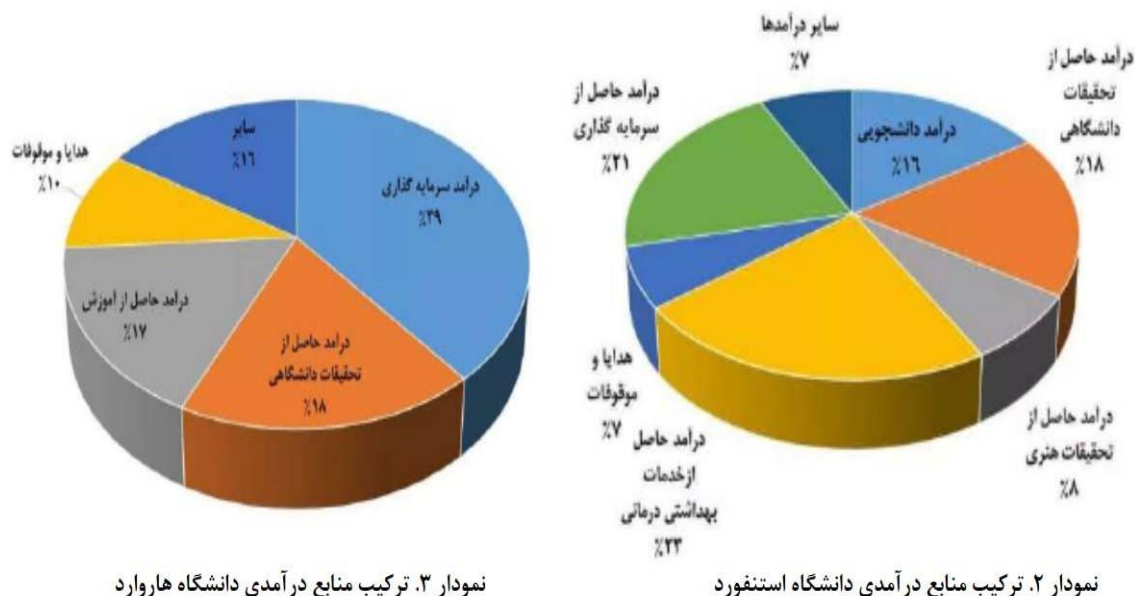
در نمودار شماره ۱ تصویری از وضعیت نسبی منابع درآمدی دانشگاه‌ها در عرصه بین‌المللی نشان داده شده است که در این دانشگاه‌ها کاملاً به صورت مستقل اداره می‌شوند.

بسته به ماهیت فعالیت دانشگاه‌ها به عنوان نهادهای آموزشی و پژوهشی عمده زمینه‌های سرمایه‌گذاری آنها: املاک و مستغلات، انواع مختلف اوراق قرضه و سهام، منابع طبیعی، سرمایه‌گذاری خطرپذیر، خریدهای اهرمی، سرمایه‌گذاری‌های با درآمد ثابت و ... است.

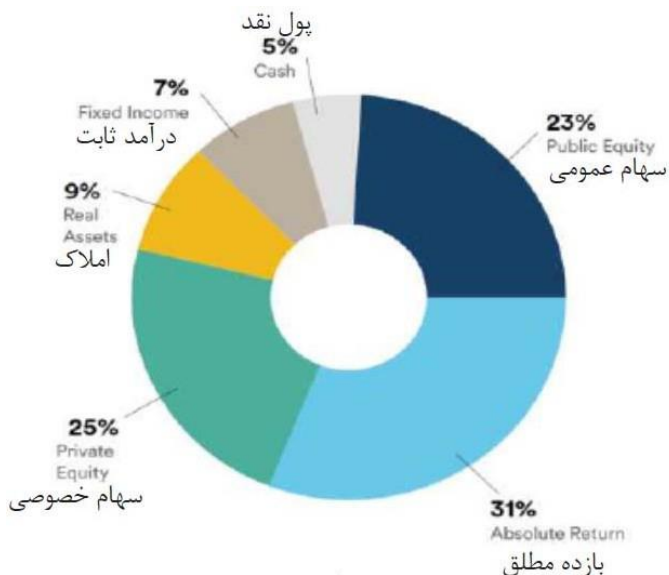


نمودار ۱. منابع درآمدی دانشگاه‌ها در جهان

همچنین در نمودارهای ۲ و ۳ به صورت نمونه ترکیب منابع درآمدی دو دانشگاه معتبر استنفورد و هاروارد به تصویر کشیده شده است. همانگونه که ملاحظه می شود تقریباً می توان ادعا نمود که این دانشگاه ها کاملاً به صورت مستقل اداره می شوند.



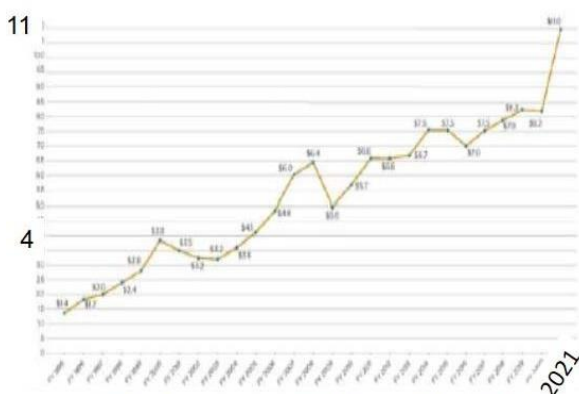
مروری بر عملکرد دانشگاه ها در حوزه سرمایه گذاری حکایت از آن دارد که هر یک از آنها در زمینه گزینه های سرمایه گذاری و تأمین مالی، رویکردهای مختلفی داشته و در عمل سیاست ها و روش های مخصوص به خود را دنبال می نمایند. در شکل ۴ نمونه ای از ترکیب سرمایه گذاری های دانشگاه براون یکی از قدیمی ترین و معتبرترین دانشگاه های آمریکا دیده می شود.



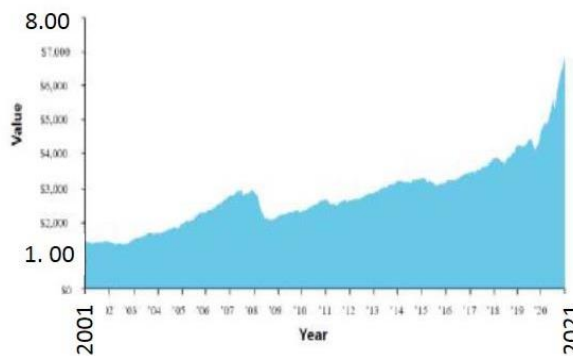
سود یا زیان حاصل شده توسط دارایی ها یا سبد سرمایه‌گذاری

شکل ۴. ترکیب سرمایه گذاریها در دانشگاه براون (متوسط ده سال اخیر)

نکته‌ای که در این رابطه جلب توجه می‌نماید حجم گردش مالی سرمایه گذاری‌های دانشگاه‌ها و روند افزایشی آنها در بستر زمان است. در نمودارهای ۵ و ۶ روند ارزش بازاری دارایی‌های موضوع سرمایه گذاری در دو دانشگاه براون و شیکاگو آورده شده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود به صورت نمونه ارزش دارایی‌های این دو دانشگاه در انتهای سال مالی ۲۰۲۱ به ترتیب ۸ و ۱۱ میلیارد دلار بالغ می‌گردد که عدد قابل توجهی است. (منبع: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس)



نمودار ۶. ارزش بازاری داراییهای موضوع سرمایه گذاری در دانشگاه شیکاگو (میلیارد دلار)



نمودار ۵. ارزش بازاری داراییهای موضوع سرمایه گذاری در دانشگاه براون (میلیارد دلار)

علت رویکرد دانشگاه تربیت مدرس برای دستیابی به گزینه‌های درآمدی پایدار غیردولتی: در ایران نظام دانشگاهی دولتی وابسته به بودجه‌های دولتی است و درآمدهای اختصاصی سهم اندکی از هزینه‌های دانشگاه‌های دولتی را پوشش می‌دهند. این وضعیت باعث گردیده که آسیب‌پذیری این دانشگاه‌ها در نوسانات اقتصادی که درآمدها و متعاقباً بودجه دولت‌ها دستخوش نوساناتی می‌شود، شدیداً افزایش یابد؛ لذا منطقی است که نظام دانشگاهی کشور به دنبال دستیابی به گزینه‌های درآمدی پایدار برای خود باشد. با این توضیح که این رویه می‌بایست فراتر از درآمدهای دانشگاه‌ها از محل اجرای پروژه‌های تحقیقاتی باشد. چرا که اولاً درآمد واقعی از پروژه‌های پژوهشی حداکثر بین ۱۰ تا ۱۵ درصد مبلغ قراردادهای پژوهشی است و بقیه صرف خود انجام پروژه می‌گردد. به طور مثال درآمد پیش‌بینی شده برای دانشگاه تربیت مدرس در بودجه ۱۴۰۱ برابر ۱۳۰ میلیارد تومان پیش‌بینی شده است؛ ولی اگر این حجم از قرارداد اتفاق بیفتد دانشگاه فقط ۱۳ میلیارد درآمد واقعی در سال ۱۴۰۱ خواهد داشت و بقیه صرف هزینه‌های خود پروژه مانند خرید مواد اولیه، پرداخت به پژوهشگران، آزمایش‌های میدانی و آزمایشگاهی و ... می‌گردد. ثانیاً تجربه ثابت کرده است که در بحران‌های اقتصادی که بودجه دولت و نهادهای وابسته به آن تقلیل می‌یابد، از آنجا که دولت بزرگ‌ترین کارفرمای پروژه‌های تحقیقاتی است، بالاچار تقاضا برای پژوهش و متعاقباً درآمدهای پژوهشی دانشگاه‌ها نیز کاهش می‌یابد. یکی از گزینه‌های جدی و متعارف جهت تأمین مالی دانشگاهی در عرصه بین‌المللی استفاده دانشگاه‌ها از دارایی‌ها و منابع نقدی و غیرنقدی خود در زمینه سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی مالی دانش‌بنیان و بهره‌مندی از عواید آنها است.

- برای این سازمان بصورت نمونه وظایف و کارکردهای زیر تعریف شده است:
- مدیریت و بهره‌برداری از دارایی‌ها و اموال منقول و غیرمنقول دانشگاه‌ها و توسعه آنها، به طور متمرکز و یکپارچه جهت حمایت از اهداف علمی، آموزشی و پژوهشی دانشگاه.
 - مدیریت و بهره‌برداری از موقوفات (احتمالی)، دریافت هدایا و کمک‌های مردمی و ... به طور متمرکز.
 - ارائه دوره‌های تخصصی و فوق تخصصی آموزشی و پژوهشی برای انجمن‌ها، کانون‌ها، بنیادهای علمی و فرهنگی، مهندسان حرفه‌ای، جامعه کاربردی حرفه‌ای و بقیه متقاضیان، به طور مستقل و یا با مشارکت مؤسسات دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی با توجه به آئین نامه مالی و معاملاتی دانشگاه جهت حمایت از اهداف علمی، آموزشی و پژوهشی دانشگاه.
 - پیشنهاد سرمایه‌گذاری، تأسیس و یا مشارکت در انواع شرکت‌های تجاری، مؤسسات و نهادهای مالی دانش‌بنیان در چارچوب قوانین جدید و تسهیل شده و اعمال حاکمیت و مدیریت بر آن به منظور خلق ارزش افزوده اقتصادی جهت حمایت از اهداف علمی، آموزشی و پژوهشی دانشگاه.

سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری: در راستای کسب درآمدهای پایدار، دانشگاه تربیت‌مدرس در مدیریت جدید، ایجاد نهادی تخصصی با هدف توسعه و سرمایه‌گذاری‌های دانشگاه و تأمین مالی غیردولتی را در دستور کار قرار داد و به استناد مفاد ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و مصوبه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی به منظور کاهش وابستگی بودجه دانشگاه به منابع دولتی و جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری افراد حقیقی و حقوقی خصوصی و غیرخصوصی و خیرین، هیئت‌امنای دانشگاه تربیت‌مدرس در پنجاه و نهمین جلسه در خرداد ۱۴۰۱ با ایجاد سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری دانشگاه تربیت‌مدرس موافقت نمود.

این سازمان می‌تواند با بهره‌گیری از تجربیات موجود در جهان با ساماندهی، تجهیز و نیز کسب دارایی‌های جدید به خلق ارزش درآمد برای دانشگاه تربیت‌مدرس بپردازد و با توجه به اینکه دانشگاه تربیت‌مدرس از دارایی‌های قابل توجهی همچون اوقاف، هدایا، وجه نقد و ... جهت استفاده در زمینه سرمایه‌گذاری‌ها، برخوردار نمی‌باشد. شایسته است این نهاد با ساختار اجرایی بهینه و فرایندهای چابک به شناسایی و تدارک گزینه‌های سرمایه‌گذاری برای دانشگاه بپردازد.

مدیریت دارایی‌ها و سری استانداردهای ایزو ۵۵۰۰۰: طی دهه‌های اخیر، نقش و کارکرد دانشگاه‌ها شدیداً متحول گردیده و از نهادهایی که صرفاً متمرکز بر آموزش و متعاقباً پژوهش باشند تغییر یافته و ابعاد اجتماعی آنها به معنای ایفای نقش در مدیریت جامعه هر چه بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. این تغییر رویکرد از ایفای نقش در موضوعات علوم انسانی همچون جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، اقتصاد و ... تا حوزه‌های کاملاً فنی، مهندسی و فناوریانه کاملاً مشهور است. این تغییر در رویکردها و کارکردها باعث گردیده که استقلال مالی دانشگاه‌های پیشرو به دلیل ارائه خدمات علمی به جامعه و همچنین بهره‌گیری از منافع و درآمدهای آنها افزایش یابد. بطور کلی بحث مدیریت دارایی‌ها یک موضوع مستقل و حائز اهمیت در مدیریت مالی یک بنگاه اقتصادی به حساب می‌آید. اهمیت این بحث به حدی است که در این رابطه جامعه جهانی اقدام به استانداردسازی و اتخاذ رویه‌ای واحد در اصول اولیه آن نموده است. سری استاندارد ایزو ۵۵۰۰۰ را می‌توان نمونه‌ای از این اقدامات به حساب آورد. مدیریت دارایی‌ها بنا به تعریف ارائه شده در استاندارد ایزو ۵۵۰۰۰ عبارت است از «فعالیت‌های هماهنگ سازمان برای تحقق ارزش دارایی‌ها». تحقق ارزش نیز بر اساس همین استاندارد معمولاً ایجاد تعادل بین مزایای عملکرد، فرصت‌ها، ریسک‌ها و هزینه‌ها را شامل می‌شود. در سری استانداردهای ایزو ۵۵۰۰۰ تلاش شده است تا یک چارچوب استاندارد برای مدیریت مؤثر

دارایی‌های سازمان تدوین شود. این سری استاندارد شامل سه استاندارد ایزو ۵۵۰۰۰ (واژگان مدیریت دارایی فیزیکی)، استاندارد ایزو ۵۵۰۰۱ (الزامات سیستم مدیریت دارایی) و استاندارد ۵۵۰۰۲ (راهنمای نحوه بکارگیری الزامات استاندارد ایزو ۵۵۰۰۱) است. بدیهی است هر چند دانشگاه‌ها مستقیماً یک نهاد اقتصادی به حساب نمی‌آیند اما در مدیریت دارایی‌های آنها و پرداختن به مقوله سرمایه‌گذاری می‌توان از دستورالعمل‌های این استاندارد استفاده نمود (منبع: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس).

برخی از تمهیدات و اختیارات اولیه مورد نیاز برای فعالیت مؤثر در استقلال بیشتر مالی دانشگاه‌ها از بودجه دولتی:

۱) مدیریت اموال منقول و غیرمنقول دانشگاه با قوانین تسهیل شده‌ای که باید به تصویب مراجع قانونی برسد به دانشگاه‌ها واگذار گردد.

۲) به سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری دانشگاه‌ها اجازه داده شود تا برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از سود/ضرر فعالیت‌ها، نسبت به ایجاد، خرید و فروش شرکت‌های تولیدی، کارخانجات، زمین و آپارتمان و دیگر فعالیت‌های دانش‌بنیان اقدام نموده و همچنین در این راستا بتواند از ظرفیت‌های موجود در بازار بورس داخل و خارج از کشور استفاده نمایند.

۳) دانشگاه‌ها بتوانند نسبت به فروش املاک و یا تبدیل به احسن نمودن املاک و مولدسازی آنها و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دانش‌بنیان و موارد دیگری که در سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری دانشگاه تصویب می‌گردد اقدام نمایند و از سود این سرمایه‌گذاری‌ها جهت اهداف عالی حفظ و ارتقای کیفیت و کمیت آموزشی، پژوهشی و فرهنگی و دانشجویی دانشگاه و سرمایه‌گذاری مجدد بهره ببرند.

۴) دانشگاه‌ها بتوانند سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری دانشگاه را به صورت یک شرکت سهامی خاص (که کلیه یا بخشی از سهام آن متعلق به دانشگاه خواهد بود) به عنوان یک شرکت مادر (هلدینگ) ثبت نماید و از کلیه اختیارات مندرج در قانون (مجمع، هیأت مدیره و ...) این نوع شرکت‌ها استفاده نماید. سپس برای اجرای هر یک از پروژه‌های علمی، آموزشی، تحقیقی، تولیدی و دیگر پروژه‌های توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری دانش‌بنیان که برای آنها درآمدهای قابل توجهی متصور باشد، شرکت‌های زیر مجموعه سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری دانشگاه ایجاد نماید.

۵) دانشگاه‌ها بتوانند درآمدهای خود را به هر میزان که کسب نمایند، دریافت نموده و سقفی برای درآمدهای

دانشگاه ملحوظ نگردد.

۶) اجازه سپرده گذاری در حساب‌های سپرده گذاری کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت پول‌های دانشگاه در بانک‌های دولتی و خصوصی و دریافت سود از آنها و استفاده سود در راستای برنامه‌های دانش‌بنیان صادر گردد.

۷) تسهیلات لازم برای استفاده از وقف برای دانشگاه‌ها پیش بینی و ملحوظ گردد.

۸) دولت تا قبل از رسیدن به خودکفایی نسبی دانشگاه‌ها، حمایت مالی و معنوی از دانشگاه‌ها را بیشتر نماید.

۹) اختیارات هیأت امنای دانشگاه‌ها به صورت واقعی قابل اعمال گردد و با تغییر دولت‌ها کاهش نیابد.

۱۰) شأن و منزلت دانشگاه و دانشگاهیان در واگذاری اختیارات اداری و مالی به دانشگاه‌ها و در نحوه نظارت بر عملکرد به صورت واقعی ملحوظ گردد.

۱۱) پشتیبانی از نیروی انسانی (اعضای هیأت علمی، کارمندان و دانشجویان) به عنوان موتور پیشران هدف مرجعیت علمی، و رسیدگی به وضعیت معیشتی آنها و فراهم نمودن تجهیزات و امکانات آزمایشگاهی برای رضایتمندی نسبی آنها با جدیت توسط دولت پیگیری گردد.



دکتر علی باقر طاهری نیا
رئیس مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

موضوع سخنرانی:

نیروی انسانی دال مرکزی تحقق مرجعیت علمی

هوالعلیم

منظور از نیروی انسانی افرادی است که بالفعل یا بالقوه می‌توانند از سطحی از مرجعیت علمی برخوردار شوند، لذا غیر از بحث نیروی انسانی مسائلی مطرح نمی‌شود. پیرنگ تاریخی دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب، در خصوص مرجعیت علمی نکات بسیار خوبی را داراست که در فرمایشات ایشان به مفهوم‌شناسی مرجعیت علمی و سیر تحول دلالت این واژه اشاره شده است. کلیدواژه‌های فرمایشات ایشان از سخنرانی آغازین در سال ۱۳۸۴ در جمع دانشگاهیان دانشگاه امام صادق تا روزهای پس از آن موجود است که به دلیل صرفه‌جویی در وقت از ارائه آنها صرف نظر می‌کنم. خوشبختانه همچنان که در ابتدای جلسه، جناب آقای دکتر مخبر فرمودند، حاصل همین توجهات باورمندانه است که امروزه عرصه علم و فناوری کشور، عرصه پیشتاز و افتخارآفرین کشور شده است. در حوزه مرجعیت علمی کارهای پژوهشی متعددی شده و یکی از اقداماتی که نیاز است به آن پرداخته شود، احصاء نظام مسائل مرجعیت علمی است.

مطالعات متعددی در این زمینه صورت گرفته و آنچه ارائه می‌کنم در واقع برداشتی فراتحلیلی از پژوهش‌های دیگران و مستندات علمی مربوط به حوزه مرجعیت است. البته بر اساس تجربه شخصی چند سال پیش در دانشگاه فرهنگیان کارگروه مرجعیت علمی داشتیم، امروز نیز در مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، اندیشکده حکمرانی آموزش عالی داریم که یکی از گروه‌های این اندیشکده، گروه مرجعیت علمی است. یکی از اقداماتی که توسط پژوهشگران انجام گرفته است، بررسی عوامل مؤثر بر مرجعیت علمی است که به روش دلفی، نهصد مضمون را احصاء کرده و این نهصد مضمون را در ذیل پنج عامل و چهل و پنج زیرعامل دسته‌بندی کرده است. یکی از این عامل‌ها که مورد بحث من است «سرمایه انسانی» است. در ذیل این سرمایه انسانی زیرعامل‌هایی تعریف شده است. گروه پژوهشی مذکور، مهم‌ترین عوامل تحقق مرجعیت علمی در بخش نیروی انسانی را به ترتیب اولویت نام بردند (۱) تربیت و توانمندسازی، (۲) جذب اساتید متخصص (۳) پرورش متناسب با ارزش‌های انقلابی و... بنابراین در اینجا مهم‌ترین عوامل مؤثر در بخش نیروی انسانی مشخص می‌شود.

برخی از پژوهشگرانی که در این حوزه فعالیت داشتند روی موانع تحقق مرجعیت علمی مطالعه داشته که آن‌هم دارای نکات ارزشمندی است. یکی از این مطالعات که با روش جی.تی.ام. انجام شده بر دو گروه

فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. بر فرض که این مدل، به صورت صحیح اجرا شود و وزارت علوم و وزارت بهداشت کارهای مربوطه را بدون نقص انجام دهند اما اگر محیط فرهنگی، محیط سیاسی و اقتصادی همراه نباشد کار آنها ناقص می‌ماند.

به عنوان مثال، از سال ۱۳۹۵ در حوزه محیط فرهنگی، مبحث حقوق‌های نجومی مطرح شد. در گذر زمان برخی افراد خاص، اعضای هیئت علمی را در گروه نجومی بگیران دسته‌بندی کردند. یعنی اینکه اعضای هیئت علمی را از جامعه جدا کردند؛ یعنی اعضای هیئت علمی گروه مرجع نباشند و به حیثیت اعضای هیئت علمی، آسیب جدی وارد کردند. وقتی محیط فرهنگی، این سیگنال را به پژوهشگر و نخبه بدهد، دیگر حمایت و کمک نیز اثربخش نخواهد بود. یکی از قوانین بسیار خوب در حوزه سیاست‌گذاری، بحث قانون هیئت‌امنایی شدن است. اسفندماه سال ۱۳۶۷، قانون هیئت‌امنایی شدن مصوب شد. یکی از قانون‌های بسیار خوب که به دانشگاه‌ها جهت تصمیم‌گیری اختیار می‌دهد. شما در محیطی زندگی می‌کنید که اعتمادها را از آن می‌گیرند. شما نمی‌توانید بگوئید، نخبگان را حمایت می‌کنیم تا مرجع علمی داشته باشیم ولی از طرف دیگر قوانین وضع شده را حذف می‌کنیم؛ یا در محیط اقتصادی قصد حمایت از پژوهشگران را داریم اما برای آنها سقف حقوق تعریف می‌کنیم. وقتی سقف حقوق برای هیئت علمی تراز بالا مقرر شود، استادیار جوانی که در آن محیط وارد شده، افق خودش را مشاهده می‌کند. بنابراین شرایط محیطی، باید فضا را مناسب کند. اگر دانشگاه، خوب عمل کند اما شرایط محیطی نامناسب حاکم باشد عملکرد دانشگاه را مختل می‌نماید.

برای این که پیشنهادها نزدیک به ذهن باشد، از حوزه ورزش کمک بگیریم. (۱) در حوزه ورزش، رده‌های مختلف وجود دارد: رده پایه، همگانی و قهرمانی. مسائل مرتبط با هر یک از آنها متفاوت است. یعنی مسائل حوزه پایه با همگانی، و همگانی با قهرمانی کاملاً متفاوت است. اما جالب است که ۹۷ درصد فضای رسانه‌ای تحت تأثیر قهرمانی است و دغدغه عمومی مردم هم همان قهرمانی می‌شود و نگاه می‌کنند که چه کسی نفر اول جهان شده است. رده پایه و همگانی که مولد این قهرمانی بوده است مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بنابراین، حساسیت‌های جامعه به آن قله است. (۲) یک چهارم بودجه وزارت ورزش، برای ورزش قهرمانی است. در واقع ورزش قهرمانی، مسئله گم‌شده در وزارت ورزش نیست و در وزارت ورزش یک معاونت قهرمانی یعنی یک متولی مشخص وجود دارد. اگر انتظار است در دانشگاه تهران که ۲۱۰۰ نفر عضو هیئت علمی دارد بیست نفر برند باشند، آیا این برندها

حمایت ویژه می‌شوند؟ یک خط ویژه دارند؟ این از مسائلی است که می‌تواند در جمع‌بندی دوستان مد نظر قرار گیرد و آن عبارت است از ردیف بودجه ویژه مرجعیت علمی با ملاحظات و الگوی ورزشی که مطرح شد. مجدداً در مبحث متولی مشخص، الگوی ورزشی را تطبیق می‌دهم و ورزش پایه را با آموزش و پرورش مقایسه می‌کنم. مسائل آموزش و پرورش چیست؟ (۱) در آموزش و پرورش کلیدواژه‌های «خلاقیت»، «پرسشگری» و «نوآوری» برای دانش‌آموز تعریف می‌شود ولی اگر افق مرجعیت علمی مشخص و تصویب گردید، باید «پرسشگری»، «نوآوری» و «خلاقیت» دانش‌آموز در مدرسه پرورش داده شود؛ (۲) معلم، باید معلم مهارت‌دیده و آموزش‌دیده باشد؛ (۳) هدایت تحصیلی درست انجام شود؛ (۴) شناسایی استعدادها صحیح انجام شود. به عبارتی ورزش پایه، ورزش پایه علمی باشد تا در صورت ورود به مرحله بعد، نتایج خوب گرفته شود. در آموزش عالی و بخش همگانی که منظور نخبگان و طیف عمومی است. مسئله حوزه نخبگان، شامل «حمایت مادی و معنوی»، «نگه‌داشت نخبگان»، «بازگشت نخبگان»، «چرخش نخبگان» و «شیوه مباحثه»، «تعبیر آزاداندیشی» و «مهاجرت معکوس» است. مسائل پایه، همگانی و قهرمانی با یکدیگر متفاوت است. در سطح مرجعیت، جنس دغدغه‌ها فرق می‌کند، شما اگر به کسی گفتید مرجع هستید یا در مظن اجتهاد هستید یا در آینده مرجع خواهید بود، آن فرد باید به اندازه کافی اختیار عمل داشته باشد و دیگر نباید مثل بقیه اعضای هیئت علمی درخواست ترفیع بدهد، در نوبت گزینش منتظر بماند یا در صف تجهیزات بایستد. سلوک مرجع، در اصل معیار است. وقتی می‌گوییم کسی مرجع است (منظور مرجع اعلم نیست) و در مظن اجتهاد است، رفتار و گفتارش یک حجیت دارد. به گمان باید بر اساس این الگوی ورزشی، یک نظام سرمایه‌گذاری جداگانه برای افرادی که تحت عنوان مرجعیت علمی معرفی می‌شوند طراحی کرد.

در این مورد نیز الگوی ورزشی را پیاده می‌کنم. یکی از الگوهای ورزشی، سرمایه‌گذاری نقطه‌ای است. وقتی قرار است در دو سال بعد، قهرمان کشتی جهان شوید، روی چهار نفر به صورت هدفمند سرمایه‌گذاری می‌کنید: فرد خاص، موضوع خاص، زمان خاص. بر اساس اطلاعات آماری در کشور حدود ۸۴۱ دانشمند وجود دارند که ۱ درصد برتر هستند و مشخص است که هر یک از آنها در چه حوزه‌ای فعالیت دارند. بنابراین بهتر است به طور مثال در حوزه مهندسی روی همان شخص برتر سرمایه‌گذاری شود. اگر از کسی که در مظن مرجعیت است، انتظاراتی وجود دارد پس باید حمایت از او نیز به صورت نقطه‌ای، زمان‌دار، موضوعی و فردی صورت پذیرد. در حوزه علوم انسانی هم همین گونه است. در پانزده سال اخیر بیست و پنج نظریه مطرح شده است؛ پس بهتر است بر

صاحبان آن نظریه‌ها سرمایه‌گذاری شود. به فردی که نظریه ثبت شده علوم انسانی دارد، اختیار عمل داده شود و از چارچوب‌های کلاسیک بوروکراسی اداری رها شود. همانند سایر اساتید از او انتظار تحویل اسناد جهت فرایند ترفیع در هر سال وجود نداشته باشد. در اصل رفتار مرجع باید معیار باشد. این موضوع با باور و فرهنگ امکان‌پذیر است.

در سطح کلان، اول و ملی، نباید مفاهیم سیاست، فرهنگ، اقتصاد و اجتماع معارض با جریان مرجعیت علمی باشد. در دانشگاه در بخش‌هایی شعار مرجعیت وجود داشته باشد، ولی به طور مثال در سازمان امور استخدامی یا در حوزه سازمان برنامه و بودجه مورد قبول نباشد و یا در فضای عمومی فرهنگی جامعه، وجاهت و شأن اجتماعی مرجع علمی زیر سؤال رود.

در سطح سیاست، فرهنگ و اقتصاد به مراقبت نیاز است؛ نه بودجه می‌خواهد، نه حتی وضع قانون می‌خواهد. کافی است تا خلاف عمل نکنیم، چون سیاست‌ها عموماً مثبت هستند، مگر اینکه ضد سیاست اتفاق بیافتد. پس در این سطح نیاز به مراقبت داریم. همچنین در سطح دوم که خارج از وزارت علوم و فرادستگاهی است، نیاز به ردیف بودجه جداگانه است. در دانشگاه تهران، پژوهانه^۱ اساتید برتر^۲ به صورت جدا پرداخت می‌شد. اصلاً نیازی به ارائه تقاضای پژوهانه نبود. اما سایر اعضای هیئت علمی زمان سررسید آن، درصدی پژوهانه می‌گرفتند. باید در وزارت علوم، معاونت مرجعیت علمی وجود داشته باشد، نه مشاور مرجعیت علمی. دستگاهی که از بین ۸۱ هزار عضو هیئت علمی، دو هزار نفر را رصد کند؛ احوالشان را پرسد؛ بگوید چه کاری انجام می‌دهید؛ آیا مشکلی دارید؛ در چه وضعیتی هستید؟ این سطح نیز عزم و اراده می‌خواهد. در دستگاه آموزش عالی وزارت علوم نیاز به برندسازی، شبکه‌سازی، تدوین نقشه راه، مأموریت‌گرایی، آموزش پژوهش‌محور و اقدام است.

¹ Grant

² Top Ten



دکتر حسین بلندی
رئیس دانشگاه جامع علمی کاربردی

موضوع سخنرانی:

مرجعیت علمی – مهارتی

هوالعلیم

در ابتدا لازم به ذکر است مباحثی که ارائه می‌شود از نگاه فردی است که تلاش نموده دانش تخصصی را در عرصه عمل به کار گیرد، نه صرفاً از جانب رئیس دانشگاه جامع علمی کاربردی به‌عنوان یک دانشگاه مهارت‌محور. با توجه به نتایج حاصل از این اقدام، معتقدم صرف داشتن مهارت یا دانش تخصصی به تنهایی کافی نیست؛ متخصص بودن مستلزم کسب دانش و کاربرد آن به‌صورت توأمان است؛ لذا به نظر می‌رسد پرداختن به مرجعیت علمی - مهارتی در کشور ضرورتی انکارناپذیر است.

با تدبیر در فرمایشات ارزشمند سال ۱۳۹۷ مقام معظم رهبری (مدظله العالی) طی دیدار با اساتید، پژوهشگران و نخبگان دانشگاه‌ها که فرمودند: "مشکلات کشور بایستی به‌صورت علمی و توسط دانشگاهیان حل شود. تحقیقات بایستی هدفمند شود؛ ببینید نیاز کشور چیست، خلأ کجاست؛ این تحقیقات آن خلأ را پر کند؛ این خیلی مهم است. پژوهش‌های بی‌هدف را باید از دایره کار خارج کرد. البته هدف پژوهش قاعدتاً دو چیز است: یکی رسیدن به مرجعیت علمی و حضور در جمع سرآمدان علم و فناوری، دوم حل مسائل کنونی و آینده کشور. اینها با هم منافات هم ندارد...". می‌توان نتیجه گرفت که تجمیع مرجعیت علمی و حل مسائل آینده اشتغال کشور، دو عنصر اصلی است که موجبات دستیابی به مرجعیت علمی - مهارتی را فراهم خواهد نمود.

بخش اعظمی از مشکلات امروز کشور، معضل بیکاری به‌ویژه بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاه‌هاست؛ لذا فراتر از مفهوم عمومی مرجعیت که با رویکرد برتری همراه است، با وام گرفتن از فرمایشات رهبر فرزانه انقلاب لازم است در راستای مأموریت‌ها به حل مسائل مرتبط با اشتغال نیز پرداخته تا ضمن سرآمدی در علم، با کمک ارتقای توان اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان آموزش عالی یا متقاضیان جویای اشتغال در حوزه‌های تخصصی شغلی، بتوانیم در کوتاه‌ترین زمان ممکن شرایط تحقق کسب‌وکار موفق و رونق اقتصادی را فراهم نماییم.

در پژوهش دانشگاه صنعتی شریف که در ارتباط با موضوع «رقابت‌پذیری ایران در مقایسه با کشورهای منطقه به روایت گزارش جهانی رقابت‌پذیری سال ۲۰۱۶-۲۰۱۷» انجام پذیرفته، مشخص شده است که ایران در حوزه آموزش در مقایسه با کشورهای منطقه (شامل خاورمیانه، شمال آفریقا و پاکستان) تقریباً در جایگاه برابری قرار دارد و با شاخص اندازه بازار کار بسیار وسیع‌تر از کشورهای منطقه، در شاخص کارایی بازار نسبت به میانگین

کشورهای منطقه ضعیف‌تر عمل نموده است. بدیهی است با شناسایی، برنامه‌ریزی، اولویت‌بندی و تمرکز ضمن دستیابی به کارایی لازم، پاسخگویی به نیاز بازار کار نیز تسهیل خواهد شد. همچنین کشورمان در شاخص تبخیر در کسب‌وکار نیازمند تعدیل فاصله با کشورهای منطقه است و حل این مسئله مهم نیز نیازمند اقدام عملیاتی و منسجم در سطح گسترده است.



همچنین با نگاه به اسناد بالادستی از جمله نقشه جامع علمی کشور از جمله در بخش اهداف نظام علم و فناوری کشور، بر استقرار جامعه دانش‌بنیان اشاره شده و در بند ۳-۲ بخش اهداف بخشی، دستیابی به سطح دانش و مهارت نیروی کار کشور متناسب با معیار جهانی را به صورت توأمان برای پاسخگویی به نیازهای جامعه و بازار کار داخلی و بین‌المللی مورد تأکید قرار می‌دهد. هم اکنون شاهد این هستیم که دانش در کشور در حد اعلا رشد نموده؛ اما همچنان در به کارگیری آن مشکل وجود دارد؛ لذا به نظر می‌رسد موضوع حائز اهمیت، کاربردی نمودن دانش و انتقال این کاربرد فراتر از مرزهای جغرافیایی کشور است.

دستیابی به مرجعیت علمی - مهارتی در سطح ملی با رهبری و حکمرانی در ایجاد و توسعه دانش کاربردی، تربیت نیروی کار دانشی و همچنین پیشتازی در احراز شایستگی‌های شغلی و صلاحیت حرفه‌ای محقق می‌شود و در سطح فراملی با رسیدن به جایگاه محوری در توسعه آموزش مهارتی و سرآمدی مطابق با استانداردهای شغلی

بین‌المللی و نیز پیشرانی دیپلماسی مهارتی در سطوح منطقه‌ای و جهانی متصور خواهد بود. تحقق این مهم مستلزم در نظر گرفتن ارکان مرجعیت علمی - مهارتی شامل زیرساختی، آموزشی - پژوهشی و مدیریتی است. زمینه تحقق رکن زیرساختی مرجعیت علمی - مهارت، تنظیم سند تحول است. سندی که با رویکرد تجاری‌سازی و بازارگرایی؛ توسعه مهارت‌های شغلی و احراز صلاحیت‌های حرفه‌ای را در بر بگیرد. بی شک قرار گرفتن در مسیر درست آن منجر به تقویت دیپلماسی خواهد بود.

یکی دیگر از ارکان مرجعیت علمی - مهارتی، برنامه‌ریزی متناسب در حوزه آموزشی - پژوهشی است چرا که در آینده نزدیک، تقاضا برای آموزش در دوره‌های مقطع دار و بلندمدت بسیار محدود خواهد شد و متقاضیان با پرهیز از آموزش‌های غیرضروری، به دنبال کسب آموزش‌های نابی هستند که از طریق آن بتوانند با اکتساب مهارت موردنیاز بر پایه دانش تئوریک، نیازی را در جامعه مرتفع سازند.

امروزه تجاری‌سازی و بازارگرایی از مسائل مهم تلقی می‌شود، بازارهای خارجی در جذب دانش‌آموختگان کشور توانایی زیادی دارند؛ این در حالی است که در داخل به دلیل ضعف در ایجاد ارتباط لازم بین متخصصین خبره و نیازهای بازار، با عدم تناسب و تخصص در حوزه‌های کسب‌وکار مواجه هستیم. این موضوع در رکن سوم و با تمرکز بر امور مدیریت و منابع انسانی و پذیرش مرزبندی بین فعالیت‌ها قابل انجام است.

در حال حاضر ساماندهی بخش آموزش به‌عنوان پیشران تحولات از ضرورت‌های اساسی محسوب می‌شود. بی‌شک دانشجویانی که کسب تجربه در محیط واقعی کار محروم بوده‌اند، پس از فراغت از تحصیل نیز از توانمندی لازم برای انجام کار برخوردار نخواهند بود. حل این مشکلات اساسی زمانی به‌درستی محقق خواهد شد که همه تحت لوای یک برنامه کلان با تقسیم و در حوزه مرتبط با فعالیت خود در برنامه‌ریزی و اقدام نمایند. به‌عنوان نمونه موضوع تحقق امنیت غذایی به‌عنوان یکی از موارد حائز اهمیت کشور نیازمند بهره‌مندی از تجهیزات و امکانات موجود در نهادهای متولی از جمله وزارت جهاد کشاورزی برای انتقال مفاهیم نظری و تجارب عملی است؛ درحالی که این امکان برای این دانشگاه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین بازوان اجرایی تحقق این مهم، محدود شد. موضوع مدیریت نظام آموزشی و مهارتی؛ به‌واسطه ملاحظات عملی و پیاده‌سازی، بسیار پیچیده است. در حال حاضر توسعه هم‌زمان مرزهای دانش و مهارت از مهم‌ترین محورهای کانون توجه است که باید به آن پرداخته شود چرا که مشاغل به‌صورت مداوم در حال تغییر هستند و همگام‌سازی محتوا و محیط آموزشی با این تغییرات

حائز اهمیت است. پیاده‌سازی مرجعیت علمی - مهارتی با نگاه تنظیم‌گری و تسهیل در روند امور با مرزبندی و تقسیم فعالیت‌ها از مرحله طراحی تا پیاده‌سازی، دستیابی به اقتدار و نفوذ اقتصادی را تربیت نیروی انسانی متبحر امکان‌پذیر خواهد نمود.

در پایان یادآوری می‌شود در شرایطی که تحریم و بیکاری دو مشکل اساسی برای کشور محسوب می‌شوند و دغدغه کشور اشتغال است، بزرگ‌ترین دستاوردهای مرجعیت علمی - مهارتی، شکل‌گیری قطب تربیت نیروهای کارآمد و ماهر در منطقه و کشورهای اسلامی برای صدور کار است و نیروی انسانی باید به گونه‌ای تربیت شود که نیاز بازار کسب‌وکار کشور و منطقه و همچنین کشورهای اسلامی رفع شود. ما توسعه همزمان مرزهای دانش و مهارت را با هم می‌خواهیم و این از مهم‌ترین بحث‌هایی است که باید به آن پرداخته شود.



دکتر صفر نصرالله زاده
رئیس دانشگاه تبریز

موضوع سخنرانی:

شبکه علمی ملی و فراملی

هووالعلیم

بر اساس تحقیقات، مباحث «تشکیل شبکه علمی» و «هم‌افزایی ملی و فراملی» در ارتباط با مرجعیت علمی مورد تأکید قرار گرفته است. شبکه‌سازی ملی و فراملی را در سه بخش «الزامات، ساختار، راهکارها» و همچنین تجربه زیسته دانشگاه تبریز عرض می‌کنم. به مناسبت ۲۲ بهمن سعادتی حاصل شد، خدمت مقام معظم رهبری (مدظله العالی) رسیدیم و آنجا حضرت آقا مطالب بسیار ارزشمندی فرمودند. یک نکته، نظر من را جلب کرد که ممکن است جهان‌بینی متفاوتی نسبت به مسائل وجود داشته باشد. یکی از موارد این است که ما انقلابی نگاه کنیم؛ نگاه انقلابی این است که گفته شود مشکل وجود دارد، اما چگونه باید مشکل را حل کرد؟ خوشبختانه وزارت علوم با راهبردهای مقام عالی وزارت، اقدامات بسیار خوبی انجام داده است. نمونه‌ای از این اقدامات فوق‌العاده در گزارش امیدآفرین و نشاط‌آور جناب آقای وزیر مشاهده شد. بنابراین با وجود چنین نگاهی، خیلی از مشکلات موجود حل می‌شود. به دوستان عزیز عرض می‌کنم که خودزنی نکنیم. پیشرفت‌های زیادی حاصل شده و در حال حاضر قصد داریم در زمینه بهتر کردن امور و استفاده از دارایی‌ها، کارهای صحیح صورت پذیرد. در بحث «شبکه‌سازی ملی و فراملی»، الزامات ملی در تقویت همکاری بین مراکز به منظور اشتراک‌گذاری تجربیات جهت انجام پژوهش‌های مسئله‌محور را مطرح می‌کنم. هنگامی که راجع به تعامل و ارتباط با سایر کشورها و دیپلماسی علمی صحبت می‌شود، منظور این است که در داخل کشور، تعاملات با یکدیگر چگونه است. وقتی پنج اولویت وزیر محترم را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم، متوجه ارتباط همه آنها با مرجعیت علمی می‌شویم.



نتایج تحقیقات موردی در خصوص مرجعیت علمی:



۱- گسترش ارتباط دانشگاه ها با محافل علمی برتر دنیا، تقویت روحیه انتقاد پذیری، دستیابی به علم و دانش پیشرفته، رونق دادن به نشریات علمی، توجه بیشتر به پروژه های پژوهشی و تبدیل آنها به علم، اختصاص اعتبارات کافی به طرحهای پژوهشی، توسعه فرهنگ خودباوری، ایجاد نشاط علمی، گسترش پژوهش در عرصه کاربردی و توسعه ای و ارتقای توانمندیهای همه جانبه اعضای هیئت علمی.

۲- مرجعیت علمی حرف آخر علمی را زدن، استناد دادن، ارجاع دادن، کرسی داشتن در علم، بومی سازی علم و قابل حصول بودن علم.

۳- آموزشها و پژوهشهای کاربردی و مرتبط با صنعت، تعامل و وابستگی متقابل دانشگاه و جامعه در سطح جهانی، توسعه مراودات و تعاملات بین المللی و تشکیل گروههای آموزشی و پژوهشی فراملکی، استفاده از فناوریهای پیشرفته و فناوری اطلاعات و سرانجام، ضرورت توجه به تنوع و تفاوتهای فرهنگی در اداره دانشگاه و ارائه برنامه های آموزشی و پژوهشی (بررسی بازده دانشگاه برتر مرجع جهانی دارای برنامه راهبردی جامع).

۴- تربیت و توانمندسازی سرمایه انسانی خودباور و کارآفرین، وجود شبکه علمی هم افزای ملی و فراملی و هرم مناسب اعضاء هیئت علمی با جذب نیروهای کیفی تخصصی (تحقیق انجام گرفته به روش دلفی کیفی).

شبکه سازی علمی ملی و فراملی - ۲۶ بهمن ۱۴۰۱



کدام اولویت است که به مرجعیت علمی مرتبط نباشد؟ می‌خواهم اهمیت قضیه را عرض کنم که تعاملات داخل کشور را باید اصلاح کنیم. افزایش آمادگی مراکز برای ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی و مشارکت اجتماعی و عکس‌العمل سریع در شرایط بحران و سطح تاب‌آوری در برابر ناملایمات نیز اهمیت دارد؛ اینکه وضعیت حال در نظر گرفته شود و پیش‌بینی‌هایی از آینده نیز وجود داشته باشد. ممکن است در بعضی از موارد، رجوعی انجام شود که قصد عکس‌العمل سریع در برابر آن داشته باشیم. قطعاً علم است که این‌ها را حمل می‌کند و سطح تاب‌آوری ما را افزایش می‌دهد. مورد دیگر، مدیریت و بازنگری در خصوص نحوه تخصیص بودجه مراکز جهت استفاده بهینه در جهت حرکت به سمت دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم است. ساختارهای مورد نیاز موجود است و سایر ساختارهای مورد نیاز هم اضافه شده است که البته برخی از آنها ممکن است اضافه باشد. این بحثی است که هم اکنون نمی‌توان راجع به آن بیشتر صحبت کرد. در ادامه موضوع، الزامات ملی احصاء توأمان نیازهای جامعه و صنعت و توانایی‌های مراکز هر منطقه مطرح هست که در فرمایشات دوستان هم اشاره شد. بعضی مواقع نیازهای جامعه شناسایی می‌شود اما توانمندی‌های مراکز علمی و پژوهشی در نظر گرفته نمی‌شود. برعکس آن هم صادق است. بنابراین دانشگاه‌هایی که در زمینه‌های خاص، توانمندی داشته باشند و نیازهای جامعه را درک کنند، عملکرد بهتری دارند و نیاز است سازماندهی درستی در این رابطه انجام گیرد. در مبحث ارتقاء جایگاه اساتید، روش مطالعه دلفی و بحث نیروی انسانی به خوبی اشاره شده است. اعضای دلفی، مغز متفکر اکوسیستم علمی و فناوری کشور هستند. با اقداماتی که مخصوصاً در سال گذشته انجام شده است مقداری به این مغز متفکر

آسیب وارد شده است. یعنی اساتید کشور در جامعه خوب دیده نمی‌شوند. اگر حقوق استادی سی میلیون تومان است و گفته شود که حقوق او نجومی است، تنها برخاسته از نظر مسئولان یا نمایندگان مجلس نیست، بلکه برابری از نوع نگاه به استاد در جامعه است، که باید اصلاحاتی صورت پذیرد. از موارد دیگر می‌توان به الزام بخش‌های حکمرانی، استانی و منطقه‌ای به بهره‌گیری توانمندی‌های مراکز برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های کلان، و تنظیم بودجه‌های پژوهشی کشور در سامانه‌های ویژه برای مدیریت و هدفمند کردن آن‌ها در بحث الزامات فراملی، انتقال فناوری‌های نوین به کشور توأم با امکانات توانمندی‌های فناورانه در منطقه نام برد. اساساً انتقال فناوری به کشورهایی صورت می‌گیرد که از نظر فناوری نسبت به کشور ایران در موقعیت پایین‌تری قرار دارند و طبیعی است که اگر خواستار انتقال فناوری‌های نوین به کشور هستیم، باید با کشورهایی که در سطح بالاتری از ایران قرار دارند ارتباط برقرار کنیم. شناسایی بازار مسائل دانش‌بنیانی در منطقه از طریق معرفی توانمندی‌های فناورانه کشور در کشورهایی که نسبت به کشور عقب هستند امکان‌پذیر خواهد بود و افزایش کمی و کیفی تولیدات علمی با مشارکت محققین برجسته بین‌المللی، طبقه‌بندی و سیاست‌گذاری هدفمند در تعاملات بین‌المللی با کشورهای جهان، استفاده بهینه از نیروی انسانی با توانمندی بالا جهت برقراری با تعاملات بین‌المللی نیز در این زمینه مقدور خواهد بود. برای مثال می‌توان از ایرانیان مقیم خارج از کشور و اساتید شاغل در خارج و فارغ‌التحصیلان داخل کشور بهره برد. سفیر استرالیا در ایران، درخواست برگزاری جلسه‌ای با اساتید دانشگاه تبریز که در استرالیا تحصیل کرده‌اند داشته است؛ یا از کشور ترکیه درخواست تشکیل جلسات متعددی مطرح شده است. اگر مقایسه‌ای انجام شود مشخص می‌شود که آنها چه اقداماتی انجام می‌دهند و ما چه اقداماتی انجام می‌دهیم. چرا دانشجو از سمت ما به طرف آنها سرازیر می‌شود و چرا از طرف آنها به سمت ما سرازیر نمی‌شود؟ بدین ترتیب است که دلایل آن مشخص می‌شود. واقعاً به لحاظ ساختار، همه‌چیز موجود است اما باید اقداماتی روی ساختار صورت پذیرد. نیاز است که نوسازی ساختار انجام شود. ساختار دانشگاه‌های ما بر اساس ساختار دانشگاه‌های آموزش محور بنا نهاده شده و تغییرات کمی انجام شده است. اما خوشبختانه در سطح ستاد، اقدامات خوبی انجام گرفته است. مثلاً تشکیل معاونت فناوری در وزارت علوم، انصافاً تحولی بزرگ بود که نتایج آن ملموس است و باعث تضمین منابع مالی و انسانی برای دستیابی به مرجعیت در سطح ملی و فراملی می‌شود. در مبحث قطب‌های علمی با توجه به آیین‌نامه‌های مربوطه، که استفاده از اساتید خود دانشگاه‌ها و دانشگاه‌های دیگر مطرح است اخیراً چندان توجهی صورت نمی‌گیرد. البته قبلاً اشکالاتی وجود داشت و بدین صورت بود که

معمولاً گروهی که احساس بر خورداری از توانایی بیشتر می‌کرد، پیشنهاد یک قطب می‌داد. در صورتی که، اساس فلسفه قطب‌های علمی، این است که همه اساتید هم در سطح ملی و هم در سطح فراملی، در کشور حضور داشته باشند؛ نوع تحقیقات و پژوهش‌هایی که انجام می‌گیرد، ملی و فراملی باشد و بتواند نیازهای ملی و منطقه‌ای را رفع نماید و به شکل مأموریت‌محور نیز کار کند. استفاده از پتانسیل ساختارهای موجود در وزارت صمت و وزرات عتف برای مسئله‌محور کردن هرچه بیشتر فعالیت‌های مراکز، بازتعریف وظایف و اهداف انجمن‌های علمی نیز از دیگر موارد مورد نیاز است. می‌توان انجمن‌های علمی قابل توجهی را که در کشور وجود دارد، در قالب تفاهم‌نامه‌ها و نشست‌ها مأموریت‌محور کرد. همچنین از دیگر ملزومات مورد نیاز می‌توان به استفاده از پتانسیل شورای عتف، ایجاد تعامل هرچه بیشتر با سفرا و رایزنان علمی و فرهنگی، افزایش اختیارات دانشگاه‌ها و نوسازی نظام آموزش عالی اشاره کرد. در ایده شبکه‌سازی ملی هم راهکارهایی همچون الزام بخش حاکمیتی، الزامات صنایع و معادن، وجود ارتباط با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و تعریف مشوق‌های ملموس جهت استفاده از پتانسیل مراکز، لزوم تحقق حوزه‌های تحقیقاتی اولویت‌دار و حمایت از مأموریت‌گرایی مراکز بر اساس نیازهای استان و منطقه ارائه شده است. اساساً دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی کشور باید بیانیه مأموریت و برنامه جامع داشته باشند که می‌توانند از مطالعه‌ای که به رصد یازده دانشگاه برتر دنیا پرداخته است استفاده نمایند. به‌هرحال باید تحقیقاتی بر روی مباحث مرجعیت علمی انجام شود. حداقل تجربیات نشان می‌دهد که چطور می‌توان دانشگاه‌ها را مأموریت‌گرا کرد. همچنین «طبقه‌بندی و سیاست‌گذاری هدفمند در تعاملات بین‌المللی جهت صادرات و ارتقاء تکنولوژی» و «استفاده از پتانسیل نیروی انسانی برای ایجاد شبکه‌ای توانمند در عرصه بین‌المللی» را می‌توان از جمله راهکارها در حیطه شبکه‌سازی فراملی مطرح کرد که مشخصاً اینجانب، ایجاد پایگاه اطلاعاتی ایرانیان مقیم خارج از کشور و ایجاد بانک اطلاعاتی برای فارغ‌التحصیلان داخل کشور را پیشنهاد دادم. از آسیب‌شناسی تجربیات قبلی در راستای بهینه‌سازی ایجاد شبکه ملی و فراملی، می‌توان بین‌المللی‌سازی نشریات علمی داخلی و چاپ آنها در انتشارات بین‌المللی معتبر را نام برد. تجربه زیسته دانشگاه تبریز در راستای ایجاد شبکه فراملی، متشکل از محققین کشور ترکیه و جمهوری اسلامی ایران بود که از سال ۱۳۹۷ رابطه‌ای به نمایندگی از وزارت علوم با آموزش عالی ترکیه برقرار گردید که گزارش مختصری از آن را در ادامه عرض می‌کنم. نهادهای متناظر علمی در کشور ترکیه، سازمان علم و فناوری موسوم به «توییتاک» و شورای آموزش عالی ترکیه موسوم به «یوک» بود و نهاد ایرانی هم که وزارت علوم بود. فراخوانی‌های انجام شده در سال ۲۰۱۹، ۲۰۲۰ و

۲۰۲۱ و پروپوزال‌های ارائه شده نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ مخصوصاً در زمینه کشاورزی و علوم پزشکی این مقادیر توسعه پیدا کرده است. همچنین در زمینه پروپوزال‌های ارسال شده و پذیرفته شده، دانشگاه آزاد و علوم پزشکی در سال ۲۰۲۱ اضافه شدند.

مطلب قابل توجهی که در ارتباط با موضوع آقای دکتر دانشجو است، حمایت وزارت علوم در سال ۲۰۱۹، چهل میلیون و در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱، شصت میلیون بوده است در صورتی که حمایتی که توسط کشور ترکیه تحت عنوان فاینانس انجام شده تقریباً هفده برابر این مبلغ است که حتی در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ نیز افزایش یافته است. قابل ذکر است حمایت پیش گفته در سال جاری قطع شده است.



دکتر عباس کلانتری خلیل آباد
رئیس دانشگاه یزد

موضوع سخنرانی:

ضرورت مرجعیت در علوم پایه

هوالمعلم

مرجعیت به آن معناست که در علوم مختلف و نه لزوماً در همه علوم، حرف تازه برای گفتن داشته باشیم و به عبارتی یک کتاب مرجع باشیم. در برخی از علوم که توان تبدیل علم به فناوری وجود ندارد و مصداق بارز آن علوم پایه است باید حداقل مقالات علمی داشته باشیم. همان‌طور که خود مقام عالی وزارت در یکی از سخنرانی‌هایشان فرمودند واقعاً در علوم پایه، مرجع هستیم. باید این مرجعیت حفظ شود اما متأسفانه برای این مرجعیت، چشم‌انداز خیلی خوبی تبیین نشده است. باید ریشه‌یابی صورت پذیرد تا مشخص شود چرا دانش‌آموزان کشور به جای اینکه در رشته‌های علوم پایه تحصیل کنند (چرا که زمانی در کشور، افراد نخبه رشته ریاضی را انتخاب می‌کردند) به اجبار، برخی رشته‌هایی که علاقه‌ای هم به آنها ندارند انتخاب می‌کنند. واقعاً چشم‌انداز روشنی برای رشته‌های علوم پایه که بنیاد و ریشه هستند وجود ندارد. اگر علوم پایه را به درستی تعریف کنیم، آن‌ها واقعاً علوم مبنایی هستند. اساس علوم حتی علوم انسانی را می‌توان علوم پایه معرفی کرد. گلابی‌ای از بعضی دوستان دارم که به بعضی از زوایای مرجعیت در علوم انسانی به‌خصوص بحث علوم انسانی اسلامی اشاره نکردند، چرا که ما می‌توانیم در دنیا مرجع باشیم و حضرت آقا هم بر این موضوع تأکید زیادی کرده‌اند. دوستان می‌توانستند روی این موضوع اشاره کنند و در صحبت‌هایشان نبود و انتقاد دیگر این که نباید بگوییم نمی‌توانیم.

تأثیر علوم پایه بر مرجعیت علمی

استقلال علمی پیش نیاز مرجعیت علمی

استقلال کشور در رفع نیازهای علمی خودش

ناتوانی علوم کاربردی در پاسخگویی به بسیاری از نیازها بدون داشتن پشتوانه علوم پایه

استقلال حرکت علمی کشور

پیشتازی علوم بنیادی در ترسیم افق‌های آینده حرکت علمی

← حرکت اجتناب ناپذیر علمی در مسیرهای تعیین شده توسط علوم پایه

استقلال شخصیت علمی برای کشور

تأثیر تسلط بر علوم پایه بر تزریق اعتماد به نفس علمی کشور

اساس کار ما در بحث مرجعیت علمی این است که «ما می‌توانیم»، اگر بگوییم ما نمی‌توانیم اتفاقی صورت نمی‌گیرد. اولین موضوعی که باید به آن معتقد باشیم این است که ما توانایی داریم، این اعتماد به نفس شاکله اصلی به اصطلاح مرجعیت علمی است. از مؤلفه‌های اساسی مرجعیت علمی مفهوم «ما می‌توانیم» است. مثال‌های مختلفی در خصوص چرا به علوم پایه به اصطلاح پایه می‌گویند و چرا ریشه است وجود دارد. ریشه اصلی بحث کرونا همین بحث علوم پایه بود، یا خیلی از مشکلاتی که امروزه در بحث فناوری با آن روبرو هستیم و اینکه اگر مسائل حل نمی‌شود بدین دلیل است که نتوانستیم یافته‌های علوم پایه را به درستی به فناوری تبدیل کنیم. علوم پایه چه تأثیری بر مرجعیت علمی دارد؟

باید استقلال علمی کسب شود تا بتوان گفت که دارای مرجعیت علمی هستیم. برای دستیابی به استقلال علمی باید در این سه مقوله استقلال پیدا کنیم: (۱) استقلال در رفع نیازهای علمی خود: هم‌اکنون علوم کاربردی، بدون پشتوانه علوم پایه در پاسخگویی به بسیاری از نیازهای ما ناتوان هستند. اگر بخواهیم کشور در نیازهای خود استقلال پیدا کند بدون پشتوانه علوم پایه نمی‌تواند کاری انجام دهد. پس در ابتدا باید نیازهای خود را برطرف کنیم. (۲) باید استقلال در حرکت علمی وجود داشته باشد. آقای دکتر جلیلی بحث آب را مطرح نکردند اما انرژی در همه اولویت‌ها دیده می‌شود و این انرژی به طور جدی نیاز مبرم کشور نیست، هرچند که نیاز کلی دنیا است؛ یعنی بایستی کل دنیا در بحث انرژی کار کنند، اما اساس انرژی از آن جهت مطرح است که واقعاً

نیازمند به انرژی هستند. جنگ آینده، جنگ آب است. یکی از اولویتهایی که بایستی هدف گذاری شود و مختص استان یزد نیست؛ بلکه مختص کل کشور است و نگاه جدی صورت نگرفته است. باید در حرکت علمی استقلال وجود داشته باشد و اگر استقلال نباشد واقعاً نظام حل مسائل با مشکل مواجه می شود. (۳) مهم ترین مؤلفه ای که باید در مرجعیت علمی دنبال کرد بحث استقلال شخصیت علمی است. بایستی این اعتماد به نفس را تزریق کنیم و اگر این اعتماد به نفس در جامعه و دانشمندان تزریق نشود، نمی توان به مرجعیت علمی دست پیدا کرد. به هر حال برای دستیابی به استقلال علمی و بعد از آن مرجعیت علمی، باید این سه استقلال را کسب کنیم. یکی از چالش هایی که در زمینه علوم پایه وجود دارد، کمبود گرایش به انتخاب رشته علوم پایه در بین دانشجویان و داوطلبین است که می تواند تأثیر خطرناکی در ادامه کاهش ورودی های رشته های فنی مهندسی هم داشته باشد. اگر در آینده این روند ادامه داشته باشد، امثال آقای دکتر زلفی گل، آقای دکتر جلیلی و همه افرادی که اینجا هستند نخواهیم داشت، چرا که حتی ورودی های دانشگاه شریف نیز دیگر آن ورودی های ده سال پیش نیستند.

داوطلبین دانشگاه ها به ترتیب علوم تجربی، علوم انسانی، هنر و بعد از آن رشته ریاضی است که واقعاً امری، فاجعه آمیز است و نیاز است در این زمینه فکری اساسی از دوران مدرسه انجام شود. متأسفانه مشاورین مدارس روی ذهنیت دانش آموزان به نحوی کار می کنند که دانشجوی درسخوان با انتخاب رشته ریاضی خجالت می کشد و باید حتماً از طریق رشته تجربی پزشکی شود. این امر، به ایجاد حجم زیادی از دیپلمه های تجربی سرخورده که موفق به قبولی در رشته های پزشکی نشدند منجر شده و از نظر روحی و روانی نیز دچار مشکل شده اند. موضوع بعدی، ضعف نگاه آینده نگری در ارزش گذاری دستاوردهای علمی علوم پایه است که اکثراً دستیابی سریع به نتیجه را انتظار دارند. اما علوم پایه زودبازده نیست. محدودیت انعقاد قراردادهای پژوهشی کارفرمایی مشکلی است که در علوم انسانی و هم در علوم پایه وجود دارد. قطعاً دولت باید برای قراردادهای پژوهشی علوم پایه، بودجه خاصی حداقل در بودجه های سنواتی در نظر گیرد. چرا که هیچ کدام از صنایع به دنبال قراردادهای پژوهشی علوم پایه نیستند. همچنین عدم انسجام کافی و وجود پراکندگی و بی نظمی در تولیدات علمی است که بایستی هدفمند شود تا بتواند به یک نتیجه مشخص برسد. آخرین مشکل، مسئله اشتغال دانش آموختگان علوم پایه است. در رشته های فنی، بحث بورسیه شغلی دنبال شده است، در بحث علوم پایه هم از طرف دانشگاه ها و هم از طرف خود دانشگاه فرهنگیان برای طرح دو به دو، پیگیری هایی انجام شده است که

می‌تواند تحولی در بحث اشتغال دانش‌آموختگان علوم پایه ایجاد نماید. در مجموع، مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی بنده، مردمی‌سازی علوم پایه است. هر کاری که در کشور، با اعتقاد مردم عجین شده و دارای پشتوانه مردمی باشد، به نتیجه می‌رسد. بایستی در بین مردم، به‌عنوان یک فرهنگ ایجاد شود. اگر علوم پایه مردمی شود، فرزندان آنها به حوزه علوم پایه جذب می‌شوند. حمایت‌های خیرین وجود دارد و در ادامه اتفاقات خوبی می‌تواند رقم بخورد.

متأسفانه مشخص شده است که در کشور، سند چشم‌انداز علوم پایه تدوین نشده است. اگر واقعاً سندی وجود ندارد، بایستی یک سند چشم‌انداز در زمینه علوم پایه تدوین شود. چندین سال است در بعضی از دانشگاه‌ها جهت ارتقاء اساتید، چاپ مقاله فارسی الزامی شده است. اگر این موضوع وظیفه معاونت آموزشی و پژوهشی است به دانشگاه‌ها کمک کنند تا نشریات فارسی خود را در اسکوپوس و سایر نمایه‌ها، نمایه‌سازی کنند. مهم‌ترین و یکی از پیش‌نیازهای حرکت علوم پایه به سمت مرجعیت علمی این است که آزمایشگاه‌ها تجهیز شوند. در صورتی که در حال حاضر آزمایشگاه‌ها واقعاً فرسوده هستند و انصافاً بودجه‌هایی که برای تعمیر به دانشگاه‌ها اختصاص داده می‌شود، به هیچ‌عنوان قابلیت بازسازی آزمایشگاه‌های فرسوده را ندارد و تقریباً چندین سال است که هیچ دستگاهی وارد نشده و تمامی دستگاه‌های موجود از بین رفته است. قطعاً بایستی در زمینه تقویت و بازسازی آزمایشگاه دانشگاه‌ها، اقدامات جدی صورت پذیرد.



دکتر محمدرضا حسنائی
رئیس دانشگاه هنر

موضوع سخنرانی:

مرجعیت علمی در حوزه هنر

هوالعلیم

مرجعیت علمی در هنر

هنر در جمهوری اسلامی یک وسیله و ابزار و از شمار بهترین هاست. اگر جمهوری اسلامی حرفی برای گفتن و یا ایده‌ای برای عرضه کردن دارد، این عرضه باید با بهترین شیوه‌ها که همان هنر است انجام گیرد.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

مقدمه:

از آنجایی که مفهوم هنر همواره آمیخته در مفهوم فرهنگ بوده است می‌توان به این تفکر مشترک اشاره کرد که تأثیرات مثبت و منفی هنر بر فرهنگ بسیار قابل توجه و تأکید است. از طرف دیگر باید دو مفهوم «تمدن فرهنگ‌ساز» و «فرهنگ تمدن‌ساز» اشاره کرد که بیانگر تأثیر این دو حوزه بر یکدیگر است. به نظر می‌رسد که در همان حال که تمدن‌ها به فرهنگ‌سازی می‌پردازند، فرهنگ‌ها هم تمدن‌ها را بنا می‌کنند. گرچه در تعریف این دو حوزه با تعاریف دقیقی روبرو نیستیم، اما یقیناً عناصر تشکیل‌دهنده حوزه فرهنگ و تمدن به طرز قابل تأملی مشترک هستند.

• تمدن را می‌توان به شکل کلی آن عبارت از نظم اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. در تمدن، چهار رکن و عنصر اصلی را می‌توان تشخیص داد که عبارتند از:

(۱) ساختار اقتصادی

(۲) سازمان سیاسی

(۳) سنن اخلاقی

(۴) بسط فرهنگ و هنر

• فرهنگ، شامل هنر، ادبیات، علم، آفرینش‌ها، فلسفه و دین است.

در میان متفکران جدید ساموئل هانتینگتون که فرضیه برخورد تمدن‌ها را در زمان حاضر مطرح کرده، مجموعه عناصر معنوی، ذهنی و فکری را به همراه عناصر عینی مشترک، تمدن می‌شناسد. او می‌نویسد: «تمدن

یک موجودیت فرهنگی^۱ است ... تمدن هم با توجه به عناصر عینی مشترک (همچون زبان، تاریخ، مذهب و نهادها) تعریف می‌شود و هم با توجه به وابستگی و قرابت‌های ذهنی و درونی انسان‌ها).
با چنین تعاریفی عملاً حوزه‌های فرهنگ و تمدن غیرقابل تفکیک هستند و تنها در حد استفاده از واژگان مختلف امکان جداسازی این دو مفهوم وجود دارد و از آنجا که هنر از عوامل مشخص فرهنگ است باید توجه داشت که مرجعیت علمی در هنر می‌تواند به معنی مرجعیت فرهنگی و تمدنی باشد. در اینجا نقش و جایگاه دانشگاه تنها ارتقا و راهبری و مرجعیت علمی نیست؛ کاری که مثلاً ریاضیات یا مکانیک یا ... می‌کنند. در اینجا هنر نه تنها در جایگاه مشخص فرهنگی و تمدنی خود نقش آفرینی می‌کند؛ بلکه در عین حال، با توجه به جایگاه علمی خود، در حوزه دیگری از تمدن و فرهنگ هم به ایفای نقش می‌پردازد که می‌تواند زیرمجموعه‌های متفاوتی را در برگیرد.

خصوصیات جامعه تمدن‌ساز اسلامی

جامعه‌ای که در آن، هم علم است، هم پیشرفت، هم عزت هست، هم عدالت هست، هم قدرت مقابله با امواج جهانی هست، هم ثروت هست؛ یک تصویر به این شکل، ما به این می‌گوییم تمدن نوین اسلامی، می‌خواهیم کشورمان به اینجا برسد (مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)).
با توجه به حرکت جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب به سوی تمدن‌سازی، تعاریف رهبر معظم انقلاب نه تنها شامل جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، بلکه تمدن نوین جهانی را نیز مورد هدف قرار می‌دهد. آرنولد توین بی، صاحب کتاب دوازده جلدی «بررسی تاریخ تمدن» می‌نویسد: من تمدن را بر حسب معیارهای معنوی تعریف می‌کنم و شاید بتوان آن را چنین تعریف کرد که تمدن عبارت است از تلاش برای آفریدن جامعه‌ای که کل بشریت بتواند با هم نوایی در کنار یکدیگر و به منزله اعضای از یک خانواده کامل و جامع در درون آن زندگی کنند. عقیده دارم هدف تمام تمدن‌هایی که تاکنون شناخته‌ایم، اگر نگوئیم آگاهانه، یقیناً به طور ناخودآگاه در همین راستا بوده است.

¹ Cultural Entity

تفاوت علم موردنظر در حوزه‌های علوم انسانی و تجربی

ناظمی اردکانی (۱۳۹۰) معتقد است، علم با روش استقرایی و بهره‌گیری از تجربه با یافتن قوانین حاکم بر پدیده‌های طبیعی حاصل می‌شود؛ بنابراین در موضوعات مربوط به علوم انسانی، برداشت همان علم به معنای اعم یا مطلق آگاهی و فهم است با قید حصولی بودن آن. در موضوعات مربوط به علوم تجربی، برداشت از علم، مجموعه‌ای است از اطلاعات نظام‌یافته در ارتباط با جهان که به انسان در کشف حقایق جدید، تبیین پدیده‌های مشاهده شده و افزودن آن بر پیکره اطلاعات کمک می‌کند (مخبر دزفولی، رستمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷). منظور این تحقیق از علم، علم نافع است. علمی کاربردی و همواره با عمل، معطوف به نیازهای فطری زندگی بشر و منجر به تغییر به‌سوی اهداف. علم به‌مثابه سلطان و قدرت است. پس علمی که در عبارت مرجعیت علمی مدنظر است، علمی مبتنی بر تفکر دینی است که در مقام ثبوت با دیگر علوم تفاوتی ندارد و در مقام اثبات، ریشه در فلسفه اسلامی داشته و تئوری‌پردازی‌های این علم در چارچوب ارزشی اسلام انجام می‌پذیرد (مخبر دزفولی، محمدرضا؛ رستمی، محمدباقر و همکاران (۱۳۹۵)، رساله دکتری، طراحی الگوی پیاده‌سازی نقشه جامع علمی کشور، دانشگاه عالی دفاع ملی).

مرجعیت علمی دانشگاه هنر ایران

دانشگاه هنر شامل دانشکده‌های ذیل است:

(۱) دانشگاه حفاظت و مرمت

(۲) دانشکده سینما و تئاتر

(۳) دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر

(۴) دانشکده معماری و شهرسازی

(۵) دانشکده موسیقی

(۶) دانشکده هنرهای تجسمی

(۷) دانشکده هنرهای کاربردی

(۸) پردیس بین‌المللی فارابی

● ۱۳ رشته دکتری

- ۳۸ رشته کارشناسی ارشد
 - ۵۰ رشته کارشناسی
- دانشگاه هنر اکنون صلاحیت مرجعیت علمی را در هنر کشور داراست و به عبارت بهتر عهده‌دار این مسئولیت است. پاره‌ای از دلایل این امر عبارتند از:
- دانشگاه هنر دانشگاه مادر تخصصی هنر در کشور است.
 - دارای محورهای مشخص در هدفمندی و نیازمندی پایان‌نامه‌ها و رسالات تحصیلات تکمیلی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری است.
 - نقشه مدونی را در چشم‌انداز خود برای مرجعیت علمی دنبال کرده و به صورت مکرر مورد بازبینی قرار می‌دهد.
 - دارای بیشترین تنوع رشته‌های هنری است.
 - دارای بیشترین تعداد استاد متخصص است (مربی، استادیار، دانشیار، استاد).
 - دارای بیشترین تعداد دانشجو است.
 - دارای بیشترین فارغ‌التحصیلان تأثیرگذار در داخل و خارج کشور است.
 - همه مقاطع تحصیلی هنر (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) در این دانشگاه تدریس می‌شود.
 - بزرگ‌ترین کتابخانه هنری دانشگاهی را در خود دارد.
 - نشریات متعدد علمی در باب هنر را منتشر می‌سازد.
 - بیشترین تعداد دانشجویان خارجی در زمینه هنر را پشتیبانی کرده است.
 - و ...

حوزه‌های مورد توجه هنر در مرجعیت علمی

- (۱) تربیت انسان
- (۲) تولید محتوی
- (۳) سازمان‌دهی و فناوری

حوزه‌های مورد توجه فرهنگ و تمدن، توانایی تمدن‌سازی و تأثیر فرهنگی را توأمان دارند. به عبارت دیگر، تمدن‌سازی همان فرهنگ‌سازی است. به همین خاطر هنر نقش برجسته‌ای در آفرینش فرهنگ و تمدن دارد.

تربیت انسان

«از جمله کارهای مهمی که انقلاب کرده، یکی این است که عده‌ای عنصر فرهنگی، ادیب، هنرمند و دارای اقتدار فرهنگی تربیت کرده و به حمدالله کم هم نیستند.» (مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی))

در همین خصوص دانشگاه هنر وظیفه دارد که در دو حوزه مشخص به تربیت انسان بپردازد: ۱- باز پرورش استاد ۲- پرورش دانشجو. در این دو حوزه علاوه بر اختیار گرفتن متخصصین برگزیده و توانا، آفرینش انسان فرهنگ‌ساز مسلمان هدف گذاری شده است.

باز پرورش استاد، به معنای باز پرورش استاد ایرانی/اسلامی دارای تعهد و تخصص است. پرورش دانشجو نیز، به معنای پرورش دانشجوی (هنرمند) ایرانی/اسلامی برخوردار از دانش، اندیشه پویا و پیشتاز در هنر است. در ابتدا استاد به عنوان مرجع علمی مورد بازپروری قرار گرفته و از سرچشمه‌های معرفتی و شناختی انقلاب سیراب خواهد شد. با توجه به سرآمدی دانشگاه هنر در حوزه‌های نیروی انسانی متخصص و تعداد دانشجو و همچنین محوریت دانشگاه در ایران و امکان بسط این محوریت به منطقه و فراتر از آن، استعداد مرجعیت هنری در این حوزه‌ها وجود دارد.

تولید محتوی

مسئله مرجعیت هنری زمانی محقق خواهد شد که توانایی تولید محتوی و اثرگذاری هنری در نهادهای مربوطه وجود داشته باشد. تولید محتوی علاوه بر سیراب کردن مخاطبین حاضر، امکان بسط و انتقال هنر و فرهنگ را در بسترهای زمان و مکان محیا می‌سازد. در ضمن ادامه روند تمدن‌سازی، موضوع تولید محتوی است که باعث شناخت شاخصه‌های هنری و تمدنی می‌شود. تولید محتوی هنری از نظر زمانی به زمان‌های حال، گذشته و آینده قابل تعمیم است و از نظر مکانی می‌تواند شامل تمامی مکان‌های حضور اثر هنری باشد.

بدیهی است در سرزمین‌های گسترده‌ای مانند ایران اسلامی (از نظر گستره تمدن ایرانی و اسلامی حال و گذشته) محتوی هنر و فرهنگ از تنوع و قدرت، تعدد و اصالت و عمقی برخوردار هستند که تمدن‌هایی با گستره کمتر از آن برخوردار نیستند. در چنین گستره‌هایی استعداد تولید مرجعیت هنری/ فرهنگی بخصوص با توجه به محتوای موجود وجود دارد. ادامه این روند نیز با سرآمدی علمی و تولید محتوی هنری بسیار امکان‌پذیر است. در این گستره توجه با تولیدات محتوایی در تمامی حوزه‌های هنری و فرهنگی با کلیدواژه‌های ایران، اسلام و تمدن و فرهنگ مورد تأکید است.

آنچه که بیش از تولید محتوی در این حوزه قابل توجه است، بازشناسی آثار هنری و خصوصیات مربوط به آنها در پهنه‌های زمانی و مکانی است. در اینجا از اصول دستیابی به مرجعیت علمی برای دانشگاه، تعریف محورهای مطالعاتی و پژوهشی ممکن در این خصوص است. به‌عنوان مثال، محورهای تاریخی (مانند بررسی زمانمندی محتوای هنری) و محورهای مفهومی (مانند محور «مکتب هنر رضوی»). با چنین تعاریفی از محتوای هنری، مرزهای سرزمینی از میان برداشته می‌شوند و مرجعیت هنری/ فرهنگی در فراتر از مرزهای ایران اسلامی امکان‌پذیر خواهد بود.

سازمان‌دهی و فناوری

تأثیرات فرهنگی، علمی و تمدنی در بسترهای مختلفی امکان حضور و توسعه می‌یابند. مفاهیمی مانند «جاده ابریشم» نه تنها به مبادلات تجاری اشاره دارند بلکه بستری از امکان حضور و تأثیر و تأثر فرهنگی را به نمایش می‌گذارند. در حوزه‌های تمدنی مانند «تربیت انسان» و «تولید محتوی»، شکل‌گیری بسترهایی برای تأثیر بیشتر و بهتر این حوزه‌ها امری لازم و غیرقابل انکار است. اصولاً می‌توان چنین بیان کرد که: "راه‌ها لازمه تبادلات هستند و تبادل هر محتوایی بدون ایجاد شبکه‌ای از راه‌ها بسیار دشوار و گاه غیرممکن است". برای مرجعیت هنری، فرهنگی و علمی هم شکل‌گیری راه‌ها و بسترهای مناسب از شروط لازم است. بدون شک در دنیای حاضر این راه‌ها دیگر محدود به شبکه‌های واقعی راه‌ها نمی‌شوند و این محدوده، به‌صورت روزانه و با تولد فناوری‌های جدید دست‌خوش تحول است. آنچه که در استفاده از بسترهای یاد شده بیش از همه شایان توجه است را می‌توان در سه حوزه (۱) شناخت، (۲) حضور و (۳) راهبری و سازماندهی مورد تدقیق قرار داد.

حیطه سازماندهی و فناوری جهت مرجعیت هنری را می‌توان در دو بخش (۱) درون‌سازمانی و (۲) برون‌سازمانی تقسیم کرد. حتی در درون‌سازمانی هم نقش دانشگاه بدون هماهنگی با سایر سازمان‌های

دست‌اندرکار و تأثیرگذار (بخصوص در ساختارهای سازمانی ایران) به هیچ‌وجه کافی نیست؛ زیرا باید پذیرفت که مفاهیمی مانند سازماندهی با مفاهیمی مانند هماهنگی و همراهی در تعامل بسیار است. در اینجا مرجعیت علمی یا هنری زمانی قابل دسترسی است که مجموعه‌ای از عوامل تأثیرگذار به صورت هماهنگ و همراه، هدف مرجعیت هنری را برای دانشگاه دنبال کرده و اختیار سازماندهی را در سیاست‌گذاری‌های کلان در دست دانشگاه قرار دهند و یا حداقل دانشگاه در سیاست‌گذاری کلان فرهنگی/هنری کشور به صورت فعال نقش آفرینی نماید. حضور دانشگاه هنر در حوزه‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری از قبیل شورای گسترش وزارت عتف و شورای هنر (شورای عالی انقلاب فرهنگی)، توان دانشگاه را در به‌عهده گرفتن مرجعیت علمی در هنر به صورت قابل توجهی از دیاد بخشیده است.

در حال حاضر دانشگاه هنر با توجه به تمامی عرصه‌های یادشده در بالا و نقشی که در این دانشگاه در آنها ایفا می‌کند، و با توجه به مأموریت‌های ابلاغی در حال امکان‌سنجی و امکان‌سازی مرجعیت علمی در تمامی عرصه‌های حضور تمدنی انقلاب اسلامی ایران است و به صورت هم‌زمان در حوزه‌های سیاست‌گذاری و عملیاتی‌سازی حضور فعال دارد. ما امیدواریم در تعامل کامل با تمام حوزه‌های فعالیت جمهوری اسلامی ایران (چرا که تمامی فعالیت‌های این نظام با بسط فرهنگ و هنر اسلامی در ارتباط هستند)، مرجعیت علمی در هنر نیز محقق گردد.



دکتر محمد سلیمانی
قائم مقام وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

موضوع سخنرانی:

مسائل مرجعیت علمی

هووالعلم

اگر طرح مسئله می‌کنید دنبال راه حل هم باشید. ما دانشگاهی هستیم پس باید در طرح مسئله پیشنهادهای هم ارائه کنیم. در غیر این صورت، انبوهی از معضلات و مشکلاتی که همه می‌دانیم پدید می‌آید. نکته دیگر فرهنگ ایران است که انداختن توپ در زمین دیگران است. این کار را نکنید. دقت کنید رئیس جمهور، وزیر و رئیس دانشگاه؛ یعنی شما در حوزه اجرایی نفر سوم کشور هستید. پس باید خودمان را مسئول بدانیم که چه اقدامی انجام دهیم. از ما مرجعیت علمی خواسته شده است؛ به ترتیب اراده کشور، اراده وزارت علوم، اراده دانشگاه‌ها مورد نیاز است و به همین ترتیب باید انجام شود. جایگاه خود را درست کنیم، پیدا کنیم، اگر نکنیم مثل همان دانشگاه‌هایی که در فناوری پیش نرفتند، عقب می‌افتیم. باید راه را برای جذب نخبگان غیرایرانی باز کنیم، باید برنامه‌ریزی کنیم. باید وزارت علوم و هم کشور تصمیم گیرد که راه را برای جذب نخبگان غیرایرانی باز کند که در اینجا مقصود ایرانیان دو تابعیتی نیست. باید به دانشجویان و افراد نخبه بورس دهیم. همان کاری که غرب با ما کرده است، ما باید برعکسش را انجام دهیم. رؤسای دانشگاه‌ها چه کاری باید انجام دهند؟ هیئت تشکیل بدهید و نخبگان کشورهای دیگر را پیدا کنید و به کشور بیاورید. هیچ کسی مانع شما نمی‌شود، قدرت دارید، پول دست شماست، اختیار هم دارید. زمانی رئیس جمهور گفتند ما قدرت نداریم، اتفاقاً قدرت دارید. رئیس است، راه بیفتید و نخبگان را به کشور بیاورید. مشکل دیگر که در صحبت‌ها مطرح شد و به نظر ضعیف است، اینکه کشور تصمیم بگیرد دانشگاه‌ها را در تصمیم‌گیری آزاد بگذارد تا در بخش‌هایی که می‌خواهد پیشرفت کند و آزادی‌هایی به دانشگاه در توسعه تشکیلات و جذب هیئت علمی بدهد و به این ترتیب خود دانشگاه جهت حل مسائل اقدام کند. البته بحث پول بحث دیگری است اما این اختیار در حوزه‌های مختلفی همچون هوش مصنوعی، ژنتیک و سایر حوزه‌هایی که در نقشه جامع علمی کشور مطرح شده، داده شود. منظور، دانشگاه‌های درجه سه و چهار نیست، حداقل به دانشگاه‌های سطح اول اجازه دهید تا این اختیار را داشته باشند و حوزه تشکیلات خود را توسعه دهند، ایجاد شغل کنند، افراد را استخدام نمایند و اقدامات دیگر انجام دهند. هم‌اکنون چنین شرایطی مهیا نیست، باید مشکل دو تابعیتی‌ها حل شود. کشور باید جوابگوی این مسائل باشد.

دو تابعیتی را بیاورید تا علم را بیاورد، انتقال تکنولوژی صورت گیرد، کارهای آزمایشگاه را اداره کند و توسعه علم بدهد. تصمیم گیری این موضوع به شورای عالی انقلاب فرهنگی یا هر سازمان مسئول دیگر مربوط می شود. در حال حاضر که مبهم است. همچنین جرأت از مدیران در حوزه توسعه علمی گرفته شده است. در سفری به اروپا به عنوان نماینده مجلس سندی را که اروپایی ها در حوزه علمی تنظیم کرده بودند دیدم و در آن ذکر کرده بودند که ایران در این رشته ها محروم است. حتی دانشجوی ایرانی هم نمی پذیرند. خواهشی که دارم این است که دکتر حدادی اصل و معاونت دانشجویی، این سند را مقابل دانشگاه های بزرگ بگذارند، پرونده کشورهایی که ما را محروم کردند، باز کنیم و برای حل این مسئله به شورای گسترش مراجعه کنیم. در آخر باید بیان کنم که باید رویکرد پروژه ای به بحث مرجعیت علمی داشته باشیم. موضوع با هم اندیشی حل نمی شود. چند پروژه در شاخه های مختلف تعریف کنید. یک سند و برنامه مرجعیت علمی تنظیم شود که اگر کشور قصد دستیابی به آن را دارد چه اقداماتی مورد نیاز است.



دکتر محمدعلی زلفی گل
وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

موضوع سخنرانی:

جمع بندی

هوالعلیم

برای اینکه بتوان از این جلسه نتیجه کاربردی گرفت، باید مرجعیت علمی را در بخش‌های مختلف تعریف کرد که البته موضوعات انتخاب شده تا حدودی بر این اساس بود. مرجعیت علمی در بخش آموزش، پژوهش، محتوا، تجهیزات. هر کدام از این بخش‌ها می‌تواند به عنوان مرجع باشد و شاخص خاص خود را داشته باشد. باید شاخص‌های مدنظر در هر یک از بخش‌ها تعریف شود و همچنین بسترسازی برای منابع انسانی که در زمینه تعریف شاخص‌ها فعالیت دارند نیز اهمیت پیدا می‌کند. به عنوان مثال در بخش آموزش، اگر مرجعیت علمی را تعریف کنیم، شاید یکی از شاخص‌ها آن باشد که استادی آنچنان مفاهیم درسی را خوب تدریس کند که کلاس درس وی را ضبط کنند، در یوتیوب یا در کانالی منتشر کنند؛ طوری که اگر کسی خواست بیشتر بیاموزد و عمیق‌تر مطلب را فرا گیرد بتواند به آن رجوع کند. و یا در بحث محتوا چه اقداماتی انجام شود که اساتید کتاب‌هایی بنویسند تا به عنوان مرجع در ابعاد ملی و فراملی محل رجوع باشند و یا مجلاتی را منتشر کنند که در ابعاد فراملی تحت نمایه قرار بگیرند.

بحث فناوری نیز شاخصه‌های خاص خود را دارد و باید به آنها توجه کرد. علاوه بر این، قوانین و مقررات، طوری تنظیم شوند که مرجع‌پرور باشند. قوانین و مقررات، نظام انگیزش و سنجش به گونه‌ای طراحی شود تا به ایجاد انگیزه منابع انسانی در پژوهشگاه‌ها، دانشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری بیانجامد و رشد کنند و تبدیل به مرجع شوند. در بحث مرجعیت علمی از دانشگاه‌ها چه انتظاراتی داریم؟ از پژوهشگاه‌ها چه انتظاراتی داریم؟ از پارک‌های علم و فناوری چه انتظاراتی داریم؟ آیا اصلاً مرجعیت علمی با مرجعیت فناوری فرق دارد یا ندارد، یا با هم یکی است؟ طبیعی است که با هم یکی نباشد، چون وقتی با هم یکی در نظر بگیریم، بعضی دوستان مطرح می‌کنند که مقاله در این حوزه نقش کلیدی ندارد. حرفشان هم صحیح است. چون بعضی از دیدگاه‌هایی است که دانش، علم نافع است و دانش باید خلق ارزش و ثروت کند. این نشان می‌دهد که در گام اول باید تعریفی از مرجعیت علمی داشته باشیم. بنده تعریفی از مرجعیت علمی ارائه کردم: اساس مرجعیت علمی، نوآفرینی، ثبت و ضبط آن است که به خالق آن مرجع گفته می‌شود و به آن ارجاع داده می‌شود. اساس مرجعیت علمی، چیز نو

خلق کردن است. در پژوهش، یک پژوهشگر باید مواردی را ببیند که قبلاً دیگران ندیده‌اند، به چیزی بیندیشد که قبلاً دیگران به آن نیندیشیدند؛ رفتن از راهی است که قبلاً دیگران نرفته‌اند. راهی انتخاب شود که کم‌هزینه‌تر و سهل‌الوصول‌تر باشد و نیاز به انرژی کمتر داشته باشد. پس در مجموع، اساس مرجعیت علمی، نوآفرینی است.

نوآوری یعنی از جای دیگر ارائه کنیم، اما نوآفرینی یعنی خود خلق کنی. پس از پذیرش این مفهوم، شرایط و وضعیت خود را بررسی کنیم. دوستان نظرات خاص خود را مطرح کردند اما بعضی از نگاه‌ها در جامعه تسری پیدا کرده است و در نتیجه، بعد از چهل سال از پیروزی انقلاب بدهکار هستیم. مدام آیه می‌خوانیم. به همین دلیل نوع نگاه جوانان به نظام جمهوری اسلامی طوری است که نباید باشد. باور کنید من به هر یک از دانشگاه‌های کشور می‌روم، شهرک دانشگاهی که می‌بینم، تعجب می‌کنم که جمهوری اسلامی این همه پول از کجا به دست آورده که این اقدامات را انجام داده است. دیروز اصفهان بودیم، ورزشگاه ولایت را دیدید؟ اگر قصد ساختن آن را داشته باشیم چقدر پول می‌خواهد؟ من فکر می‌کنم ۱۵۰۰ میلیارد تومان نیاز است. هفته گذشته سمنان بودیم، در دانشگاه سمنان سالن آمفی تئاتر و کتابخانه‌ای ساخته شده که فکر می‌کنم اگر قصد ساختن آن را داشته باشیم، ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ میلیارد تومان پول نیاز دارد. غرض این است که در کشور کم‌کاری نشده است. دهه اول انقلاب، فقط ترویج علم داشتیم، آموزش می‌دادیم و لیسانس تربیت می‌کردیم، آن موقع من و آقای دکتر صالحی جزو اولین دانشجویان دکتری بودیم که داخل کشور در دانشگاه شیراز تحصیل می‌کردیم. آرزویمان این بود که بتوانیم برای نشریه «Science Communication» مقاله بنویسیم تا با ضریب تأثیر ۱ چاپ بشود (رشته شیمی اولین رشته‌ای بود که دوره دکتری را راه‌اندازی کرده بود). اصلاً رشته‌های دکترا در کشور نبود، پس تولید علمی وجود نداشت، اما در حال حاضر الحمدلله به لطف خداوند اتفاقات بزرگی افتاده است. پس «کجا بودیم»، «هم‌اکنون کجا هستیم» و «کجا می‌خواهیم باشیم». خواهش من این است که به طور خاص، ما به عنوان اعضای هیئت علمی و رؤسای دانشگاه‌ها به فرمایش مقام معظم رهبری (مدظله العالی) مبنی بر جهاد تبیین، توجه کافی داشته باشیم. این همه پول و امکانات و ساختمان و خوابگاه و سالن‌های ورزشی در دانشگاه‌های مختلف ساخته شده ولی نگاه‌ها بدین صورت است که جمهوری اسلامی ظلم کرده است. به نظر من اقدامات خوبی رخ داده است. بر اساس آمار، سال ۱۳۸۳ تنها ۴ دانشمند، ۱ درصد برتر بوده که در زمان وزارت آقای دکتر توفیقی به این چهار نفر جایزه داده شده است و تشویق‌های زیادی انجام شده است که ۴ دانشمند ۱ درصد برتر داریم. در حال حاضر در کشور، ۸۴۰

دانشمند ۱ درصد بین‌المللی و ۱۹۰۰ دانشمند ۲ درصد بین‌المللی وجود دارد. دانایی و کسب مرجعیت علمی، آسانسوری نمی‌شود. این‌ها تدریجی و پلکانی است؛ یعنی این‌طور نیست که یکباره انتظار داشته باشیم که یک نفر به صورت تزریقی دانشمند شود. این‌ها پلکانی و تدریجی است و برنامه‌های ما هم باید این‌طور باشد.

در خصوص پیشنهاد ایجاد ردیف بودجه ویژه‌ای برای مرجعیت علمی تا حدودی این کار انجام شده و با دوستان در مجلس صحبت‌هایی شده است. در راستای ارتقای افزایش جهش علمی بر مبنای عملکرد، از ۱۵ درصد به میزان ۲۵ درصد تلاش‌ها و اقداماتی انجام شده است. یعنی افرادی که کار بیشتر و تلاش بیشتری می‌کنند، بهره بیشتری ببرند. علت افزایش پایه‌های تشویقی از ۶ یا ۷ پایه به ۶۰ پایه چه بوده است؟ برای اینکه افرادی که شاخص و مرجع هستند به جای اینکه فقط سالی یک پایه بیشتر بگیرند از سه پایه برخوردار شوند. در شورای برنامه‌ریزی مصوب شد اساتید برتر به صورت استادمحوری بتوانند دانشجوی استعداد درخشان و بدون کنکور به صورت مستقیم بگیرند. به عنوان یک برنامه قصد داریم به صورت پایلوت و در مقیاس کوچک، پذیرش دانشجو به صورت استادمحور انجام شود. برای مثال در گروه مهندسی شیمی، به جای اینکه دانشجویها در گام اول دانشگاه تهران و سپس اساتید را انتخاب کنند، نام اساتید را مستقیماً به دانشجویها داده تا استاد را انتخاب کنند. بدین ترتیب دانشجویهای رتبه برتر، استادی را انتخاب می‌کنند که مرجعیت بالاتری دارد. برای المپیادی‌ها نیز از این دست اقدامات انجام شده است. با تفاهم‌نامه‌ای که با معاونت علمی فناوری ریاست جمهوری امضا کردیم و از سال گذشته اجرا شد، به رتبه‌های زیر ۱۰۰ توسط بنیاد ملی نخبگان حقوق داده می‌شود. پیش از این المپیادی‌های ریاضی و فیزیک در رشته‌ای تحصیل می‌کردند که مرتبط نبود. برای حل این مسئله راه حلی ارائه شد که فردی که موفق به کسب مدال جهانی المپیاد در رشته ریاضی شده، همان رشته ریاضی ادامه تحصیل دهد و شاید در آینده بتواند به جایزه نوبل دست یابد و یا کسی که مدال طلای جهانی در رشته فیزیک کسب کرده همان فیزیک را ادامه دهد و نگران شغل آینده‌اش نباشد. چون خیلی از آنها نگران شغل آینده‌شان هستند و به همین دلیل در رشته‌های دیگر تحصیل می‌کنند. این موضوع با بنیاد ملی نخبگان مطرح شد و مصوب شد که به آنها حقوق داده شود. همچنین مصوب شد در صورت حفظ پویایی، در صورت فارغ‌التحصیلی در دوره دکتری مستقیماً عضو هیأت علمی بشوند. تا حدودی شرایط را برای افراد مرجع مهیا شود تا بتوانند از امتیازات استفاده کنند. البته این موارد کافی نیست این جلسه باید راهکاری ارائه دهد. به طور مثال، در سال گذشته به مجلاتی که تحت نمایه‌های

بین‌المللی در آمدند، صد میلیون اعطاء شد. اگر استادی سردبیر یا مدیر مسئول باشد و مجله را در سطح بین‌المللی نمایه کند، به ایشان یک پایه برای نشریه انگلیسی و دو پایه برای نشریه فارسی اعطاء می‌شود. همچنین به ازای هر پنج سال که مجله را در نمایه بین‌المللی حفظ کند، یک پایه به ایشان تعلق می‌گیرد که در واقع برای افراد شاخصی است که هم مرجع هستند و هم بستر مرجعیت را ایجاد می‌کنند. البته اینها کافی نیست. در این جلسه باید اعضای هیئت علمی به عنوان مجری، راهنمایی کرده و یک راهکار ارائه دهند. پیشنهادهایی برای تغییر آیین‌نامه ارتقاء، ترفیع و پژوهانه ارائه کنند. اینکه چه اقداماتی صورت گیرد تا این موارد به بندهای آیین‌نامه و مقررات تبدیل شود، در این صورت است که افراد انگیزه پیدا می‌کنند تا بیشتر پیشرفت کنند و سکوی پرتاب برای آنها ایجاد شود. فکر از حکیمان و اجرا با حاکمان یا مجریان کار. همچنین باید برنامه‌ریزی‌هایی با کمک آقای دکتر طاهری‌نیا صورت پذیرد تا کنفرانس یک روزه یا دو روزه تحت عنوان «مرجعیت علمی» برگزار شود که تأمین مالی آن از طرف وزارت علوم حمایت می‌شود. مرجعیت علمی باید به یک جریان علمی تبدیل شود تا از ظرفیت‌های انجمن‌های علمی (۴۰۰ انجمن علمی وجود دارد) و نظرات اساتید دانشگاه در هر رشته استفاده شود و کنگره دو روزه یا سه روزه حتی با دعوت ریاست محترم جمهوری برای افتتاحیه برگزار شود. بجای اینکه تنها ۳۰ یا ۴۰ نفر نظراتی ارائه دهند، یک جریان ملی پدید آید. همانند المپیادهای علمی که در دوران دبیرستان در سطوح مختلف مدرسه، استانی، کشوری و منطقه‌ای برگزار می‌شود و هدف، انتخاب تنها ۲۰ نفر نیست بلکه هدف ایجاد یک جریان علمی است. هر کس که جرقه این کار را بزند باید مورد تحسین قرار گیرد. ان‌شاءالله برنامه‌ریزی برای برگزاری کنگره در دستور کار قرار گیرد و از طرف وزارت علوم حمایت کاملی در زمینه امکانات، مکان، مهمانسرا برای دانشمندان و دانشجویانی که مقاله ارائه می‌دهند و حتی ارائه هدایا و جوایز به آنها تبیین می‌شود. حتی مقالات برگزیده کنگره، در نشریاتی که مرتبط با سیاست‌گذاری علمی هستند، منتشر می‌شوند. ان‌شاءالله این ظرفیت، تبدیل به جریان علمی شود و خروجی آن، ارائه راهکار کاملاً واضح و مشخصی باشد. به طوری که بندی به آیین‌نامه ارتقاء، ترفیع و سایر آیین‌نامه‌ها افزوده شود تا اجرای آن به تغییراتی منجر گردد.